

# هفته

سال چهاردهم - پنجشنبه ۲۵ / آذر ۱۴۰۰ / ۱۶ دسامبر ۲۰۲۱

بها: ۲,۵ دلار

## ۶۶۱

www.hafteh.ca



اهدای بورس تحصیلی «بنیاد پریا» به ۶۰ دانشجوی ایرانی

## می خواستم با آمدن فرزندانم از دنیا نروم

گفت و گو با «ساقی قهرمان»

یکی از صد زن

برگزیده سال ۲۰۲۱



# Auguste & Louis

CONDOMINIUMS



واحدهای جدید با چشم‌انداز شهر و رودخانه زیبای سن لوران

آپارتمان‌های استودیویی، ۱ و ۲ و ۳ خوابه  
در قلب مرکز شهر مونترال  
قیمت خرید:  
از ۲۶۸۰۰۰ دلار (بملاوه مالیات)



ناهید حسن علی  
نماینده فروش

SALES REPRESENTATIVE  
438 800 - 9563

همین امروز ثبت نام کنید!

[AUGUSTEETLOUISCONDOS.COM](http://AUGUSTEETLOUISCONDOS.COM)







**دکتر شریف**  
دکتر البذال  
دکتر دالیوال  
دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif  
Dr. Albazzal  
Dr. Dhaliwal  
Dr. Linda Attar

**تخفیف ویژه برای**

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪  
بیماران جدید ۱۰٪

**Montreal**

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,  
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

**Brossard**

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd  
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire  
soleil-brossard.com



**مسعود هاشمی**

مشاور املاک در مونتreal بزرگ

همراه شما در خرید یا فروش از ابتدا تا انتها  
خدمات حرفه‌ای و صادقانه بهترین تبلیغ ماست

- ▲ مهندس راه و ساختمان از پلی تکنیک تهرآن
- ▲ با بیش از ۲۵ سال تجربه در ساخت و معاملات مسکن
- ▲ بهترین شرایط تهیه وام و خرید ملک حتی برای تازهواردین بدون درآمد
- ▲ مشاوره رایگان حضوری و تلفنی، تمام روزهای هفته حتی ایام تعطیل
- ▲ متخصص در امر سرمایه گذاری در املاک درآمدزا یا پیش خرید
- ▲ خرید، فروش یا تعویض مسکن
- ▲ خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران



**Massood Hashemi**  
Residential Real Estate Broker

**Cell: (514) 298-4567**

massood.hashemi@century21.ca

Office: 1980 Notre-Dame West  
Montreal, QC, H3J 1M8

Tel: (514) 933-1221

Serving you with  
Most Credible Institutions:



**NASRIN  
EYNOLLAHI**

**Financial  
Security Advisor**

(514) 839-7978

## فسرین عین‌الهی

مشاور مالی، کارشناس بیمه، سرمایه‌گذاری و وام مسکن

### انواع بیمه‌ها

- بیمه عمر
- بیمه برنامه‌ریزی امور بعد از فوت
- بیمه وام مسکن
- بیمه مسافرتی
- بیمه سوپر ویزا
- بیمه درمانی و دندان
- بیمه دانشجویی
- بیمه بیماری‌های خاص
- بیمه از کارافتادگی و پوشش درآمد
- بیمه ماشین، خانه، مشاغل و مسئولیت

### پس‌انداز و انواع سرمایه‌گذاری‌ها

- حساب پس‌انداز تحصیلی کودکان (RESP)
- حساب پس‌انداز بازنشستگی (RRSP)
- حساب پس‌انداز معاف از مالیات (TFSA)
- استراتژی کاهش میزان Tax و مدیریت هزینه‌ها

وام مسکن (با بهترین نرخ بهره)

مدیریت بدهی‌ها (کنترل و حذف بدهی‌ها)

How do you convey your message  
to your customer?...

در انبوه پیامهای فضای مجازی

چگونه صدای خود را به مشتری برسانید؟

- تولید محتوا برای سوشل‌میدیا
- Social media content creation
- برنامه‌ریزی و مدیریت صفحات وب
- Planning and managing web pages
- طراحی گرافیک
- Graphic design
- مشاوره برندسازی
- Branding strategy
- مشاوره استارت‌آپ
- Business start-up consultation

طمه  
فامیرزایی Fa. MIRZAEI

Graphic Design . MBA

mirzaeefa74@gmail.com / www.fa-graphics.com

+1 (416) 833-3562



Sutton



# آرزو گتمیری مشاور املاک

**AREZOU GATMIRI**  
Courtier Immobilier Résidentiel

[agattmiri@sutton.com](mailto:agattmiri@sutton.com)

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

**Cell: (514) 561-3-561**

Groupe Sutton-Sur L'île  
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8  
Bureau: (514) 769-7010

Sutton

# فیروز همتیان

## مشاور املاک مسکونی و تجاری

با ۳۸ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۸ سال تخصص در مشاوره املاک

- مشاور ارشد املاک در مونترال و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وام های مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



ارزیابی رایگان

**Cell: (514) 827-6364**

Bur: (514) 364-3315  
[fhemaatiyan@sutton.com](mailto:fhemaatiyan@sutton.com)  
9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9

Firouz Hemmatian  
Courtier Immobilier Agréé  
Certified Real Estate Broker

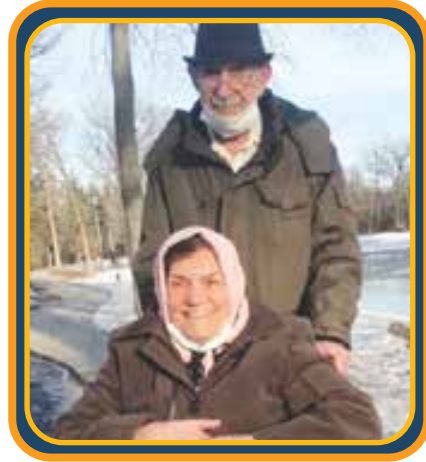
## ۱۷ پرونده هفته



فرنگیس شکیبا

هدف این بود که با آمدن فرزندانم من از دنیا بروم  
گفت و گو با «ساقی قهرمان» یکی از صد زن برگزیده سال ۲۰۲۱

## ۲۴ مهاجرت



مقاله: معصومه علی محمدی

این ۱۲ نفر بر سیاست‌های مهاجرتی کانادا نظارت می‌کنند

مهاجرت: گزارش

اخراج پیرمرد ۸۵ ساله ایرانی از کانادا  
داستان عجیب میرزا علی واعظزاده، کارمند سابق ساواک

## ۳۱ ادبیات، فرهنگ و هنر



ادبیات: گفت و گو

فرشته احمدی: در ایران می‌مانم  
بازنشر یک گفت و گو اختصاصی

ادبیات، یادداشت: فرشته احمدی

ما این جاییم  
ادبیات داستانی ایران، محبوب و در پرده

ادبیات، معرفی کتاب: سندی مؤمنی

کتاب: هزار توی تاریکی  
نویسنده: مهدی جعفری

سینمای هفته: عارف محمدی

معصومیت انسان و برده‌داری مدرن!

ادبیات، شعر:

دُرِ دَری؛ عبدالرحمن پژواک

برگرفته از «همدلی و همزبانی» از بهروز جباری

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال چهاردهم - شماره ۶۶۱

پنجشنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۰ / ۱۶ دسامبر ۲۰۲۱

بها: ۲/۵ دلار

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار / دانشجویی: ۶۰ دلار

تطبیقات هفته در سال ۲۰۲۱ میلادی:

پنجشنبه ۷ ژانویه، پنجشنبه ۲۵ مارچ

پنجشنبه ۸ جولای، پنجشنبه ۱۴ اکتبر

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4

www.hafteh.ca

info@hafteh.ca

news@hafteh.ca

ad@hafteh.ca

ISSN 1918-4379 Hafteh

Head Office:

1980 Sherbrooke St. W.

Suite: 900

Montreal, Quebec, H3H 1E8

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.

■ لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.

■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.

■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.

■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ است آن کلام  
غافل است از حال مرغان مردخام



**آریانا، گفت و گو؛ نرگس هاشمی**  
فخریه رضایی، جوان فعال موتریالی در گفت و گو  
با هفته:

**نباید ریشه‌هایم را فراموش کنم**

**آریانا؛ داستان؛ جمیله هاشمی**  
**زن اسیر و مردان حریص**  
بخش یک از دو بخش

## ۵۶ جامعه

**دانش؛ حمید شورکایی**

**تز پزشکی یک ادیب**  
فیلیپ ایگناس سمل ویس در مقاله لویی فردینان  
سلین

**سلامت تن و روان؛ الهام گرامی**  
**تفاوت اعتماد به نفس و عزت نفس در چیست؟**

## ۳۰ خانواده و سرگرمی

**آشپزی؛ مهسا عباس پور**  
سالاد بروکلی

**سرگرمی؛ خاطره تحویل‌داری یکتا**  
سخن ستارگان، برای تفنن  
طنز و حکایت و سرگرمی



**سیاست؛ احمد زیدآبادی**  
**دولت‌های انقلابی و ضرورت انباشت اقتدار!**

**سیاست؛ نگاه شریفی**  
آخرین فعالیت‌های سیاستمداران ایرانی تبار کانادا  
**جوهری و احساسی در ماه غسل پیروزی**  
**پارلمان**  
**پارسا و قمری، خیز به سوی انتخابات انتاریو**

**خوانندگان؛ جعفر خدیر**  
**بزرگ‌ترین حرکت انقلابی دهقانی تاریخ**  
**خاورمیانه بود**  
به مناسبت سالگرد وقایع ۲۱ آذر و تشکیل فرقه  
دموکرات آذربایجان

**اقتصاد؛ آرمین آریانپور**  
**تورم، خرید سال نو و مدیریت بودجه**  
**خانواده**

**ادبیات؛ فرنگیس شکیبا و یاسمن حسنی**  
**سلامت؛ دکتر فائمه ابراهیمی و الهام گرامی**  
**حقوق؛ نیشا ریاحی**

**اقتصاد؛ آرمین آریانپور**  
**بخش دانشجویی؛ عباس محرابیان**  
**گروه ترجمه؛ فیروزه مسیحا، نگین پرورنده**

**سرمدیبر وبسایت؛ آرش محبی**  
**مدیر فنی وبسایت؛ بهمن عسگری‌پور**

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: مهدی توکلی تیریزی، جمیله هاشمی



**گزارش ویژه؛ آرسام ارانی**  
ماجرای ۲۱ آذر و صف‌آرایی چهار گروه برابر  
هم  
**نگاهی به فراز و فرود نخستین حکومت**  
**شورایی در ایران**

**سردبیر؛ خسرو شمیرانی**

**طراح و صفحه‌آرا؛ آتلیه هفته**  
**کاریکاتورگیت؛ سیروس یحیی‌آبادی**  
**عکاس؛ مهناز زنجیرزنی**

**اخبار کانادا؛ گروه خبر هفته**  
**اخبار باهمستان؛ زهرا صالحی**  
**آریانا؛ نرگس هاشمی**  
**مهاجرت؛ معصومه علی‌محمدی**



# ساقی قهرمان، زنی که چهار ستون سنت دورویی را به لرزه انداخته است



زندانی است من و تو دربندیم، در بند فریب. شعر زیر از حضرت مولانا تحفه‌ای است به این ساقی قهرمان و تمامی ساقی‌های دیگر که بی قهرمانی آنان طروات از جهان ما رخت برمی‌بست و جهنمی از دروغ و آتش برجای می‌ماند.

بیا ساقی می ما را بگردان  
بدان می این قضاها را بگردان

قضا خواهی که از بالا بگردد  
شراب پاک بالا را بگردان

زمینی خود که باشد با غبارش  
زمین و چرخ و دریا را بگردان

نیندیشم دگر زین خورده سودا  
بیا دریای سودا را بگردان

اگر من محرم ساغر نباشم  
مرا لا گیر و الا را بگردان

اگر کژ رفت این دل‌ها ز مستی  
دل بی دست و بی پا را بگردان

شرابی ده که اندر جا ننگم  
چو فرمودی مرا جا را بگردان

به خود شبیه‌تر می‌داند و به این اعتبار مصالح اصلی کارش واژه است، دورویی رایج در استفاده از واژه‌ها را طرد می‌کند و بی‌هیچ مصلحتی، با شجاعت تمام از هر واژه به جای خود بهره می‌برد.

شجاعت برای قهرمانی شرط لازمی است که کافی نیست و ساقی سفره ما «قهرمان» هم است. تو برای قهرمان شدن باید بتوانی در لحظه نیاز جایی باشی که باید باشی، و قهرمان روایت ما هست. زمانی که گروهی از اعضای جامعه قربانی تزویر حاکمان اخلاق هستند به میدان می‌آید و برای دفاع از این ضعیف‌ترین‌ها پا به میدان می‌گذارد. خودش می‌گوید در کارزار دفاع از این آسیب‌پذیرترین‌ها نوشتن کافی نیست باید بود و حضور داشت و عمل کرد و او چنین می‌کند. سازمان دگرباشان جنسی ایران (ایرکو) را راه‌اندازی می‌کند و برای حقوق دگرباشان زن/مرد میدان می‌شود. شاید بتوان گفت که در جوامع شرقی ما دگرباشان جنسی بی‌پناه‌ترین گروه جامعه هستند و برای حقوق آنها به میدان آمدن و سینه‌ی برهنه خود را هدف تیرهای زهرآگین جهل و نفرت کردن تنها و تنها از یک قهرمان ساخته است و بس. فرنگیس شکبیا عزیز در این شماره با ساقی قهرمان گفت‌وگو کرده است، گفت‌وگویی که احتمالاً برخی از عزیزان را برنجانند. پیشاپیش بابت این رنجش پوزش می‌خواهم و خواهش می‌کنم دست در دست هم بگذاریم و واژه را از قفس آزاد کنیم. یادمان باشد تا زمانی که واژه

این نام باید در لیست صد زن تاثیرگذار ۲۰۲۱ قرار می‌گرفت. یکی از بامسماترین نام‌هایی است که شنیده‌ام، هم «ساقی» است و هم «قهرمان». ساقی است، از آن ساقی‌ها که مولانا خطابشان می‌کند: «بیا ساقی می ما را بگردان / بدان می این قضاها را بگردان». «می گردانی» ساقی روایت ما تشت رسوایی دورویی سنتگرایان را از بام می‌اندازد. همین است که از نامش نیز می‌ترسند و یک مصاحبه ادبیاتی با او دلیلی می‌شود تا یکی از بزرگترین روزنامه‌های کشور یک‌شنبه زیر تیغ سانسور روحانیون بی‌نصیب از روحانیت به خاموشی ابدی محکوم شود. ساقی شجاع است؛ باید باشد مگر می‌توانی ترسو باشی و می گردانی کنی؟ آن هم در سرزمینی که دورویی و مکر و دروغ از بامداد تا شامگاه کسب و کار مدیران و مردمان شده؛ داغ مَهر ریا برپیشانی مردان قدرت مستحق دریافت جایزه است؛ سرپاسدار نظامش در روز روشن از لگن ویروس‌یاب رونمایی می‌کند و حتی به مخیله رهبران خطور نمی‌کند از این سرپاسدار مردم‌فریب بپرسند ماجرای این لگن چه بود و مرگ ده‌ها هزار انسان چرا؟ ساقی ما که ساقی شاعر را از هر ساقی دیگری



# اخبار گزارش‌ها



گروه خبر و ترجمه هفته

## تامین امنیت پرنس هری برای مالیات دهندگان

### کانادایی ۳۳۴ هزار دلار تمام شد

سپتامبر سال ۲۰۱۷ در تورنتو برگزار شد، به شدت در کانون توجه رسانه‌ها قرار گرفت چرا که در آن زمان روابط عاطفی او با مگان مارکل به تازگی به رسانه‌ها درز پیدا کرده بود. بازی‌های اینوکتوس که پرنس هری پایه‌گذاری کرده است، فرصتی بود تا شاهزاده انگلیسی و همسر آتش برای اولین بار کنار هم در انتظار عمومی ظاهر شوند. به گفته آقای بوردواس، پس از آن که پرنس هری مسئولیت‌های سلطنتی خود را رها کرد، وظیفه تامین امنیت او توسط ژاندارمری سلطنتی نیز در زمان اقامت او در کانادا پایان یافت.

خانم مارکل در شهر تورنتو مستقر شده بود تا در سریال تلویزیونی Suits که در این شهر در حال فیلمبرداری بود، شرکت کند. تصمیم پرنس هری و مگان مارکل برای گذراندن تعطیلات پایان سال در بریتیش کلمبیا در سال ۲۰۱۹-۲۰۲۰ نیز ۹۳ هزار دلار هزینه روی دست ژاندارمری سلطنتی کانادا گذاشت. مجموع فاکتورهای ژاندارمری سلطنتی کانادا برای تامین امنیت این زوج سلطنتی از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ بالغ بر ۳۳۴ هزار دلار می‌شود. حضور پرنس هری در بازی‌های اینوکتوس که



شاهزاده هری در کنار مگان مارکل در بازی‌های اینوکتوس تورنتو در سال ۲۰۱۷

سفرهای پرنس هری در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۷ به کانادا همزمان با برگزاری بازی‌های اینوکتوس و البته دیدار با مگان مارکل که بعداً همسر او شد، به تنهایی ۱۸۲ هزار و ۴۰۰ دلار هزینه روی دست ژاندارمری سلطنتی کانادا گذاشت. این مبلغ که در واقع از جیب مالیات‌دهندگان کانادایی هزینه شد، به تامین امنیت پرنس هری و همسر آتش اختصاص یافت. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، در آن زمان

## سایت آژانس در آمد و مالیات کانادا به علت مشکل

### امنیتی از دسترس خارج شد

جهان تحت تاثیر قرار داده است با این حال در این بیانیه به اسامی سازمان‌های مدنظر یا ماهیت مشکل امنیتی پیش آمده، اشاره‌ای نشده است. ایتن بیرام، سخنگوی آژانس درآمد کانادا نیز در گفتگو با رادیو کانادا بر همین موضوع تاکید کرد اما مشخص نکرد که چه زمان وبسایت آژانس فدرال دوباره قابل دسترسی خواهد بود. آقای بیرام گفت: «ما بابت مشکل پیش آمده از شهروندان پوزش می‌طلبیم و از صبر و شکیبایی آن‌ها تا زمان برطرف شدن مشکل، قدردانی می‌کنیم.»

در وبسایت آژانس درآمد و مالیات کانادا که تا زمان انتشار این خبر در رادیو کانادا بیش از ۱۵ ساعت ادامه داشت، مانع از آن شده که کاربران به بخش‌های مختلف وبسایت آژانس به ویژه بخش «پرونده من» دسترسی داشته باشند. مسئولان این نهاد ظهر روز شنبه نتوانستند مشخص کنند این مشکل کی برطرف خواهد شد و فعالیت سایت چه زمان به حالت عادی باز خواهد گشت. آژانس درآمد و مالیات کانادا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد مشکل امنیتی که موجب تعلیق فعالیت‌های آنلاین این نهاد شده، سازمان‌های زیادی را در



آژانس درآمد و مالیات کانادا جمعه شب دهم دسامبر به علت نگرانی بابت «آسیب‌پذیری امنیتی»، فعالیت‌های آنلاین خود را به حال تعلیق درآورد.

جمعه شب وبسایت آژانس درآمد و مالیات کانادا به علت یک مشکل امنیتی از دسترسی کاربران خارج شد و مسئولان این آژانس اعلام کردند فعالیت‌های آنلاین خود را موقتاً به حال تعلیق درآورده‌اند تا جلو «آسیب‌پذیری امنیتی» را بگیرند. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، اختلال

## فرانسوا لوگو از اخراج معلم محجبه دفاع کرد

کاملاً دموکراتیک آن را در قالب قانون ۲۱ تصویب کرد. گفتنی قانون لائیسیته حکومت در کبک ژوئن سال ۲۰۱۹ با حمایت نمایندگان ائتلاف آینده کبک و پارتی کبک‌وا به تصویب رسید اما نمایندگان حزب لیبرال کبک و همچنین حزب همبستگی کبک به آن رای منفی دادند. به موجب قانون ۲۱ برخی مشاغل بخش دولتی کبک از جمله معلمان، ماموران پلیس، و کلا و قضات در زمان انجام وظیفه اجازه ندارند از نشانه‌ها و نمادهای مذهبی استفاده کنند.

به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، نخست‌وزیر کبک امروز در کنفرانسی مطبوعاتی که برای تشریح عملکرد پارلمان تشکیل شده بود، به مسئله اخراج این معلم زن مسلمان از کلاس درس به موجب قانون ۲۱ اشاره کرد و گفت زمانی که یک قانون در مجمع ملی استان تصویب می‌شود، لازم است که به اجرا گذاشته شود و همه آن را محترم بشمارند. بنابراین می‌بایست کمیسیون تحصیلی از استخدام این معلم خودداری می‌کرد تا چنین مشکلی پیش نیاید. فرانسوا لوگو افزود: «کبکی‌ها لائیسیته را انتخاب کردند و مجمع ملی کبک نیز به شکلی مناسب و



در حالی که اخراج فاطمه انوری، معلم زن محجبه از کلاس درس مدرسه‌ای ابتدایی در شهر چلسی، جنجال زیادی به پا کرده و اعتراض والدین دانش آموزان را نیز به دنبال داشته است، فرانسوا لوگو، نخست‌وزیر کبک، روز جمعه ضمن دفاع از اخراج این معلم از کلاس درس تاکید کرد به موجب قانون لائیسیته حکومت در کبک، کمیسیون تحصیلی Western Quebec نمی‌بایست این معلم را استخدام می‌کرد.

## برگزاری حضوری جشنواره نوروزی تیرگان از ۱۰ تا ۱۲ مارس ۲۰۲۲

و جشنواره تیرگان را در بهار و تابستان در جامعه ایرانیان کانادا برگزار می‌کند. البته تیرگان در ایام کرونایی هم بسیار فعال بوده است. به گفته آریین نژاد اجرای ۱۳ قسمت آنلاین، اجرا و برنامه‌ریزی یک برنامه پرفورمنس آنلاین برای دو هنرمند هیپ‌هاپ و رپ ایرانی که بیست و هشتمین ماه عرضه می‌شود و اجرای برنامه شب یلدای سال گذشته و نوروز امسال به‌طور آنلاین از جمله فعالیت‌های تیرگان در ایام کرونایی بوده است. مشروح مصاحبه هفته با مهرداد آریین نژاد به طور تصویری و مکتوب به زودی در رسانه هفته منتشر خواهد شد.

جشنواره نوروزی تیرگان از تاریخ ۱۰ تا ۱۲ مارس در تورنتو برگزار خواهد شد. رسانه هفته، گفتگوی مفصلی با مهرداد آریین نژاد، مدیر برگزاری جشنواره تیرگان داشته است که در شماره ۶۶۰ مجله هفته منتشر شد. آریین نژاد در این گفتگو اعلام کرد امیدوار است که اگر شرایط کرونایی اجازه دهد برنامه نوروزی تیرگان از تاریخ ۱۰ تا ۱۲ مارس در مرکز مریدین آرت سنتر (Meridian Arts Centre) واقع در نورث یورک برگزار شود. آریین نژاد همچنین اعلام کرد جشن تیرگان بعدی در سال ۲۰۲۳ برگزار خواهد شد. گفتنی است مجموعه تیرگان دو برنامه جشن نوروزی



## جشن شب یلدای کاسپین و ایساکو به کلی فروش رفت

جامعه ایرانی‌های مونترال را پشتیبانی کنند و لحظات قشنگی را در کنار هم و در کنار ایرانی‌های مونترال بسازند. این جشن باستانی که بعد از سکوت و خاموشی دو ساله برنامه‌ها و جشن‌ها برگزار خواهد شد، ایرانیان مونترال را بار دیگر در شب یلدا کنار هم جمع خواهد کرد تا با جشن و پایکوبی در کنار هم شاهد سپری شدن بلندترین شب سال و در پی آن بلندتر شدن روزها و نوید رسیدن روشنی‌های تازه باشند. علاقمندان برای پیگیری اخبار و برنامه‌های این دو انجمن می‌توانند به صفحه اینستاگرام isacuconcordia و caspian.mtl مراجعه کنند.

در اولین همکاری انجمن‌های دانشجویی کاسپین (انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه مونترال) و ایساکو (انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه کنکوردیا) به مناسبت جشن شب یلدا در کارینا کلاب مونترال، تمامی ظرفیت برنامه ظرف ۵ روز تکمیل شد. بخش اطلاع‌رسانی ایساکو در گفتگو با خبرنگار هفته با اشاره به استقبال خوب جامعه ایرانی‌های مونترال از این جشن گفت: «ظرفیت حدود ۱۶۰ نفری برنامه بعد از ۵ روز تکمیل شد.» بخش اطلاع‌رسانی ایساکو ابراز امیدواری کرد این قدم خوبی برای همکاری‌های آینده بین انجمن‌های دانشجویی ایرانیان باشد و بتوانند



## سفر به گذشته و آینده اقتصاد ایران با ماشین زمان

اقتصاد ایران با ماشین زمان) است و پس از ارایه‌ی آقای مهندس محسن جلال‌پور با هم در این زمینه گفتگو می‌کنیم.» محسن جلال‌پور دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت، فعال اقتصادی و رئیس دوره هشتم اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران است. وی ریاست اتاق بازرگانی کرمان و انجمن پسته را نیز در کارنامه خود دارد. این برنامه در تاریخ پنجشنبه ۱۶ دسامبر ۲۰۲۱ ساعت ۲۰ به وقت شرق کانادا برگزار خواهد شد.

گروه دایره برنامه بعدی خود را به بررسی دلایل ناکامی‌های اقتصادی و اجتماعی ایران در پنجاه سال گذشته و بررسی چشم‌انداز آتی اقتصاد ایران، اختصاص داده است. این گروه که فعالیت خود را از اوایل سال ۲۰۲۰ در مونترال شروع کرده است، نشست‌های خود را هر دو هفته یکبار و در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، هنری و روان‌شناختی برگزار می‌کند. در اطلاعیه این برنامه آمده است: «عنوان چهل و سومین نشست دایره (سفر به گذشته و آینده





## فقط یک دقیقه، نمایشی کمدی در مونترال

مرتضی خشنود و آراد معصوم آبادی (مشاورین مالی) و خانم Alina Sinaeva (مشاور املاک) از حامیان این برنامه هستند.

مازیار شاهچراغی کارگردان و بازیگر ساکن مونترال در گفت‌وگو با خبرنگار هفته با اشاره به این نکته که درس سینما خوانده است گفت که در مونترال حدود ۷-۸ کار تئاتر را کارگردانی کرده است. او همچنین افزود که در ایران در صحنه نمایش حضور داشته و کارگردانی دو نمایش را در ایران برعهده داشته است. شاهچراغی در ادامه افزود که تلاش دارد سهمی در وقایع فرهنگی ایرانیان مونترال داشته باشد. او در پایان گفت: «در حال حاضر به‌خاطر شرایط بسته‌ای که داشته‌ایم به نظر می‌آید کمدی بیشتر جواب می‌دهد ولی وقت‌های دیگر خیلی کارهای متفاوت دیگر کرده‌ایم». این نمایش در سالن Art Neuf اجرا خواهد شد.

Art Neuf, 3819 Av. Calixa-Lavallée H2L 3A7

داریوش رضوانی نویسنده، کارگردان و بازیگر با سابقه سینما و تئاتر ایران، در تازه‌ترین کار خود، نمایش کمدی «فقط یک دقیقه» را در تاریخ ۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۲ به روی صحنه خواهد برد.

مازیار شاهچراغی، شادی یزدانی و داریوش رضوانی در این نمایش ایفای نقش خواهند کرد. ترانه جعفری، صدایشگی و شادی یزدانی، تهیه‌کنندگی برنامه را به عهده دارند. در اطلاعیه این برنامه آمده است: «از شما دعوت می‌کنیم بعد از دو سال استرس، خبرهای بد و خانه‌نشینی، ساعتی را با ما همراه شوید تا با نمایشی کمدی میزبان شما باشیم.» نمایشی کمدی از زندگی یک زوج مهاجر که عشق از زندگی‌شان رخت بر بسته است. برگزارکنندگان تاکید می‌کنند که این نمایش برای کودکان مناسب نیست.

- در صورت عدم اجرای نمایش، هزینه بلیط به شما برگشت داده خواهد شد.

- وضعیت واکسیناسیون، باتوجه به ضوابط رسمی زمان نمایش بررسی خواهد شد.



## جشن شب یلدا همراه با انجمن دوستداران زرتشت

را هم بیاورید. لازم یه ذکر است که برای شرکت در این برنامه، داشتن پاسپورت واکسن اجباری است و به دلیل محدودیت‌ها، مقابل در ورودی بلیت فروخته نمی‌شود. برای رزرو بلیت لطفاً با آقای فروتن با شماره ۵۱۴۳۲۵۳۰۱۲ تماس بگیرید.

گفتنی است که انجمن دوستداران زرتشت از سال ۱۹۹۰ پایه‌ریزی شد و در سال ۲۰۰۳ به طور رسمی به ثبت رسیده است. اهداف این انجمن، پاسداری و برگزاری جشن‌ها و باورهای ایرانی و همچنین برگزاری سخنرانی‌های فرهنگی است.

انجمن دوستداران زرتشت، جشنی را به مناسبت شب یلدا در رستوران کازاگرک، واقع در لاسال برگزار می‌نماید.

این جشن در تاریخ شنبه ۱۸ دسامبر ۲۰۲۱ از ساعت ۱۹ با تدارک برنامه‌های شام، دسر و پذیرایی با میوه شب یلدا و رقص و پایکوبی همراه با دی‌جی الکاپون برگزار می‌شود.

مکان برگزاری جشن رستوران Casa Grecque است که در شماره ۷۲۱۸ بولوار Newman در لاسال واقع شده است.

طبق اطلاعیه این برنامه، هزینه ورودی جشن برای بزرگسالان ۴۵ دلار و برای کودکان ۲۵ دلار می‌باشد. همچنین می‌توانید شراب خود



## با حضور شخصت‌ها و اصحاب رسانه جامعه ایرانیان تورنتو: اهدای بورس تحصیلی بنیاد پریا به ۶۰ دانشجوی ایرانی



کشوری که تنها ۱۵۰ سال تاریخ دارد. ما باید برای مملکتی که تنها بعد از ۱۵۰ سال، به اینجا رسیده احترام قائل باشیم و آن‌ها را که همه چیز را به خوبی می‌دانند؛ دست کم نگیریم.» او با بیان اینکه بیش از ۹۰ درصد استعدادهایی که از ایران برای تحصیل در کانادا خارج می‌شوند در این کشور می‌مانند؛ گفت: «شما باعث افتخار جامعه ایرانی هستید و کانادایی‌ها هم به خوبی قدر جامعه ایرانی را می‌دانند که در سیاست، تجارت، دانشگاه و... موفق بوده‌اند.» احمدرضا تبریزی خطاب به دانشجویان ایرانی با تأکید بر اهمیت شبکه‌سازی برای ورود به بازار کار در کانادا گفت: «می‌دانم که همه شما؛ در شبکه‌های اجتماعی مختلف با افراد زیادی مرتبط هستید اما باید بدانید؛ فعالیت ما در این راستا قرار دارد تا به‌واسطه بورسیه، شما را با هم‌دیگر مرتبط و فضایی را ایجاد کنیم که باعث رشد شما شود.»

او با بیان اینکه انجمن پریا بر نیرو و استعداد این جوانان حساب کرده است؛ عنوان داشت: «شما چند سال دیگر وارد بازار کار می‌شوید و موفقیت شما وابسته به شبکه ارتباطی شماست که در این‌سوی دنیا ساخته‌شده و برای موفقیت شغلی ضروری است.»

مدیر مؤسسه پریا درباره روند تصمیم‌گیری برای ارائه این بورسیه به دانشجویان منتخب گفت: «ما کمیته‌ای داریم که درباره دانشجویانی که واجد شرایط هستند؛ تصمیم‌گیری می‌کنند و نتیجه در وبسایت به نشانی [paryscholarship.com](http://paryscholarship.com) اعلام می‌شود. اسامی همه دانشجویان و کسانی هم کمک مالی کرده‌اند؛ کاملاً مشخص است.»

که با ویزای دانشجویی از ایران آمدند باتوجه به تغییرات قیمت دلار در ایران دچار مشکلات زیادی شدند. در آنجا بود که گفت‌وگویی با خانواده تبریزی داشتیم که چطوری به این دانشجویان کمک کنیم و در ادامه تصمیم گرفتیم بحث درباره چطور کمک‌کردن را کنار بگذاریم و به آن‌ها واقعاً کمک کنیم.»

دکتر گنجوی با بیان اینکه از سال ۲۰۱۸ تاکنون بنیاد پریا به ۲۶۷ نفر بورسیه تحصیلی پرداخته است، افزود: «امسال هم از سوی بنیاد پریا به ۶۰ نفر از دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های کانادا یعنی به ۳۳ دانشجوی زن و ۲۷ دانشجوی مرد این کمک‌ها اهدا شده است.»

رئیس کمیته بورسیه بنیاد پریا با بیان اینکه این کمک‌ها از سوی افرادی انجام می‌شود که نگران شرایط دانشجویان ایرانی هستند از حاضران در این رویداد خواست که درباره این بورسیه در میان دوستان و دایره نفوذ اجتماعی خودشان صحبت کنند تا تعدادی بیشتری از جامعه ایرانیان کانادا به این حرکت بپیوندند. در ادامه این رویداد در قالب اسلاید از دانشجویان دریافت‌کننده بورسیه و همچنین افرادی که در مهیاکردن این کمک نقش داشتند، نامبرده شد.

### احمدرضا تبریزی: دانشجویان افتخار جامعه ایرانی کانادا هستند

احمدرضا تبریزی هم وقتی پشت تریبون قرار گرفت با اشاره به دغدغه‌های خودش درباره دانشجویان ایرانی جامعه کانادا گفت: «ما از سرزمینی آمده‌ایم که ۳۰۰۰ سال است به (تاریخ) آن می‌نازیم؛ اما پناه آورده‌ایم به

در رویداد اطلاع‌رسانی اهدای بورسیه تحصیلی به ۶۰ دانشجوی ایرانی دانشگاه‌های کانادا در بنیاد پریا بر اهمیت افزایش مشارکت اجتماعی در امور عامه‌المنفعه برای قوام جامعه ایرانیان تأکید شد.

به گزارش خبرنگار هفته رویداد اطلاع‌رسانی درباره اعطای این بورسیه‌ها روز جمعه یازدهم دسامبر ۲۰۲۱ در محل بنیاد پریا برگزار شد که در آن تعدادی از چهره‌های سرشناس از جمله مجید جوهری نماینده منطقه ریچموند هیل در پارلمان و مایکل پارسا نماینده ریچموند هیل در پارلمان انتاریو، احمدرضا تبریزی مدیر بنیاد پریا، تعدادی از دانشجویان دریافت‌کننده بورس تحصیلی و جمعی از اصحاب رسانه جامعه ایرانیان کانادا حضور داشتند.

پیش از حضور دانشجویان دریافت‌کننده بورسیه در این رویداد، گپ‌وگفتی دوستانه و البته در بخشی چالش‌برانگیز میان میهمانان این رویداد با موضوع راهکارهای افزایش مشارکت جامعه ایرانیان کانادا برای امور عامه‌المنفعه در گرفت. در این قسمت از برنامه احمدرضا تبریزی بر ضرورت تغییر فرهنگ جامعه ایرانیان کانادا به سمت مشارکت در امور اجتماعی تأکید کرد و گفت برخی جوامع دیگر در کانادا می‌توانند الگوی خوبی برای جامعه ایرانیان کانادا در مشارکت اجتماعی باشند.

در ادامه این رویداد دکتر اوژند گنجوی، رئیس کمیته بورسیه بنیاد پریا درباره بورسیه‌های اهدایی این بنیاد روشن‌نگری کرد. او با اشاره به اینکه این بورسیه از سال ۲۰۱۸ ایجاد شده گفت: «در آن سال متوجه شدیم دانشجویانی



که موفق به دریافت این بورسیه شده بودند؛ گفت‌وگویی کوتاه داشتیم که می‌خوانید:

محیا: «من دانشجوی دانشگاه یورک هستم. شاید مبلغ این کمک‌هزینه به نظر خیلی زیاد نباشد ولی در زندگی یک دانشجو بسیار تأثیرگذار است و بلیت خوبی در شرایط بد است.»

سعیده: «دو دوره پیش اسکالرشپ پریا را گرفتم و امیدوارم؛ من هم روزی جزو اسپانسرها شوم و این چرخه حمایت و محبت را ادامه بدهم.»

الهه: «سال گذشته اسکالرشپ گرفتم و اتفاق جالبی که افتاد، دکتر خرقانی کسی بود که این کمک‌هزینه را برای من تقبل کرده بود. وقتی پیگیری کردم در پروفایلی که در سایت بود؛ دیدم ایشان در دانشگاه پهلوی شیراز و در سال ۱۳۴۵ استاد بودند و اتفاقاً استاد پدر من هم بودند و این چرخه خیلی جالب و الهام‌بخش بود و خوشحال هستم که بنیاد ایرانی‌ها من را در این چرخه قرار داده.»

سهند: «من در دانشگاه یورک رشته کامپیوتر می‌خوانم و بسیار خوشحال هستم که توانستم این حمایت را از انجمن ایرانی دریافت کنم و امیدوارم بتوانم این چرخه را ادامه بدهم.»

امین: «دانشجوی مکانیک از دانشگاه یورک و این کمک‌هزینه در زندگی من به‌خاطر اتفاق‌هایی که برایم افتاده، خیلی لازم و کمک‌کننده بود.»

عارف: «مستر مکانیک دانشگاه یورک می‌خوانم و باعث افتخار بود که من در جمع این بزرگان بودم. امیدوارم این راه از سمت ما دانشجویان و ایرانیان دیگر ساکن کانادا ادامه پیدا کند و افراد بیشتری از این حمایت استفاده کنند.»

مهران: «دانشجوی مستر دانشگاه یورک هستم و این کمک واقعاً برای دانشجو، آن هم در دوران کرونا کمک بسیار خوبی بود.»

۶۰ دانشجوی ایرانی را که از بنیاد پریا بورسیه گرفتند؛ استعدادهای فردای کانادا دانست.

**مجید جوهری: دانشجوی امروز، لیدر فردا است**

مجید جوهری نماینده ریچموند هیل ضمن ابراز خوشحالی از حضور در چنین مراسمی با بیان این مطلب که ۴۲ سال پیش وقتی وارد کانادا شده؛ چنین گزینه‌ها و انجمن‌هایی برای حمایت از دانشجویان ایرانی وجود نداشته به هفته گفت: «چالش‌های زمان دانشجویی ما بسیار زیاد بود ولی خوشبختانه امروز؛ چنین حرکتهایی مسیر را برای دانشجویان راحت‌تر کرده است.»

او با قدردانی از بنیاد پریا و کسانی که از این برنامه حمایت کرده‌اند؛ عنوان داشت: «نمی‌خواهم بگویم دانشجویانی که اینجا هستند و از بین ۴۰۰ دانشجوی انتخاب شده‌اند؛ گل همه دانشجویان ایرانی هستند اما می‌توانم بگویم؛ شرایط و قابلیت بیشتری برای کسب این اسکالرشپ را داشته‌اند.»

جوهری به تعادلی که امسال در انتخاب دانشجویان دختر و پسر وجود داشته، هم اشاره و اضافه کرد: «در نوع کمک به این دانشجویان سال دانشگاهی و پایه تحصیلی هم در نظر گرفته شده و همچنین، به‌درستی تأکید بسیاری روی نت ورکینگ -شبکه- وجود داشت.»

او در پایان اظهار امیدواری کرد این دانشجویان بتوانند لیدرهای خوب فردا برای جامعه باشند.

**دانشجویان دریافت‌کننده بورسیه: چرخه حمایت و محبت را ادامه دهیم**

در حاشیه این مراسم با چند تن از دانشجویانی

تبریزی با بیان اینکه مبلغ این بورسیه تحصیلی ۱۵۰۰ دلار است، اظهار امیدواری کرد؛ در سال آینده این تسهیلات به دانشجویان بیشتری اهدا شود تا در برنامه تحصیلی‌شان موفق‌تر عمل کنند.

مدیر مؤسسه پریا درباره ساختمان جدیدی هم که در دست ساخت دارند؛ گفت: «ما یک جذب سرمایه؛ یک میلیون و ۴۰۰ هزار دلاری برای ساختمان جدیدمان خواهیم داشت که ظرف مدت کوتاهی درباره آن اطلاع‌رسانی می‌کنیم. دولت هم بودجه‌ای حدود سه میلیون و ۶۰۰ هزار دلار را برای ما تأمین کرده و در نظر داریم؛ یک میلیون و ۴۰۰ هزار دلار مابقی را از طریق انجمن تأمین می‌کنیم.»

تبریزی در پاسخ به این سؤال که ساختمان جدید بنیاد پریا در چه مرحله‌ای است؛ پاسخ داد: «مراحل آخر گرفتن مجوز از شهرداری انجام شده و امیدواریم کار ساختمان را از اول ژانویه بتوانیم شروع کنیم تا ده‌هزار فوت به ساختمان فعلی اضافه کنیم و ظرفیت بیشتری برای کمک به جامعه ایرانی داشته باشیم؛ چراکه در حال حاضر تقاضاهایی که وجود دارد؛ بسیار بیشتر از فضای در دسترس ما هستند.»

**مایکل پارسا: حمایت از دانشجویان کمک به تعالی جامعه است**

مایکل پارسا نماینده منطقه آرورا، اوکریجز و ریچموند هیل در مجلس انتاریو هم در این برنامه حضور داشت. او ضمن تشکر از بنیاد پریا و حامیان این برنامه به هفته گفت: «امروز و در اینجا دانشجویان بسیار درخشانی هستند و حمایت از این نسل جدید می‌تواند به رشد و تعالی جامعه ایرانی کمک کند.»

پارسا ضمن تقدیر از این دست خدمات اجتماعی؛



## سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک در آمدزا



**Sahar Samadaei**  
 Courtier immobilier résidentiel  
 sahar.samadaei@gmail.com  
 Tel: 514.625.2525

**deL'Agence**  
 L'AGENCE IMMOBILIERE INC.  
 Real Estate Agency



## مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



**Minoo Eslami** Real estate broker  
 meslami@sutton.com **514 967 5743**



Agence immobilière  
 RE/MAX Haute Performance

## شاهین سجادی

کارشناس و مشاور رسمی املاک مسکونی



**SHAHIN SAJADI**  
 • Courtier immobilier résidentiel

**514-464-8220**




f shahinsajadi | @ shahin.sajadi@remax-quebec.com  
 @ shahinsajadi.realtor

## مدیریت املاک

تمام دردهای مالکیت ملک را به ما بسپارید

**A2Z MELK PROPERTY MANAGEMENT**

از انتخاب مستاجر خوب تا پرداخت ماهانه سود املاک به شما  
 از یک واحد کاندو تا املاک سرمایه گذاری چند واحدی مسکونی یا تجاری



**عباس شفیعی** (514) 943-7908  
 لیسانس بازرگانی McGill University  
 با بیش از ۲۶ سال سابقه در زمینه املاک در مونترال

پرونده هفته





## می خواستم با آمدن فرزندانم از دنیا نروم

گفت و گو با «ساقی قهرمان» یکی از صد زن برگزیده سال ۲۰۲۱

زمینه‌ی حمایت از حقوق پناهندگان دگرباش جنسی ایرانی بشر نیز فعال است. از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، سردبیر نشریه‌ی «چراغ» بود که نشریه‌ی سازمان دگرباشان جنسی ایرانی بود. این فعال حقوق دگرباشان جنسی در سال ۲۰۱۰، «انتشارات گیلگمیشان» را تاسیس کرد که آثار دگرباشان ایرانی را منتشر می‌کند. ساقی قهرمان به عنوان یکی از صد زن تاثیرگذار و الهام‌بخش سال ۲۰۲۱ توسط بی‌بی‌سی انتخاب شده است. در فهرست امسال، برای اولین بار نیمی از زنان معرفی‌شده اهل افغانستان هستند. ساقی قهرمان یکی از چهار زن متولد ایران

را بیش از هر شاعر دیگری عریان می‌کند. برخی او را «فروغ دوران» نام نهاده‌اند و عده‌ای دیگر تلاش‌های او را گامی پیشرو در مبارزات رهایی‌بخش دگرباشان جنسی می‌دانند. او مورد تحسین برای نوشتن چهار مجموعه شعر و مقاله‌های گوناگون است که هنجارها و دگرجنس‌گراهنجاری را به چالش می‌کشند. نوشته‌های او در ایران اجازه‌ی چاپ ندارند؛ به‌طوری‌که مصاحبه‌ی او با روزنامه‌ی شرق در ایران در سال ۱۳۸۶ منجر به توقیف این نشریه شد. او همچنین در کنار فعالیت‌های ادبی، در

«ساقی قهرمان» متولد سال ۱۳۳۵ شمسی در مشهد، شاعر و نویسنده‌ی مقیم کانادا است. خانم قهرمان در دانشگاه آذربادگان شهر تبریز ادبیات فارسی خواند و در نیمه‌ی آخر سال چهارم، پس از وقوع انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه‌ها، از ثبت‌نام منع شد تا در نهایت در تابستان ۱۳۶۳ از مسیر کوه‌های مرزی ترکیه به این کشور رفت. پس از گذشت پنج سال، به کانادا پناهنده شد و فعالیت‌های فرهنگی و ادبی خود را در این کشور دنبال کرد. چند کتاب شعر و داستان از او در «انتشارات افرا» کانادا منتشر شده است. او در نوشته‌هایش به‌شدت بی‌پرواست و کلمه‌ها



فهرست بی‌بی‌سی است که به دلیل فعالیت‌های اثربخش‌اش در این لیست جای دارد. به این بهانه با او به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه از نظراتان می‌گذرد.

**دروود بر شما خانم ساقی قهرمان عزیز و ممنون از این که وقت خود را در اختیار خوانندگان مجله هفته قرار دادید.**

فرنگیس عزیز، من هم خیلی خوشحالم که این گفت‌وگو را ترتیب دادید.

**از زندگی شخصی و سوابق حرفه‌ای خود برای خوانندگان بگویید.**

زندگی شخصی من طبیعتاً یک فضای بسیار گسترده است، پیشینه‌ی من در این سی، چهل سال هم گسترده است. اگر سؤال مشخصی بپرسید، با کمال میل پاسخ می‌دهم.

**دشواری‌های مهاجرت شما در دهه‌ی شصت چه بود؟ از ایران به ترکیه و از ترکیه به کانادا با چه مشکلاتی مواجه شدید؟**

من در تابستان ۱۳۶۳، بعد از دستگیری گسترده‌ی رهبری حزب توده‌ی ایران، و مصاحبه‌های تلویزیونی رهبران حزب، وقتی به همه‌ی اعضا دستور داده شد خود را به کمیته‌ها معرفی کنند، از شهر محل سکونت‌م رفتیم و در یکی دو شهر دیگر به صورت مخفی زندگی کردم. بعد از چند ماه، در دوره‌ای که مرزها بسته بود و خروج از کشور ممنوع بود، با شوهر سابقم و پسر که هنوز دو سالش تمام نشده بود، از راه کوه‌های سلماس، با اسب، از ایران فرار کردیم. دوره‌ای که در ایران مخفی زندگی می‌کردم، اوج وضعیت هولناک تعقیب و گریز نیروهای رژیم و اعضای گروه‌های سیاسی بود که یکی‌یکی غیرقانونی اعلام می‌شدند. شهرها همه تله بودند و دوست و آشنا و خانواده و همسایه و غریبه همه هرکدام یا از ترس رژیم و یا به دلیل اعتقادات مذهبی و سیاسی، جاسوس آن دیگری بودند و قدم برداشتن در خیابان‌ها و نشستن در خانه‌ها با وحشت لو رفتن و دستگیری هر لحظه همراه بود.

فرار از کوه، برای من که فوبیای ارتفاع دارم، در طول مسیر، فلج‌کننده بود. پنج سال زندگی در ترکیه، و تلاش به مخفی کردن هویت قومی و



## شعری از ساقی قهرمان

شد که من خودم دیدم آن کبودی  
خراشیده دور گلویش را گفتم حیف  
حیف  
گفتم دیدی مرد و خوابید با من  
آدم نمی‌شوم  
اما شاید این خاصیت من باشد  
بگیرم این آدم‌ها را توی آغوشم بگیرم  
بگویم بیا گرم می‌شوی  
و بگویم آه این شاعر عزیز یک بار در  
من تپیده  
نه آدم نیستم آدم نمی‌شوم  
حالا بیار کتاب‌هایش را

حالا دست‌هایم شاید آدم باشند  
یا این بافتگی موهایم  
اما من آدم نیستم  
گردی پستانم آدم نیست، این لای  
پاهایم که اصلاً آدم نیست  
صدا؟ نه، صدایم هم آدم نیست  
لب‌هایم شاید  
گاهی توی سینه‌ام آن چیزی که  
می‌تپد، شاید  
اما من آدم نیستم  
همین محمد مختاری که تکه‌تکه

شرایط ویژه‌ی من بازخورد حیاتی داشت را جدا کنم و بردارم، و بقیه را کنار بگذارم تا وقت بهتر. برای کسانی که مثل من کشور میزبان را به‌عنوان پناهنده و تبعیدی سال‌های ۱۹۹۰ تجربه کردند، شرایط کانادا و اروپا دشوار بود و دشوار ماند. بخشی به این خاطر که معضل اول ما هویت بود، نه رفاه. رفاه اجتماعی، ساده‌تر به دست می‌آمد و راه‌های سهل‌تر و قابل تنظیم‌تر داشت.

## در کانادا بیشتر به چه فعالیت‌هایی مشغول شدید؟

از سال ۱۹۸۸ که وارد کانادا شده‌ام، اینجا زندگی می‌کنم. زندگی کردن، و زنده ماندن، به‌خصوص در فضای دشوار فرهنگ پرخشونت و پرتبعیض ایرانی، و فرهنگ ناآشنا و نامهربان و دهلیزوار کانادایی، کار دشواری است و تقریباً تمام وقت یک آدم را می‌گیرد. در طول این سی و پنج سالی که گذشت، هر کاری که کرده‌ام در

گرایش سیاسی، درگیری دائم با خشونت روانی خانگی، فشار غیرقابل تحمل بود. امنیت ناآشنای کشور کانادا، و امکان زندگی بدون ترس و تعقیب در سال‌های اول ورود من و خانواده‌ام به تورنتو، لذت بی‌نظیر و نایاب داشت. فقط برای من. اما زندگی در کانادا دشواری‌ها و خطرهای خودش را داشت که فشار حداکثری‌اش را بچه‌های من، پسر و دخترم که در ترکیه به دنیا آمده بود، در دبستان و مهد کودک، و بعد از آن در دبیرستان و محیط پرخشونت شهری، تجربه کردند.

از یک نظر، چون اکثر پناهنده‌ها در اول ورود، و گاه تا سال‌ها بعد در یک حباب منزوی در کشور میزبان زندگی می‌کنند، من نگران گسترده‌ی فعالیت اجتماعی و سیاسی خودم نبودم. اما بیرون از آن حباب، آشنایی با محیط و فرهنگ و زبان و سازوکار کشور میزبان دشوار بود و سویه‌های کاذب و حقیقی خودش را کم‌کم آشکار می‌کرد. من سعی کردم چیزهایی از قوانین قضایی و اجتماعی که برای من و با



## ساقی قهرمان از زبان خودش

ساقی قهرمان بودن زندان نیست، بیابان است. ... من، ۶۵ ساله، دوجنس‌گرا، بی‌جنسیت، دگرباش، مادر دو فرزند استریت ۳۶ و ۴۰ ساله، متولد مشهد، ساکن تورنتوی کانادا. از من سه مجموعه شعر به نام‌های «از دروغ» در سال ۱۹۹۸، «و جنده یعنی جان می‌بخشد» در سال ۱۹۹۹، «ساقی قهرمان. همین» در سال ۲۰۰۱ و یک مجموعه داستان به نام «اما وقتی تنهایی، گاو بودن درد دارد» در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است. چهار مجموعه شعر در دست انتشار دارم. دو شعر بلند با عنوان «مادر مادرم»، «وزیر کار»، هر دو به زبان انگلیسی گفته‌ام. کلوب نویسندگان در تبعید انجمن قلم را طی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ کانادا پیشنهاد و مدیریت کردم. نمایشگاه‌های عکس من در تورنتو و شیکاگو، یکی با تمرکز روی زبانه‌های زیبا در خیابان، و دومی با تمرکز روی تن، در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ برگزار شدند. مدیر انتشارات گیلگمیشان هستم که از ۲۰۱۰ به این سو، آثار دگرباشان ایرانی را منتشر می‌کند. مدیر شورای «سازمان دگرباشانی جنسی ایران» (ایرکو) طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ بودم و در سال ۲۰۱۹ سازمان را داوطلبانه و طبق قوانین کشور کانادا منحل کردیم.

**بوده است؟ می‌خواهم بدانم چقدر این جامعه به این مفهوم و احترام به آن نزدیک شده است؟**

من از حدود سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ که شروع به انتشار در نشریه‌های ایرانی کردم، و بعد از آن، اولین کتاب شعر من در ۱۹۹۸ منتشر شد، همزمان در زندگی شخصی درباره‌ی گرایش‌های جنسی فراهنجار، گرایش جنسی من به همجنس، و گرایش جنسی من به عنوان یک دوجنس‌گرا حرف زده‌ام و توضیح داده‌ام. برخورد جامعه‌ی ایرانی با من، با حمله و اعتراض و دشمنی همراه بوده است. سعی کردند من را منزوی کنند اما نتوانستند. نظر من این بود که عشق به همجنس، دگرباشی جنسی و جنسیتی را باید در عمل به میان جامعه آورد، و عقیده را شخصاً عمل و زندگی کرد، و خود را نه فقط در روزنامه و مجله و کتاب، وسط خیابان و روی صحنه هم در مقابل دید مخاطب قرار داد. طبیعتاً مردم اعتراض و حمله می‌کردند. من هم

من با معیارهای معمول، مادر خوبی نبوده‌ام. اما با معیارهای خودم، عاشق این دو آدم بوده‌ام. حضور عزیزیشان را هیچ‌وقت فراموش نکرده‌ام، زندگی‌ام از آن‌ها هیچ‌وقت خالی نبوده، و سخاوتمندانه‌ترین داده‌هایم را به آن‌ها داده‌ام. اما یک چیز را باید بگویم. من اسم خودم را همیشه حفظ کردم. به نظر من، وقتی آدم مادر می‌شود، باید همچنان همان آدمی که بوده باقی بماند. من در طول این سال‌ها که مادر دو فرزندم بودم، همچنان ساقی قهرمان ماندم، و هویت ساقی قهرمان را تبدیل به چهره‌ی بی‌شکل و بی‌نام مادر فرزندانم نکردم. هدف من این بود که با به دنیا آمدن فرزندانم، من از دنیا نروم.

**شما در نوشته‌های خود به عمق روابط همجنس‌گرایانه پرداخته‌اید. بازگو کردن این روابط عاشقانه تا چه اندازه از سوی جامعه‌ی مهاجر فارسی‌زبان ایرانی و افغانستانی حساسیت‌برانگیز**

مسیر زندگی کردن و زنده‌بودن بوده است.

**در توصیف خود نوشته‌اید: «مادر دو فرزند». به عنوان یک زن، دوست دارم بدانم تجربه‌ی مادرانگی ساقی قهرمان چگونه بوده است؟**

من هفت بار حامله شده‌ام، پنج بار کورتاژ کرده‌ام، و دو بار زایمان کرده‌ام و دو فرزندم را به دنیا آورده‌ام. در پنج باری که کورتاژ کردم، هیچ حسی، مطلقاً هیچ حسی به جنینی که در تن من بود، نداشتم. هیچ امکانی هم برای نگهداری او، اگر می‌گذاشتم به دنیا بیاید، نداشتم. اما در دوباری که فرزندانم را به دنیا آوردم، از اولین روزی که حس کردم حامله‌ام، آدمی که در تن من زنده بود را می‌شناختم، با او پیوند داشتم، دوستش داشتم، و از روزی که به دنیا آمدند تا همین حالا حتی یک لحظه نبوده که از شدت و هجوم عشقی که به این دو تا داشتم، نفسم نگیرد.

در مقابل، حمله و اعتراض می‌کردم و معمولاً صدای من بلندتر بود، چون من می‌دانستم، و آن‌ها نمی‌دانستند. خانواده‌ی من اما از این برخوردهای خشن و خصمانه و توهین‌آمیز آزار دیدند، و اذیت شدند.

سال‌هایی که با جامعه‌ی مهاجر افغانستانی در جاهای گوناگون آشنا شدم، با چهره‌ی من، شاعر نامتعارف، زن نامتعارف و کنشگر دگرباش برخورد محترمانه و مهربانانه داشتند، اما من هیچ‌وقت به خانه‌ها و خانواده‌ها و فضای شخصی‌تر جامعه‌ی افغانستانی کانادا وارد نشدم که بدانم آیا در خانه و خانواده‌شان هم جایی مهربان به می‌دهند، یا این برخورد منحصر به فضای عمومی است.

**«تن همان روان است و انگشت‌ها خود عقل‌اند».** از این دست جملات در نوشته‌های شما بسیار است. کنج‌کاوام بدانم از چه منظری برای ساقی قهرمان بین عضو جنسی با دیگر اعضای بدن تفاوتی نیست؟

به نظر من تمام اعضای بدن، همزمان عضو جنسی‌اند، چون ما با تمام تن لذت جنسی می‌بریم و لذت جنسی می‌دهیم. مسأله این است که معمولاً اعضای تولید مثل، با عضو جنسی اشتباه گرفته می‌شوند. عضو جنسی عضوی است که ما را در دریافت و انتقال لذت جنسی همراهی می‌کند. از این منظر، دست، انگشت، چشم، زبان، لب‌ها، دهان، پاها، کمر و شکم و شانه‌ها، پوست تن از سر تا پا، ابزار ما برای دریافت و انتقال لذت تنانه است. اما اگر بخواهیم صاحب فرزندی شویم، به‌طور مشخص باید از نطفه‌ای که از طریق کیر، با تخمکی از طریق کس جفت می‌شود، کمک بگیریم. در این وضعیت به‌خصوص، یعنی زمانی که قصد ما فرزندآوری است، دو عضو خارجی تولید مثل را به کار می‌بریم. در این روش ممکن است مطلقاً لذت تنانه به دست نیاریم، و اهمیتی هم ندارد، چون قصد، فرزندآوری است، نه لذت تنانه. با این توضیح، از نظر من، تمام تن آدم اعضای هستند که برای لذت‌جویی تنانه. از سویی، کس، و کیر، دو عضوی هستند که ابزار ما برای فرزندآوری‌اند. امیدوارم به سؤال شما جواب داده باشم.

**جسارت شما در معرفی خودتان در شبکه‌های اجتماعی مثال‌زدنی**

**است و البته با واکنش‌های زیادی هم مواجه شده‌اید؛ «دوجنس‌گرا، بی‌جنسیت، دگرباش».** این تعریف دقیقاً چه می‌خواهد بگوید؟

نام گرایش جنسی من، دوجنس‌گرایی است. بی‌جنسیت هستم، یعنی خودم را زن نمی‌دانم. مرد هم نمی‌دانم. درکی از برساخته‌ی فرهنگی زن و مرد ندارم. دگرباش، عبارتی است که ما در جامعه‌ی ال‌جی‌بی‌تی‌ای‌ای به عنوان معادل کوئیر قرار داده‌ایم. دگرباش، دگرباشنده، کسانی هستند که با هنجارهای حاکم جامعه پیرامون دوتایی جنسیتی، انتساب زنانگی به انسان

**زندگی کردن، و زنده ماندن، به‌خصوص در فضای دشوار فرهنگ پرخشونت و پرتبعیض ایرانی، و فرهنگ ناآشنا و نامهربان و دهلیزوار کانادایی، کار دشواری است و تقریباً تمام وقت یک آدم را می‌گیرد.**

ماده و مردانگی به انسان نر، و تشخیص تنها یک گرایش جنسی، یعنی دگرجنس‌گرایی، یا هتروسکسوالیسم، موافقت ندارند و منتقد این مجموعه هنجار حاکم‌اند، و مایل‌اند انواع گرایش‌های جنسی و انواع هویت‌های جنسیتی در جامعه جا و اعتبار و احترام داشته باشند و از حقوق بشری و شهروندی برخوردار باشند.

**عده‌ای شما را «فروغ دوران» می‌نامند. آیا با این نام‌گذاری موافق هستید؟ چرا؟ اصولاً خود را دنباله‌روی شخص دیگری در ادبیات می‌دانید؟**

به نظر من کسانی که این مقایسه را کرده‌اند، نه آشنایی زیادی با فروغ فرخ‌زاد داشته‌اند، نه آشنایی زیادی با من و فقط به انفجار حضور در هر دو موقعیت نگاه کرده‌اند. چون با این نام‌گذاری موافق نیستم، دنباله‌ی سؤال شما نیاز

به جواب ندارد.

**می‌خواهم روی فعالیت‌های شما به عنوان یک فعال حقوق دگرباشان جنسی متمرکز شوم. با توجه به ارتباطات شما با دگرباشان در ایران و کانادا، از نظر شما نیازها و مشکلات اولویت‌دار این گروه در ایران و در کانادا چیست؟**

دگرباشان در ایران و در کانادا - در کل، در کشورهای غربی میزبان - وضعیت کاملاً متفاوت دارند. در داخل ایران، اعضای جامعه‌ی LGBTQ از حقوق بشر بی‌بهره‌اند و از حقوق شهروندی فقط در صورتی بهره‌ورند که مطلقاً مخفی باشند. مخفی کردن گرایش جنسی و هویت جنسیتی مثل مخفی کردن عقیده‌ی سیاسی نیست که شدنی باشد. شدنی نیست. به همین خاطر می‌شود گفت در ایران از حقوق شهروندی هم بی‌بهره‌اند. علاوه بر این تبعیض، هم در خانه و میان خانواده و هم در فضاهای عمومی، از مدرسه و اداره و غیره، هدف توهین و خطر جانی‌اند. توضیح وضعیت زندگی فرد رنگین‌کمانی در داخل ایران، چه در شهرهای بزرگ و چه در شهرستان‌ها و روستاها، آسان نیست و همیشه ناگفته می‌ماند.

در کانادا، برای پناهنده‌ها و مهاجرهای دگرباش زندگی آسان نیست اما بسیار آسان‌تر از ایران است و ایجاد فضای امن و امکان پیشرفت از جنبه‌های گوناگون ممکن است. هنوز فشار کامیونتی ایرانی خیلی از همجنسگراها و ترنسجندرها را از فضاهای معاشرت عمومی حذف می‌کند، اما چون ما می‌توانیم با حمایت پلیس و قانون، در حدی، مانع خشونت‌های شدیدتر بشویم، و در واقع، ابعاد امنیت و رفاه ما بیشتر از آن که به بدرفتاری و بی‌فرهنگی کامیونیتی ایرانی بستگی داشته باشد، به میزان خواست و توان و اراده‌ی ما برای باز گرفتن جای خودمان وسط فرهنگ ناروادار و تبعیض‌گر جامعه‌ی رسمی کامیونیتی ایرانی کانادا دارد. وضعیت به آن بدی که تصور می‌شود، و به آن خوبی که تصور می‌شود، نیست. توضیح زیاد می‌خواهد و به نظر من در سال‌های اخیر، اگر در جایی جا نداشته‌ایم، کم‌کاری از رنگین‌کمانی‌های ایرانی بوده، چون در مقابله با خشونت پنهان رسمی‌های ایرانی کانادا به راحتی می‌شود جنگید، و با پشتیبانی قانون و





و مؤثر و شدید و نامتعارف، و منتقد، و مهم‌تر از همه، چهره‌ی مستقل و فردیت نامشروط من در تمام عرصه‌های زندگی من باشد. به عنوان شاعر و نویسنده، سی سال است تأثیر من آشکار است، و همزمان انکار می‌شود و این هردو، یعنی آشکارگی و انکارشدگی تأثیر من را در فضاهای زندگی من مضاعف کرده است.

**ساقی قهرمان دوست دارد با کدام عنوان بیشتر شناخته شود؟ شاعر؟ نویسنده؟ فعال حقوق دگرباشان یا...؟**  
فکر می‌کنم من بیشتر از این که شاعر، نویسنده، یا فعال حقوق دگرباشان باشم، ساقی قهرمان‌ام، و شعر و داستان و کنشگری دگرباشی را روی این محور پیش می‌برم، اما شبیه‌تر از همه به من، ساقی قهرمان شاعر است.

### و سخن پایانی؟

فکر می‌کنم در پایان، فقط می‌توانم بگویم وقتی دیدم در لیست صد زن ۲۰۲۱ بی‌بی‌سی جهان، نام و پیشینه‌ی من در کنار حدود ۵۰ زن افغانستانی آمد، خوشحالی من بیشتر شد چون دیدم در واقع دارم در چشم‌انداز جدیت و عینیت کنشگری زنان تأثیرگذار افغانستان شریک می‌شوم.

**خانم ساقی قهرمان عزیز، ممنونم از این که در این گفت‌وگو ما را همراهی کردید.**

جوان‌تر دگرباش ایرانی که حالا در کشورهای امن زندگی می‌کند، غیبت سازمان را ببیند و جای آن را با ایجاد چندین سازمان دیگر پر کند. هنوز منتظرم و هنوز این پیشنهاد را مطرح می‌کنم.

مشخص‌ترین برنامه‌ی من بعد از ایرکو زمان بیشتری بوده که با همکارانم در نشر گیلگمیشان گذرانده‌ام، و فرصت بیشتری که برای انتشار متن دگرباش گذاشته‌ایم. به نظر من، به جز مسأله‌ی مشخص پناهندگی، تمام تلاش‌های دیگری که به آدم دگرباش ایرانی امکان خواهد داد عمر کامل بکند و زندگی کامل داشته باشد، و شهروند کامل باشد، و از گنجه بیرون بیاید و در امور اجتماعی مسؤولیت‌پذیری کند، از مسیر همین ادبیات و انتشارات می‌گذرد.

**شما از سوی بی‌بی‌سی به عنوان یکی از صد زن برجسته سال ۲۰۲۱ انتخاب شدید. درباره‌ی فرآیند این انتخاب کمی توضیح می‌دهید؟ و این که چرا این عنوان به شما تعلق گرفت؟**

در وب‌سایت بی‌بی‌سی جهان، بخش صد زن تأثیرگذار توضیح مختصری داده شده و به گستره‌ی حضور فعال و تأثیرگذار در شبکه‌ی اجتماعی، به عنوان پنجره‌ای برای تماشای فعالیت فرد اشاره شده است. چرا این عنوان به من تعلق گرفت؟ به نظر من می‌شود این را مسؤولان برنامه‌ی صد زن هم پرسیدند. اما به نظر خود من دلیل این انتخاب می‌تواند حضور فعال

فرهنگ کشور میزبان، رواداری را هم آموزش داد، هم مطالبه کرد.

اولین نیاز همجنسگراها در ایران حذف مجازات اعدام است که با تهدید دائمی اعدام، و زندان، امکان زندگی عادی شهروندی، و امکان فعالیت‌های حتی در حد دیگر اقلیت‌های جامعه را از اعضای همجنسگرای جامعه‌ی دگرباش سلب کرده است. از این خطرناک‌تر اما ماده‌ی ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی است که پدر و جد پدری را ولی دم فرزند می‌داند و از این طریق خانواده‌ها را قاتل فرزندان دگرباش خود می‌کند، و تمام شاخه‌های جامعه‌ی رنگین‌کمانی ایرانی را در هر سنی با خطر قتل در خانواده روبه‌رو می‌کند. خطر قتل قانونی علیه جامعه‌ی دگرباش، روی دیگر نیازها چنان سایه‌ای انداخته که نمی‌شود مثلاً از ضرورت امنیت بچه‌های دگرباش در مدرسه، حق مسکن و اشتغال برای زن‌ها و مردهای ترنسجندر، حق برخورداری از خدمات درمانی و روان‌درمانی ایمن و مطابق داده‌های بروز علمی جهانی، حق ازدواج و هزاران حق دیگر حرف زد و روشننگری و مطالبه کرد.

**با توجه به انحلال «ایرکو»، برای آینده چه برنامه‌هایی در جهت بهبود وضعیت دگرباشان جنسی دارید؟**

به نظر من، برای بهبود وضعیت دگرباشان جنسی، همکاری جمعی درون جامعه، بین تمام شاخه‌های دگرباشی، در همبستگی با جامعه‌ی رسمی لازم است، و من در هیچ جایگاهی نیستم و نباید باشم که برای یک جامعه‌ی متکثر برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کنم. از این که بگذریم، من یک دگرباش‌ام، با یا بدون سازمان، اولویت حیات اجتماعی من بهبود وضعیت زندگی ما است و هر فعالیتی که بکنم خودبخود در همین راستا است. هر جا که باشم و هر چه بگویم و بنویسم با در نظر داشتن آنچه بهبود وضعیت است گفته و نوشته می‌شود، به همین صورت که تا الان هم بوده است.

اما باید به این اشاره کنم که انحلال ایرکو آسیب بزرگی برای وضعیت پرونده‌های پناهندگی دگرباشان، به‌خصوص در کشورهای ترانزیت، و به‌خصوص در ترکیه بود. این خلاء فقط با ایجاد یک سازمان متمرکز دیگر، با امکانات کافی، و نیروی کافی فرصت رسیدگی به شرایط بد پناهنده‌ها پر خواهد شد. با انحلال ایرکو، یکی از امیدها و پیش‌بینی‌های من این بود که نسل

گروه خبرهای باهمستان

عکس دسته‌جمعی روزنامه‌نگارانی که در برنامه ۱۸ نوامبر ۲۰۲۱ از آنها تقدیر شد.



خانم اراملیندا بوکوئر، یکی از همکاران موسسه شیلد آو آتنا مدیریت برنامه را به عهده داشت



از راست به چپ: خانم کریس ان ناکیس Chris Ann Nakis، رئیس شیلد آو آتنا؛ خانم آنی کورتاکیس Annie Koutrakis نماینده مجلس فدرال از منطقه Vimy؛ خانم ملپا کاماتروز Melpa Kamateros، مدیر اجرایی شیلد آو آتنا و خانم مریم ایرانی، روزنامه‌نگار و از همکاران «سپر آتن»



## قدردانی از رسانه‌های مونترالی توسط «شیلد آو آتنا»

رسانه در این برنامه و همچنین حمایت آنها از فعالیت‌های موسسه‌اش تشکر کرد.

در طول برنامه به روزنامه‌نگاران حاضر تقدیرنامه‌هایی اهدا و از آنها قدردانی شد.

موسسه «سپر آتن» (شیلد آو آتنا) سی سال است که در مونترال برای مقابله با خشونت علیه زنان تلاش می‌کند و مدیر اجرایی آن، خانم ملپا کاماتروز برای این تلاش بارها جوایز و تقدیرنامه‌هایی را دریافت کرده است.

در صورت نیاز به خدمات موسسه شیلد آو آتنا می‌توانید با شماره ۵۱۴۲۷۴۸۱۱۷ تماس بگیرید یا به وب سایت این موسسه shieldofathena.com مراجعه کنید.

به طور عام، و خشونت علیه زنان به طور خاص، هستند.

همکاران موسسه شیلد آو آتنا از چندین هفته پیش در تدارک این روز بوده‌اند.

خانم اراملیندا بوکوئر، یکی از همکاران موسسه شیلد آو آتنا برنامه را آغاز کرد. خانم آنی کورتاکیس Annie Koutrakis نماینده مجلس فدرال از منطقه Vimy و خانم کریس ان ناکیس Chris Ann Nakis سخنران اصلی برنامه بودند. خانم ان ناکیس، مدیر رستوران زنجیره‌ای «باتون رووژ»، علاوه بر ریاست موسسه شیلد آو آتنا، یکی از حامیان اصلی این موسسه غیرانتفاعی است.

مدیریت اجرایی موسسه شیلد آو آتنا را خانم ملپا کاماتروز به عهده دارد که پس از سخنرانان اصلی رشته کلام را به دست گرفت و از حضور اصحاب

پنجشنبه، ۱۸ نوامبر، در رستوران «پاناما» موسسه شیلد آو آتنا (سپر آتن) میزبان گروه بزرگی از رسانه‌های مونترالی بود. در کنار «هفته»، دو رسانه فارسی زبان دیگر، نشریه پیوند و کانال تلگرامی «مداد» هم دعوت شده بودند. آقای شهرام یزدان‌پناه، مدیر گروه تلگرامی مداد از طرف این کانال اینترنتی در برنامه حاضر بود. موضوع برنامه قدردانی از رسانه‌ها بود.

حمایت از زنان و مقابله با خشونت علیه زنان دستور کار و هدف موسسه «سپر آتن» Shield of Athena است. این موسسه که در سال ۱۹۹۱ توسط یونانی‌های مونترالی بنیاد گذاشته شده برای انجام مأموریت خود به همراهی رسانه‌ها نیاز دارد و از طرف دیگر رسانه‌ها نیز به طبیعت کار خود موظف به اطلاع‌رسانی درباره موارد خشونت

**Sutton**

Kazem Partow Tehrani  
Real Estate Broker



## کازم تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری

هزینه محضر، ۱۵۰۰ دلار هدیه ما، برای خریدار ملک

■ پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

■ مشاوره برای املاک در آمدزا

■ ارزیابی رایگان منزل شما

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک  
به همراه یک تیم حرفه ای

**514 - 971-7407**

عبدالله صفوی  
مشاور مالی  
بیمه و سرمایه‌گذاری

مشاوره رایگان  
امروز تماس بگیرید:

**(514) 467-8491**



بیمه عمر، ازکارافتادگی

بیماری‌های خاص و...

پس‌انداز تحصیلی

برنامه‌ریزی بازنشستگی و...

**ABDOLLAH SAFAVI**

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

[www.safavifinancial.com](http://www.safavifinancial.com)

scan me for  
free ebook!



## حسابداری و مالیات

XL-ON TAX  
SERVICES INC.



Personal and Corporate  
Professional Tax Services

با مدیریت عباس شفیعی

متخصص حسابداری و مالیات  
McGill University

2545 Cavendish Blvd, #134A  
Montreal, QC H4B 2Y9  
xlon38@gmail.com

**(514) 806 0060**



مصاحبه

مقاله

مهاجرت



### معصومه علیمحمدی - مشاور رسمی مهاجرت

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق: سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خویشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.



[WWW.ICPIMMIGRATION.COM](http://WWW.ICPIMMIGRATION.COM)

  icpimmigrationtocanada  
 @ICPimmigrationTOCANADA



#### Montreal:

Office:  
514-289-9011/514-289-9044  
WhatsApp: 514-778-9011  
Direct from Iran:  
021-2878-8531  
Email: [info@icpimmigration.com](mailto:info@icpimmigration.com)  
Address: 1117 Ste. Catherine West,  
#511, Montreal, Qc, H3B 1H9

#### Tehran:

Office: 021-2288-1684  
Mobile: 0937-489-6676

# این ۱۲ نفر بر سیاست‌های مهاجرتی کانادا نظارت می‌کنند

اعضای کمیته نظارت بر عملکرد وزارت مهاجرت و شهروندی مستقر در مجلس برای دوره چهل و چهارم تشکیل پارلمان انتخاب شد.

نمایندگان مجلس کانادا ۱۲ عضو کمیته نظارت بر عملکرد اداره شهروندی و مهاجرت مستقر در مجلس عوام را که مسئولیت نظارت و بررسی مستقیم بر سیاست‌ها و عملکرد وزارت مهاجرت و شهروندی را دارد مورد انتخاب قرار دادند.

این کمیته که به اختصار CIMM نیز نامیده می‌شود، بر امور مربوط به مهاجرت، پناهندگان و شهروندی کانادا (IRCC) و کانون مهاجرت و پناهندگی کانادا (IRB) نظارت مستقیم در زمینه‌های چگونگی عملکرد، پایبندی به وظایف و نحوه مدیریت هر یک از این سازمان‌ها داشته و ملزم به ارائه گزارشات بررسی‌های خود به مجلس است. علاوه بر این مدیریت وزارت مهاجرت برای بررسی فایل‌های درخواست در مدت زمان معقول را نیز به طور مستمر مورد بازبینی قرار می‌دهد.

در جلسه قبلی پارلمان، CIMM یک مطالعه عمده در مورد تأثیر COVID-19 بر مهاجرت کانادا انجام داد و توصیه‌هایی در مورد چگونگی تغییر سیستم مهاجرت ارائه کرد. با وجود اینکه حزب سیاسی در قدرت تعهدی برای ایجاد هیچ تغییری در سیاست‌های دولت بر اساس این مطالعات ندارد، اما می‌تواند در به روزرسانی اطلاعات و برنامه‌ریزی‌ها و اعمال سیاست‌های جدید دولت کمک کند.

اعضای این کمیته از میان نمایندگان پارلمان از احزاب مختلفی که به رسمیت شناخته شده‌اند بر اساس رای نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند. لازم به ذکر است که احزابی در مجلس به رسمیت شناخته می‌شوند که حداقل دارای ۱۲ نماینده در مجلس عوام باشند.

آغاز کار کمیته بررسی تنها زمانی میسر است که نام ۱۲ عضو آن مشخص و رئیس کمیته توسط ۱۲ عضو انتخاب شود.

تا زمانی که نام اعضا مشخص نشود و رئیس کمیته مورد انتخاب اعضا قرار نگیرد رسماً فعالیت کمیته آغاز نخواهد شد و قادر به انجام مسئولیت‌های

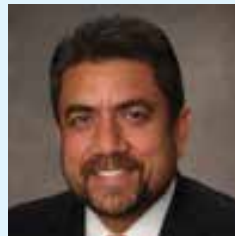
خود نخواهد بود. منتخبین در روز ۱۴ دسامبر رئیس کمیته را انتخاب خواهند نمود.



آقای Shafqat Ali از حزب لیبرال نماینده مرکز برامپتون استان انتاریو است.



آقای Alexis Brunelle-Duceppe از حزب بلوک کبک‌وا نماینده مجلس در حوزه انتخاباتی Lac-Saint-Jean در کبک است.



آقای Sukh Dhaliwal از حزب لیبرال برای Surrey-Newton، بریتیش کلمبیا است.



آقای Fayçal El-Khoury از حزب لیبرال است که به نمایندگی از حوزه انتخاباتی Laval-Les Îles کبک

انتخاب شده است.



خانم Rosemarie Falk، نماینده محافظه کار پارلمان از Battlefords-Lloydminster، ساسکاچوان است.



آقای Jasraj Singh Hallan از حزب محافظه کار نماینده مجلس Forest Lawn کلگری در آلبرتا است.



خانم Arielle Kayabaga نماینده حوزه انتخاباتی غرب لندن از حزب لیبرال است.



خانم Jenny Kwan از حزب دموکراتیک نوین نماینده منطقه ونکوور شرقی، بریتیش کلمبیا بوده است.



## اخراج پیر مرد ۸۵ ساله ایرانی از کانادا

### داستان عجیب میرزاعلی واعظزاده، کارمند سابق ساواک

یک جنایتکار.»

پدر مسعود، میرزاعلی واعظزاده، سال ۱۹۹۷ به همراه خانواده‌اش به کانادا آمد و از آن زمان تا امروز بدون آن که وضعیتش روشن شود در این کشور زندگی می‌کرد. درخواست اقامت دائم همسر میرزاعلی در سال ۲۰۰۳ پذیرفته شد، اما درخواست وی رد شد.

دفتر خدمات مرزی کانادا درخواست او را به دلیل کار در ساواک، در قبل از انقلاب اسلامی سال

مسعود واعظزاده و خانواده‌اش می‌خواستند با پدر ۸۵ ساله خود در فرودگاه خداحافظی کنند، اما مسئولان دفتر خدمات مرزی کانادا این اجازه را هم به آنان ندادند.

به گزارش هفته و به نقل از «سی‌بی‌سی»، مسعود گفت: «حتی اجازه نمی‌دهند با او تلفنی صحبت کنم. دلایلشان این است که او بازداشت شده است. مثل این است که او یک جنایتکار است، کاملاً با او مانند یک جنایتکار رفتار می‌شود، حتی بدتر از



خانم Marie-France Lalonde نماینده لیبرال اورلئان، انتاریو است.



آقای Brad Redekopp نماینده حزب محافظه کار برای حوزه انتخاباتی در غرب ساسکاتون در ساسکاچوان است.



آقای Kyle Seebach نماینده محافظه کار برای حوزه انتخاباتی دافرین-کالدون.



خانم Salma Zahid از حزب لیبرال نماینده حوزه انتخاباتی مرکز اسکاربرو، انتاریو در مجلس عوام است. بدیهی است افراد می‌توانند برای ارسال اعتراضات و پیشنهادات در زمینه برنامه‌های مهاجرتی و یا موارد مرتبط با بررسی درخواست‌های مهاجرتی با دفاتر هر یک از اعضا کمیته ارتباط برقرار کنند.

تماس با نویسنده: معصومه علی‌محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل [info@icpimmigration.com](mailto:info@icpimmigration.com) و وبسایت [www.icpimmigration.com](http://www.icpimmigration.com) در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی ICP Immigration حمایت شده است.



خانواده و وکیل میرزاعلی می‌گویند که مشارکت وی در این سازمان، که به نقض حقوق بشر از جمله شکنجه و قتل متهم است، بسیار کم بوده. دیوید ماتاس، وکیل دادگستری، می‌گوید: «جمهوری اسلامی با کسانی که برای پادشاهی ایران کار می‌کردند برخوردی خصمانه داشته است. [این موضوع برای] دهه‌ها پیش است و او نقشی بسیار کم‌اهمیت و کوتاه‌مدت [در ساواک] داشت.»

مسعود گفت که میرزاعلی پس از اینکه متوجه شد ساواک درگیر نقض حقوق بشر است، کار را ترک کرد.

مسعود افزود: «او نباید به خاطر کاری که انجام نداده است مجازات شود. همانطور که گفتم، به محض اینکه فهمید پشت درهای بسته چه می‌گذرد... دیگر نمی‌خواست بخشی از آن باشد.» مقامات مهاجرت می‌گویند که میرزاعلی از سال ۱۹۶۴ تا سال ۱۹۷۰ برای ساواک کار کرده است. بر اساس تصمیم دادگاه فدرال در سال ۲۰۱۷ که به رد درخواست میرزاعلی برای بررسی قضایی پرونده وی انجامید، او در طول مدت کار خود در این سازمان، پرونده حدود ۲۰ هزار نفر را بررسی کرده و ۸۰۰۰ نفر را به مقامات اطلاعاتی ارجاع داده است.

قاضی در این تصمیم نوشت که میرزاعلی «اعتراف کرد که پس از ارجاع، افراد ممکن است در معرض شکنجه، بازداشت، بدرفتاری و حتی مرگ قرار گرفته باشند.»

ماتاس نامه‌ای به دفتر خدمات مرزی کانادا نوشت و به این دلیل که میرزاعلی و همسرش هر دو در سلامتی به سر نمی‌برند خواستار تأخیر در اخراج او شد.

مسعود گفت: «پدر و مادرم را بعد از ۶۵ سال وقتی بیمارند و بیشتر به هم نیاز دارند، از هم جدا کردند.»

میرزاعلی چهارشنبه‌شب پس از بازگشت از بیمارستان دستگیر و بازداشت و سپس به فرودگاه فرستاده شد.

از آنجایی که این اتفاق روز پنجشنبه رخ داد، ظاهراً نامه وکیل برای نگه داشتن میرزاعلی در کانادا کاری از پیش نبرده است.

مقامات اداره مهاجرت کانادا در رابطه با استرداد واعظزاده گفته‌اند: «این تصمیم که فردی از کانادا مسترد شود، برای ما مسئله سنگینی است. اما قانون مهاجرت و حفاظت از پناهنجویان کانادا

می‌گوید، دستور اخراج و استرداد باید هر چه سریع‌تر به اجرا درآید.»

اعضای خانواده واعظزاده هنگام مشاجره با مقامات مرزی اشک ریختند و ضجه زدند ولی صدایشان به جایی نرسید.

میرزاعلی را با پروازی به تورنتو و سپس به دبی و در نهایت به تهران رساندند و در آنجا احتمال دارد که جمهوری اسلامی او را اعدام کند.

واعظزاده ساکن شهر وینیپگ استان منیتوبا بود.

### سخنگوی دولت جمهوری اسلامی اخراج کارمند پیشین ساواک از کانادا را نمایشی از «بهشت اختلاس‌گران» خواند

در واکنش به این اقدام کانادا که همزمان با روز جهانی حقوق بشر انجام شد، علی‌بهداری جهرمی، سخنگوی دولت جمهوری اسلامی، در حساب کاربری خود در توئیتر، نوشت: «اقدامات نمایشی دولت کانادا در سالروز جهانی حقوق بشر پاسخگو نیست، مردم ایران منتظر استرداد مجرمین مالی ایرانی ساکن در کانادا و بازگشت اموال عمومی به تاراج رفته هستند. هر چند انتهای نمایشنامه بهشت اختلاس‌گران جز این نیست.»

### آیا واعظزاده واقعا ساواکی بوده است؟

عرفان قانع‌فرد، پژوهشگر تاریخ معاصر، که با اعضای رده‌بالای ساواک - همچون پرویز ثابتی، رییس اداره امنیت داخلی ساواک و عیسی پژمان، مامور ساواک در عراق - مصاحبه‌ها داشته و آنها را به صورت کتاب نیز چاپ کرده است، ادعاهای مقامات کانادایی را به چالش کشیده و در فیس‌بوک خود مدعی شده که «این خبر چند درز امنیتی و اغراق بی‌ربط دارد». گزیده‌ای از استدلال‌های قانع‌فرد چنین است:

«- ایشان ساواکی نبوده است و مطلقاً کسی از افراد ساواک وی را نمی‌شناسند. من با افراد شاخص ساواک در کانادا و آمریکا و اروپا حرف زدم. کسی وی را نمی‌شناسد، حتی به احتمال ضعیف یک مخبر یا منبع هم نبوده.»

- گفته شده این آقا مدعی شده که ۶ سال در ساواک کار کرده است، اما ساواک کارمند مقطعی نداشته که طول خدمتش فقط ۶ سال باشد. در ساواک کسی در سن ۴۲ سالگی هم استخدام نمی‌شد، مگر منبع خاص.

- ادعا شد که ایشان ۲۰ هزار پرونده زیر دستش بوده، اگر زمان را حساب کنید سالی ۳۳۳

پرونده را بازبینی کرده، یعنی با احتساب جمع‌ها و تعطیلات حدود روزی ۱۰ پرونده، که بسیار مسخره است - کارمند اداره ثبت احوال هم روزی ۱۰ شناسنامه صادر نمی‌کند.»

قانع‌فرد علت این تناقضات را کوشش واعظزاده برای گرفتن پناهندگی دانسته و مدعی شده است: «۹۵ درصد کسانی که می‌خواهند پناهنده شوند باید کیسی سیاسی داشته باشند و حتی بسیاری در کشورهای مختلف مدت‌ها شغلشان نوشتن کیس بود و یکی از معتبرترین کیس‌ها، اشتغال در ساواک بود که شانس پذیرش پناهندگی را بیشتر می‌کرد. این فرد اول، کیس ساواک داده که قبول نشده و بعد پناهندگی اجتماعی داده که باز هم رد شده! موقع خروج هم، این دروغ (بررسی ۲۰ هزار پرونده) سر هم شده! ایشان ۱۸ سال بعد از حضور جمهوری اسلامی در ایران تازه به کانادا آمده، همه حرف‌هایش به مسئولان کانادا دروغ بوده و وقتی با پناهنده‌های ساواک تطابق داده‌اند، اصلاً او کمترین اطلاعی از ساواک نداشته و فکر کرده دارد زرنگی می‌کند و با این کلک می‌تواند پناهندگی بگیرد.»

### واکنش رسانه‌ها درون‌مرز: میرزاعلی مال خودتان، خاوری را بدهید!

گفتنی است که برخی رسانه‌های درون‌مرز این خبر را گزارش داده‌اند، اما مقامات قضایی جمهوری اسلامی و همچنین چهره‌ها و مقامات نظام سابق، تا جایی که هفته جست‌وجو کرده است، تاکنون در این باره سخنی نگفته‌اند.

اقتصادآنلاین که در درون‌مرز فعال است، در یادداشتی با تیتیر «میرزاعلی مال خودتان، خاوری را بدهید» نوشته است:

«فارغ از اینکه اساساً این فرد چه ارزشی غیر از چند مصاحبه احتمالی تاریخی و افشای جنایات رژیم پهلوی برای ایران دارد، بهانه کانادا برای اخراج میرزاعلی واعظزاده این بوده که او از جنایات ساواک مطلع بوده و پرونده ۸۰۰۰ نفر را به مقامات امنیتی ارجاع داده و به همین دلیل مرتکب نقض حقوق بشر شده است. در نقض حقوق انسانی توسط عوامل سازمان اطلاعات و امنیت رژیم پهلوی تردیدی نیست اما در حسن نیت کانادا در دفاع از حقوق بشر تردیدهای جدی وجود دارد.»

این گزارش ادامه می‌دهد: «چند وقت پیش استفان هارپر نخست‌وزیر پیشین کانادا در کنفرانس سالانه منافقین حضور یافت و سخنرانی کرد؛ همایشی

ابواب جمعی جمهوری اسلامی در کانادا تکانی به خود بدهد، البته آنها چون با پول فراوان به کانادا رفته‌اند، می‌شود زیر سبیلی رد کرد!»  
 علی سالاری هم به دولت کانادا تاخته و نوشته است: «اینکه ایشان کارمند ساواک بوده یا نبوده کار بی‌شرمانه دولت کانادا رو توجیه نمی‌کند، اتفاقاً نشان می‌دهد که بدون مدرک ایشان رو به نقض حقوق بشر متهم کرده، در حالی که صدها عضو و وابسته سپاه در کانادا مشغول پولشویی هستند.»

لیلا، وبلاگ‌نویس، رفتار کانادا با واعظزاده را با خاوری مقایسه کرده و نوشته است: «چرا کانادا امثال خاوری و اختلاس‌گرهای دیگری که پول مردم را بالا کشیدند و الان دارند تو کانادا زندگی لاکچری می‌کنند بیرون نمی‌کند. جنایت جنایت است چه آدم‌فروشی چه مال مردم‌خوری. خدا می‌داند سر همین فقری که امثال خاوری به مردم تحمیل کردند چه زندگی‌ها از هم پاشیده شده و چه آدم‌هایی که از سر نداری خودکشی کردند یا تو بیمارستان‌ها از بی‌پولی مردند. من در مورد این آقا به شخصه چیزی نمی‌دانم و نمی‌توانم قضاوت کنم ولی امثال خاوری را خوب می‌شناسم که چه جانورانی هستند.»

آرمین امیری، یک ایرانی کانادایی، در توثیتی نوشته است: «آقای خاوری به گمانم شهروند کانادا باشد و وضعیتش با آقای واعظزاده که اقامت دائم کانادا را نداشت متفاوت است. این گونه اشخاص معمولاً به عنوان گروگان و بده‌بستان‌های سیاسی با ج.ا. معاوضه می‌شوند. باید به گروگانگیری‌های سیاسی پایان داد.»

احسان رنجبران، یک کاربر توثیت، در توثیتی نوشته است: «ساواک ۲۳ اسفند ۱۳۳۵ تاسیس شد و ۱۷ بهمن ۵۷ فروپاشید، دقیقاً ۸۰۰۰ روز. جماعت سفله همین عدد رو به‌عنوان تعداد افرادی که واعظزاده در طول فعالیت در ساواک لو داده ذکر کردند، یعنی بدون هیچ وقفه و مرخصی هر روز یک نفر را لو می‌داده است!»

اما از سویی دیگر، یک کاربر مستعار توثیت، بای‌پلار، در توثیتی، به زاویه‌ای دیگر از این ماجرا اشاره داشته و نوشته است: «خبر استرداد یک کارمند سابق ساواک به جمهوری اسلامی، حاوی پیامی روشن و قاطع برای همه آنانی است که در نظام اسلامی، مسیر آدم‌فروشی و خیانت به ایران و ایرانی را در پیش گرفته‌اند: حتی اگر پیرمرد ۸۵ ساله هم باشی، هیچ تضمینی برای در امان ماندن نداری!»



جایی که هفته‌ها رصد کرده، بازتابی یکسره منفی داشته و شمار قابل توجهی از کاربران شبکه‌های اجتماعی با اشاره به این که کانادا «بهشت مقامات فاسد» جمهوری اسلامی است که پرونده حقوق بشری غیر قابل دفاعی دارند، اما از کانادا اخراج نمی‌شوند، نوشته‌اند که اخراج این مرد در حالی رخ می‌دهد که کانادا از استرداد غارتگران و مجرمانی همچون خاوری به دلیل اینکه اطمینان ندارد سیستم قضائی جمهوری اسلامی عادلانه و مستقل باشد خودداری نموده است.

برای نمونه، کیوان عباسی، مدیر شبکه من‌وتو، در توثیتی در این‌باره نوشت: «باور کردنی نیست! زمانی که کانادا بهشت آقازاده‌ها و مقامات جمهوری اسلامی با پرونده حقوق بشری غیر قابل دفاع است، میرزاعلی واعظزاده ۸۵ ساله را به دلیل عضویت در ساواک به ج.ا. تحویل می‌دهند. این لکه‌نگی است بر پیشانی مسئولین این کشور به اصطلاح متمدن که کوچکترین بویی از انسانیت نبرده‌اند.»

مسیح علی‌نژاد، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی، در توثیتی نوشت: «کانادا این مرد ۸۵ ساله را به جرم همکاری با ساواک بعد از ۲۵ سال زندگی در کانادا به ایران دیپورت کرد. چقدر ریاکارانه است این اقدام، وقتی کانادا و آمریکا و بقیه کشورهای اروپایی تبدیل شده به بهشت مقامات فاسد جمهوری اسلامی تروریست که در این کشورها زندگی می‌کنند و از آزادی لذت می‌برند.»

شیرین طبیب‌زاده، پژوهشگر، این موضوع را «کاسه‌ای زیر نیم کاسه» دانسته و در فیس‌بوک نوشته است: «دولت کانادا بایستی درباره هزاران

که میزبان آن یکی از فرقه‌های تروریست جهان بود که دستش دست‌کم به خون ۱۲ هزار شهروند ایرانی آلوده است و علاوه بر این، عناصر بازگشته از این گروهک، گزارش‌هایی از نقض جدی حقوق بشر در اردوگاه‌های مخوف آنان می‌دهند. کانادا بگوید تا به حال کدام عضو منافقین را به دلیل نقض حقوق بشر اخراج کرده است؟»

اقتصادآنلاین در ادامه نوشته است: «اصلاً منافقین به کنار، سال‌هاست که کانادا به متهم شاخص یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های فساد مالی در ایران یعنی محمودرضا خاوری پناه داده و هیچگونه همکاری برای اجرای دستورات پلیس بین‌الملل مبنی بر استرداد این متهم نمی‌کند. اگر کانادا درد حقوق مردم را دارد، حق مردم ایران برای محاکمه کسانی که اموالشان را به تاراج برده‌اند، محترم بشمارد و خاوری را تحویل بدهد. صدر ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ که اتفاقاً همین روزها سالگرد تصویب آن است، یک جمله مهم دارد: همه در برابر قانون برابرند. عدم همکاری برای محاکمه فردی که مرتکب جرم شده است، نقض آشکار ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. بنابراین آزاد کردن امثال میرزاعلی و پناه‌دادن به امثال خاوری و منافقین، صرفاً صحنه‌هایی از سیرک مضحک دفاع غرب از حقوق بشر است و دوگانگی استانداردهای کشورهای مدعی از جمله کانادا را بیش از پیش در افکار عمومی جهان به نمایش می‌گذارد.»

### واکنش شبکه‌های اجتماعی

اما اقدام دولت کانادا در شبکه‌های اجتماعی، تا



استودیو عکاسی رز  
STUDIO PHOTO ROSE



انواع خدمات  
عکاسی مزه ای

PASSPORT  
PORTRAIT  
NEWBORN  
BUSINESS



(514) 488 7121

5301 Queen Mary  
(Corner of Décarie),  
H3X1T9, Montréal, QC.

ما را در اینستاگرام و  
فیسبوک دنبال کنید

studiophotorose



**ELHAM JAMI**  
Courtier Immobilier Résidentiel  
514-966-9681  
eniamami@sutton.com

خرید و فروش املاک مسکونی  
در مونترال، وست آیلند، ریوسود و لاوال  
همکاری با تیم با تجربه در  
تیمه وام مسکن و با کمترین نرخ سود بانکی

**سهیلات ویژه برای تازه واردین به کانادا**

# Residential Real Estate Broker



شهره شهریان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

- ♦ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- ♦ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونترال جهت خرید
- ♦ هزینه محضر هدیه من به خریداران محترم

514 - 290 - 2210

shahrianrealtor@gmail.com



سينما

فرهنگ هند

ادبيات





## فرشته احمدی: در ایران می‌مانم باز نشر یک گفت‌وگوی اختصاصی

فرشته احمدی در سال ۱۳۵۱ خورشیدی به دنیا آمده و در رشته‌ی معماری از دانشکده‌ی هنرهای زیبا دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده است. مجموعه داستان «سارای همه»، رمان «پری فراموشی»، رمان «جنگل پنیر» و مجموعه داستان «گرم‌زدگی» از آثار فرشته احمدی هستند. علاوه بر داستان‌نویسی، نوشتن درباره‌ی آثار ادبی، پدیدآورندگان ادبیات و تاثیر ادبیات بر زندگی، در نشریات مختلف کار مورد علاقه‌ی او در این سالها بوده است. او هم اکنون یکی از داوران جایزه ادبی بهرام صادقی است که چندی پیش بیست داستان برگزیده اش را برای مرحله‌ی نهایی داوری اعلام کرده است.

و انرژی کار کردن روی داستان‌هایم را ندارم از بس که در طول روز مشغول خواندن کارهای بد بوده‌ام. در این مواقع فوری به فکر پادزهر می‌افتم؛ چند تا داستان خوب کلاسیک می‌خوانم تا یادم بیاید چیزهای خوب هم وجود دارند. البته یک چیز را هم فراموش نکنیم داستان‌های بد به ما امکان تجزیه و تحلیل می‌دهند و بررسی نقاط ضعف‌شان کمک‌مان می‌کند که آن اشتباه‌ها را تکرار نکنیم و البته روزهایی هم هست که داستان‌های خوبی می‌خوانم و انرژی می‌گیرم.

**برویم سر وقت فرشته‌ی نویسنده، از داستان کوتاه رفتی سراغ رمان و بعد دوباره داستان کوتاه. کدامش برایت لذت بخش‌تر است؟**

نوشتن داستان کوتاه و رمان هر دو سخت و عذاب‌آور است و بخش لذت‌بخش ماجرا مربوط به زمانی است که کار تمام می‌شود و لاقلاً برای زمانی کوتاه

**این مسوول انتخاب کتاب بودن روی نوشتن‌ات تاثیر نمی‌گذارد؟ یعنی چون در طول هفته مجبوری نوشته‌های شاید مزخرف خیلی‌ها را بخوانی، این مثل تنیسوری که با حریف ضعیفی بازی می‌کند و بازی‌اش بد می‌شود در نوشتن تو تاثیر منفی نمی‌گذارد؟**

راستش انجام این کار به جز تاثیرات مثبت و منفی، باعث شده تا راجع به ادبیات داستانی معاصرمان، یعنی چیزی که جوان‌ترها تولید می‌کنند، سلیقه‌ی داستان‌پردازی‌شان، جسارت‌شان، ارتباط‌شان با زمینه‌های اجتماعی و... تحلیل‌هایی داشته باشم. یعنی برای من کار ادبی، صرفاً نوشتن داستان نیست که نگران تاثیر باقی کارها بر آن باشم. اما اگر بخواهم جواب دقیقی به سوال تو بدهم راستش هم‌زمان تاثیر مثبت و منفی دارد. گاهی دلزده و خسته می‌شوم

**به‌عنوان یک شروع ضربتی، می‌خواستم از تو که در حال حاضر در یک انتشارات، مسوول انتخاب کتاب هستی بپرسم ببینم با توصیه، کتاب اول چاپ می‌کنید یا نه؟**

البته طوری که تو کلمه‌ی «توصیه» را به کار بردی من راهی ندارم جز این که سریع و صریح بگویم «نه». اما واقعیت این است که توصیه شاید باعث تسریع روند بررسی کتاب شود، اما باعث نمی‌شود اثری ضعیف و غیرقابل قبول برای انتشار پذیرفته شود. کسانی که آثار دوستان و آشنایان‌شان را برای چاپ به ناشر توصیه می‌کنند، خوب به این مساله واقف‌اند که کارشناس نشر، اعتبار خودش و سرمایه‌ی انتشارات را با انتخاب اشتباه به خطر می‌اندازد و خوشبختانه توصیه‌کنندگان معمولاً به این حد اکتفا می‌کنند که «کار را بررسی کنید و اگر مناسب بود...» و معمولاً اصراری در کار نیست و کسی تحت فشار قرار نمی‌گیرد.

فکر می‌کنی از پس انجامش برآمده‌ای. با این حال گمان می‌کنم به خاطر زمان طولانی‌تری که رمان درگیرمان می‌کند، عذاب‌ها و لذت‌هاش را به طور متناوب احساس می‌کنیم. در هر دو حالت داریم جان می‌کنیم تا تصویر، اتفاق یا شخصیتی را که وجود ندارد طوری بازسازی کنیم که تاثیرگذار باشد. لذت زمانی حاصل می‌شود که در جزئیات این پردازش موفق باشیم و نیز زمانی به اوجش می‌رسد که ساختار کلی به طور معجزه‌آسایی از در کنار هم قرار گرفتن اجزا و عناصر صحیح جان بگیرد.

**با این نظر که داستان کوتاه نوشتن مقدمه‌ی رمان نوشتن است موافقی یا به نظرت ربطی به هم ندارند؟ چون یک تصویری هست که انگار اگر کسی از داستان کوتاه نوشتن برسد به رمان نویسی یعنی پیشرفت کرده، این به نظرت حرف درستی است یا مزخرف است؟**

موافق نیستم. این طوری انگار یک گونه را از گونه‌ای دیگر ارزشمندتر به شمار آورده‌اند. خوشبختانه آلیس مونرو برای داستان‌های کوتاه‌اش جایزه نوبل گرفت تا با خیال راحت فکر ارجحیت داشتن یا نداشتن این یا آن را از ذهن‌مان بیرون کنیم. اما... شاید این‌طور به نظر برسد که در یک سطحی بستر داستان کوتاه چون تمرکز و وقت کم‌تری می‌خواهد و امکان رفت و برگشت و آزمون و خطا را برای نویسنده مهیا می‌سازد، بستر مناسب‌تری برای محک زدن توانایی‌هایمان باشد. درک ساختار روایت، پیدا کردن اشکالاتش و تلاش برای رفع آن‌ها شاید در یک زمین بازی کوچک‌تر امکان پذیرتر باشد. با این حال با توجه به ساختار ذهنی‌مان، زمان‌مان، تمرکزمان، سوژه‌مان، قالب مناسب برای بیان آن را پیدا می‌کنیم.

**اگر همین الان اسامت در لاتاری امریکا دربیاید از ایران مهاجرت می‌کنی؟ یا برای نوشتن یا به هر علت دیگر در ایران می‌مانی؟**

**داستان‌نویسان شناخته شده‌ای از کشور ما مهاجرت کرده‌اند و اغلب کار چشم‌گیری در خارج از ایران از آن‌ها ندیده‌ایم. علت را در چه می‌دانی؟**

**آیا اصولاً موافق این حرف هستی که آن‌ها نتوانستند در خارج از ایران کار چشم‌گیری بکنند؟ به نظرت این مشکل مخصوص ایرانی‌هاست مثلاً ریشه در تنبلی ما یا ندانستن زبان بیگانه دارد؟**

قطع ارتباط با فضای فرهنگی ایران، با زبان مادری، با منابع حسی و عاطفی، تلاش برای حل مسائل زندگی جدید، کنار آمدن با وضعیت هویتی تازه، نداشتن انگیزه، مشکلات مالی و... حتماً مسائل زیاد دیگری باعث شده تا برآیند کار نویسندگی‌های مهاجر، این تصور را برای ما به وجود بیاورد که کار چشم‌گیری نکرده‌اند. البته احساسم این است که نویسندگی‌های جوان‌تر که ارتباطشان را با ناشران ایرانی و مطبوعات قطع نکرده‌اند، به احتمال زیاد آگاهانه تلاش می‌کنند تا تداوم کاری‌شان حفظ شود مثلاً امیر احمدی‌آریان یا حامد اسماعیلیون و پیمان اسماعیلی از جمله نویسندگانی هستند که با رفتن از ایران لاقلاً تا حالا ارتباطشان با فضای نشر قطع نشده.

**تو یکی از داوران جایزه‌ی ادبی بهرام صادقی هستی که همین پانزده دی زادروز تولدش بود. به نظرت بهرام صادقی چه کار خاصی در ادبیات کرده که نامش باید در یادها بماند و داستان‌هاش باید خوانده شود؟**

بهرام صادقی داستان‌های کوتاه زیادی نوشته و به گواه برخی شاهدان هنوز زنده، داستان‌های زیادی هم تعریف کرده و نوشته. داستان بلند ملکوت را نوشته و نویسنده‌ای مدرن و پیشرو محسوب می‌شود. داستان‌های صادقی مضمون‌ها و ساختارهای متنوعی دارند اما تقریباً همیشه طنز (باید بگویم طنز تلخ تا معلوم شود ارزشمند است) عامل مهمی در پیشبردشان محسوب می‌شود. گاهی داستان کلاسیکی از او می‌خوانیم مثل «فردا در راه است» و گاهی داستانی با حال و هوای گوتیک مثل «وسواس» و داستان بلند او، ملکوت، که در زمان خودش و حتی حالا کاملاً می‌تواند خواننده را شگفت‌زده کند. بهرام صادقی اهمیت دارد چون بر نویسندگی‌های جوان بعد از خود تاثیر داشته و یکی از مهره‌های حرکت داستان ایرانی در طول تاریخ کوتاه‌اش محسوب می‌شود.

**به نظرت بهرام صادقی چرا در اواخر**

**عمر دیگر داستان نمی‌نوشت و بیش‌تر آن‌ها را برای دیگران تعریف می‌کرد؟**

نمی‌دانم. حدس می‌زنم انگیزه‌ای برای نوشتن و منتشر کردن نداشته اما در ضمن چون داستان‌گویی در نهادش بوده، ذهنش بی‌وقفه ایده می‌ساخته و ایده‌ها را پرور می‌کرده و به جای نوشتن به هر کس که می‌رسیده دوست داشته داستان‌هاش را تعریف کند. ما در مورد ایده‌ها و داستان‌هایی که در ذهن داریم حرف نمی‌زنیم، چون می‌خواهیم ایده توی ذهن‌مان رشد کند و پر و بال بگیرد. گاهی هم با حرف زدن از یک داستان انگار از شرش خلاص می‌شویم و دیگر میلی به نوشتنش نداریم. اگر روزی تصمیم بگیریم دیگر ننویسیم احتمالاً با خیال راحت همه‌ی این عادت‌ها را ترک می‌کنیم و دوست داریم در مورد هر ایده‌ای که ناخودآگاه و بر اثر سال‌ها ایده‌پردازی به ذهن‌مان می‌آید حرف بزنیم. بیش‌تر وقت‌ها تعریف کردن داستان از نوشتنش آسان‌تر است چون به سنت نقلی نزدیک می‌شود و مشکلات فرم نوشتاری را ندارد. مثلاً به طرف می‌گویم «این‌جا را داشته باش تا بگویم از آن طرف فلانی داشت چکار می‌کرد.» یا به جای فلاش بک و تکنیک‌های زیر پوستی خیلی صریح و راحت در زمان‌های مختلف داستانی حرکت می‌کنیم مثلاً «چند روز پیش از این جریان‌ها... فلان اتفاق افتاده بود و حالا تازه معلوم شد که...» لازم نیست بیش‌تر توضیح بدهم اما خلاصه‌اش این است که دوست داشته داستان تعریف کند و لابد رابطه‌ی دو طرفه‌ی شنونده - گوینده را به رابطه‌ی خواننده - نویسنده ترجیح می‌داده.

**اگر بهرام صادقی جوان و گمنام، داستان بلند ملکوت را به تو می‌داد که در مورد چاپش تصمیم‌گیری فکر می‌کنی قبول می‌کردی این کتاب را چاپ کنی؟**

جواب صادقانه دادن به این سوال هم جسارت زیاد می‌خواهد هم تخیل قوی. یا باید مودبانه بگویم «بله، حتماً که اثر ایشان پذیرفته می‌شد» تا نشان دهم فردی فهمیده‌ام یا اگر بخوام بی‌توجه به شناخت اکنون‌مان از او و آثارش چیزی بگویم باید بگویم واقعاً نیاز دارم دوباره بخوانمش. خوب ملکوت برای آن زمان کار خیلی پیشرویی محسوب می‌شده شاید خواندنش الان در این زمان آن‌قدر چشم‌گیر نباشد به خصوص از کسی که هنوز مهر تایید بزرگان رویش نخورده. گمان می‌کنم از کار





چند اثر از فرشته احمدی

ترجمه‌ی «خجسته کیهان».

با توجه به این که می‌دانم برعکس خیلی از نویسندگان ایرانی ما کارهای روز نویسنده‌ها را هم می‌خوانی اگر بخواهی به یک هم‌وطن که ساکن خارج از کشور است و برای دیدار به ایران خواهد آمد کتاب‌هایی توصیه کنی که از ایران بخرد و به جای گز و پسته و سبزی آشی در بیست و سه کیلو بارش جای بدهد، چه کتاب‌های جدیدی را توصیه می‌کنی؟

پیشنهاد دادن کتاب برایم خیلی آسان نیست چون سلیقه‌ها واقعا متفاوت‌اند. لاقلاً اگر بدانم به چه کسی قرار است کتاب پیشنهاد بدهم با خیال راحت‌تر انتخاب می‌کنم. ولی فعلاً برای خالی نبودن عریضه اکتفا می‌کنم به چند کتاب؛ «سارق چیزهای بی‌ارزش» نوشته‌ی «پیام ناصر»، «بازار خوبان» نوشته‌ی «آرش صادق بیگی»، «سی و سه پل و چهار و نیم اکتاو» نوشته‌ی «سلمان باهنر»، «یزله در غبار» نوشته‌ی «علی صالحی»، «وارونگی» نوشته‌ی «عطیه راد»، «آن‌ها که ما نیستیم» نوشته‌ی «محمد حسینی»، «تربیت‌های پدر» نوشته‌ی «محمد طلوعی». بیست و سه کیلو شد؟ حتما کتاب‌هایی را جا انداخته‌ام. بیشتر آن‌هایی یادم مانده که تازگی‌ها خواندم. بعضی از کتاب‌های جدید را هم که زیاد حرف و حدیث درباره‌شان شنیده‌ام هنوز نخوانده‌ام.

**توضیح:** این گفت‌وگو بار اول در سال ۲۰۱۶ در هفته شده است.

بدم نمی‌آمد، طنزش را دوست می‌داشتم و تخیل نویسنده تک‌نم می‌داد اما در مورد انسجامش در ساختار مطمئن نیستم.

### مجموعه داستان سنگر و مقمعه‌های خالی را چه‌طور؟

اتفاقاً انتخاب سنگر و ... انتخاب راحت‌تر و مطمئن‌تری است. به خصوص این که داستان‌های زیادی دارد و می‌شود داستان‌های به‌تر را سوا کرد. شاید بعضی از داستان‌ها برای این زمان کهنه باشند که عجیب هم نیست.

### می‌دانم اگر وقت کنی کلاس‌های داستان نویسی هم برگزار می‌کنی. فکر می‌کنی چه‌قدر آموزش می‌تواند از علاقه‌مند نویسنده بسازد؟ یعنی سهم آموزش را در نویسنده شدن یک فرد چه‌قدر می‌دانی؟

هیچ کاری به تنهایی از آدم نویسنده نمی‌سازد. استعداد خدادادی لازم است. صبر و پشتکار، خواندن زیاد، علاقه، امید و... مجموعه‌ای از عوامل در کنار هم و دوام این عوامل در مدتی مدید برای نویسنده شدن لازم است. آموزش یکی از آن‌هاست. گاهی آموزش بی‌برنامه و بدون استاد و بدون کلاس است. همه چیز می‌خوانیم، به جلسات نقد و بررسی می‌رویم، توانایی‌های خودمان را در زمینه‌های مختلف می‌سنجیم، داستان‌های آماتوری می‌نویسیم و آن‌ها را برای عده‌ای می‌خوانیم، بازنویسی می‌کنیم و با ترس و لرز در مورد چاپشان فکر می‌کنیم. گاهی هم ترجیح می‌دهیم یک راهنما در کنارمان باشد که به‌مان برنامه بدهد و تشویق‌مان کند و راه‌های میانبر را نشان‌مان دهد و... من نقش آموزش را این‌طوری می‌بینم. یعنی عده‌ای به واسطه نیاز دارند تا راه بیفتند و عده‌ای دلشان می‌خواهد خودشان برنامه‌ریزی کنند.

### چه‌قدر در روز برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی وقت می‌گذاری؟ و آیا وجود این شبکه‌ها را مانعی بر سر راه کتاب خواندن مردم می‌دانی یا خیر؟

خب... پاسخ دقیقی ندارم. بعضی روزها خیلی از وقتم را با چرخیدن در سایت‌ها و شبکه‌ها تلف می‌کنم و گاهی می‌توانم به این وسوسه غلبه کنم و کارهای مفیدتری انجام بدهم. به نظرم بدترین

اتفاق این است که ذهن‌ها به خواندن مطالب کوتاه، صریح، روشن و قطعی عادت می‌کنند. آدم‌ها یا تایید می‌خواهند یا تایید می‌کنند. مطلبی جذاب‌تر است که موضع‌گیری در قبالش آسان‌تر باشد، فهمش خیلی سفسر نسوزاند و کوتاه باشد. اگر اصلاً خواندن نخواهد مثلاً عکس باشد که چه به‌تر! به نظر من از دوران‌های خیلی خیلی قدیم ذهن بشر دنبال ساده کردن و انتزاعی کردن مفاهیم و کاربردی کردن آن‌ها بوده. استیکرها، مطالب کوتاه، عکس‌العمل‌های سریع و نمایش واکنش‌ها همه در جهت تبیل کردن ذهن و دور کردن ما از فکر کردن و عمیق شدن، هم‌دست شده‌اند. ادبیات و فلسفه می‌کوشند تا جواب‌های در دسترس و سریع را زیر سوال ببرند در حالی که این نوع چرخیدن‌های مداوم و برخورد‌های کوتاه با افکار و عقاید انگار دارد برمان می‌گردانند به دوره‌ی پیشامدرن. به دوره‌ای که اسطوره‌ها پاسخ قطعی و ساده می‌دادند به تمام سوال‌ها. همه چیز اعم از عقاید و هنر در دسته‌بندی روشن خوب و بد یا دوست دارم و دوست ندارم جا می‌گیرند و افق‌های دور، فکرهای مه‌گرفته در مقابل تصاویر شفاف و واضح رنگ می‌بازند.

### چقدر در روز کتاب می‌خوانی؟ و آخرین کتابی که خواندی چه بوده؟

کتاب خواندنم در روز مقدار ثابتی ندارد. گاهی خیلی کم، گاهی خیلی زیاد و باور نکردنی. آخرین چیزی که خواندم کتاب «ذرت سرخ» نوشته‌ی نویسنده‌ی چینی «مویان» بود که از انگلیسی ترجمه شده بود و پیش از آن «عشق تاپستانی» را خواندم، نوشته‌ی «جوئیس کارول آتس» و

## ما این جایم

### ادبیات داستانی ایران، محبوب و در پرده

این زندگی ریاکارانه، ادبیات زبان بریده نیز قادر به نمایش واقعیت‌ها نیست. زیر لب غر می‌زند و تلاش می‌کند تصویری بینابین ارائه دهد که باز هم ساختگی و به درد نخور از آب در می‌آید. برای قشر کتاب‌خوان جامعه‌ی ایران که در تماس با زندگی واقعی است این نوع ادبیات، غرغو و کم‌مایه به نظر می‌رسد و برای بقیه‌ی آدم‌های دنیا که خبری از زندگی دوگانه‌ی ما ندارند تصاویر کج و معوج‌اند، اما با نگاهی دقیق‌تر و روانکاوانه در پس هر لکنتی واقعیتهای عمیق نهفته است.

در کنار همه‌ی این مسائل، داستان نویسی دل‌مشغولی جدی عده‌ای است، اما همان عده نیز همواره با این سوال‌ها درگیرند که مخاطبان واقعی ما چه کسانی‌اند؟ چگونه بنویسم که صادقانه و قابل چاپ باشد؟ نکنند زبان فارسی عامل دیده نشدن ما در جوامع دیگر است؟ نکنند در مورد ایران توجه به مسائل سیاسی جذاب‌تر است تا ادبیات؟ اما همه‌ی ما نیاز داریم پیش از توجه به مخاطب جهانی و وطنی به پیدا کردن شیوه‌ای بیندیشیم که بدون عصبانیت، بدون ریاکاری، بدون نگرانی داستانی را تعریف کنیم، خیلی ساده فقط داستانی را... حتی داستانی کوچک، اما صادقانه تعریف کنیم. لازم است آرام آرام هر چند محبوب و سر به زیر، تمام رخ به سمت بیرون بچرخیم. ما به ارتباطی دو سویه نیاز داریم تا خودمان را پیدا کنیم. شما هم از آن سو حرکت کنید. ما این‌جاایم؛ از لابه‌لای پرده‌های متعدد و آینه‌های پراکنده با ما نگاه کنید. ما می‌کوشیم تا با آگاهی از وضعیت‌مان شفاف‌ترین صدا را به گوش‌تان برسانیم شما هم گوش‌ها را تیز کنید تا با حذف پارازیت‌های مزاحم، با عبور از لایبرنت ناخودآگاه متن، به ما برسید. ما این‌جاایم، نزدیک، اما دور.

تناقض‌گویی می‌شوند. بی‌دلیل نیست که کارور و فرم‌های کاروری در این یکی دو دهه در ایران با سلیقه‌ی خیلی‌ها جور بوده اما حرف زدن از درونیات و اظهار نظر و ابراز وجود، خطی مرزی است که مشکوک جلوه می‌کند.

در نمایش بیرونی نیز محدودیت زیاد است. اما لاقط می‌شود به نشان دادن آن‌چه که هست اکتفا کرد. می‌شود مثل کپارستمی هرگز به داخل خانه‌ها سرک نکشید تا بشود بیرون را به شکلی که هست نشان داد چون در نمایش درون ناچار باید درون را بیرونی کرد تا قابل نمایش شود و قابل نمایش شدن یعنی ارائه‌ی تصویر غیر واقعی. بحث این نوشتار به طور ساده سانسور و تأثیر آن بر ادبیات نیست بلکه تلاش می‌کنم تا شرح دهم ما تبدیل به آدم‌هایی شده‌ایم که نه کاملاً پشت به دنیا داریم و نه روی‌مان به مردم است. از گوشه‌ی چشم با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنیم و این شیوه‌ی ناقص، رابطه را سخت می‌کند. ما رابطه‌ای نیم‌بند با دنیا داریم، با بیرون از خودمان، بیرون از خانه‌مان و بیرون از کشورمان و این رابطه‌ی نیم‌بند باعث ایجاد تصاویر غلط از ما می‌شود.

یک قانون ننوشته هم وجود دارد؛ رسانه‌های کم مخاطب‌تر می‌توانند در نمایش بیرون و درون آدم‌ها آزادانه‌تر عمل کنند و کم‌تر به تناقض‌گویی بیافتند. اما رسانه‌ی پر مخاطبی مثل تلویزیون کاملاً منکر این تناقضات می‌شود؛ زن ایرانی با روسری به رخت‌خواب می‌رود، هرگز به شوهرش دست نمی‌زند، خانواده هنوز بی‌هیچ دعوی دور یک میز شام می‌خورند، به یکدیگر شب به خیر می‌گویند و تفاوت بین نسل‌ها به مشکلات پیش‌پا افتاده‌ای فرو کاسته می‌شود که خیلی هم سریع و راحت حل می‌شوند. در مقابل نمایش هر روزه‌ی

ادبیات داستانی ایران نه تنها در جهان بلکه در خود ایران هم وضعیتی دوپاره و مشکوک دارد. یعنی مسأله‌ی اصلی این نیست که چرا «دیگران» نسبت به ادبیات معاصر ایران غفلت ورزیده‌اند، بلکه مسأله این است که محصول ادبیات امروز ایران چه قدر قابل عرضه است؟ چه قدر آینه‌ی تمام‌نمای جامعه‌ی معاصر است و کژ و کوژی و ناموزونی اجتماعی چه‌گونه بر ناخودآگاه متون تأثیر داشته و این تأثیر، ارزش مطالعه و بررسی دارد یا به دلیل عدم شفافیت، همواره در حال ارائه‌ی تصاویر پر از قضاوت و ناخالص است؟

جایگاه نویسنده‌ی ایرانی جایگاهی عجیب و نامشخص است، به همین علت داستان‌هایی که تولید می‌کند از یک نوع بی‌قوارگی رنج می‌برند؛ نه کاملاً به رسمیت شناخته می‌شوند و نه کاملاً ممنوع‌اند، پس به نوعی خجالتی و محبوب و کج و کوله به دنیا می‌آیند، بر روی مرزی، که حق بودن یا نبودن آن‌ها را تعیین می‌کند. از داستان ایرانی در رسانه‌های رسمی حرفی زده نمی‌شود. بین عده‌ای معدود که خواننده و تولیدکننده و منتقد و روزنامه‌نگاران این جریان‌اند، دست به دست می‌شود و کتاب‌های اندکی از این حلقه به بیرون نفوذ می‌کنند و عموم مردم آن‌ها را می‌خوانند. این وضعیتی است که فیلم ایرانی هم باید دچارش می‌شد یا اصولاً هر نوع محصولی که به آدم ایرانی و زندگی ایرانی نگاه دقیق بیاندازد دچار چنین وضعیتی خواهد بود. اما فیلم‌ها گویی به دلیل این که ابزار بیان‌شان تصویر است با نمایش بیرونی آدم‌ها، کم‌تر در وضعیت دشوار و متناقض نمایش درون و بیرون افراد قرار می‌گیرند. می‌توان نتیجه گرفت که داستان‌هایی با زاویه‌ی دید نمایشی و بیرونی هم احتمالاً کم‌تر دچار

نام کتاب: هزارتوی تاریکی

نام نویسنده: مهدی جعفری

نام ناشر: نیماژ

تاریخ و نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶

تعداد صفحه: ۱۴۶ ص.

قیمت پشت جلد: ۱۲۰۰۰ تومان.



با گمانه‌زنی‌هایی درباره قاتل تمام می‌شود و اگر امیر را طراح اصلی نقشه‌ها بدانیم و گزارش‌های قتل را داستانی فرض کنیم که امیر حاتم خانی می‌خواهد برای خودش بنویسد نه به سفارش کسی دیگر، آن وقت می‌توانیم همان هزارتوی تاریکی ذهن امیر حاتم خانی را ببینیم که شیطان و شخصی که همه چیز را ثبت می‌کند و زنی که دیگران را فریب می‌دهد در آن نقش پررنگ‌تری داشته باشند. افسانه انتخاب هوشمندانه‌ای برای قاتل بودن است. زنی مریض که درگیر سرطان است و دورتر نشسته و نقشه می‌کشد و مرتکب قتل می‌شود. حتی خواننده نیز باور می‌کند که آن همه قساوت قلب در کشتن یکتا با اسید و یا از حدقه درآوردن چشم‌ها، می‌تواند از تن بیمار و ذهن خسته و انتقام جوی زنی نشأت بگیرد که مرگ را در نزدیکی خود می‌بیند و برای همین ترسی از مرگ ندارد. هزارتوی تاریکی، در پنج روز روایت می‌شود. از ناامیدی و ترس و فروپاشی می‌گوید و با امید دیدن نیما، در ذهن امیر تمام می‌شود. هزارتوی تاریکی، شیطان را به شیوه خودش باور می‌کند. انسان را در خسارتی مدام به تصویر می‌کشد و جایگاه رمان را همان‌طور که میشل بوتور گفته است، جایی دانسته که چگونگی آشکار شدن واقعیت را نشان می‌دهد.

گذاشته می‌شود. در میانه این دو پاره، پلیس‌هایی هم هستند که گویا از امیر اطلاعاتی گرفته‌اند و بعد از امیر در صحنه‌های قتل حاضر می‌شوند و در ظاهر هیچ شکی نیز به امیر ندارند. گویا امیر مهره سوخته و مطیعی است که تنها برای خودش خطر دارد. گزارش قتل‌ها و زندگی امیر پاره‌های اصلی رمان هستند. گزارش‌ها از قتل‌هایی که به وقوع پیوسته خبر می‌دهند و زندگی امیر از تقلای او برای نوشتن داستان و دیدن نیما، خواب‌ها و تصویر شیطانی که امیر او را به شکل جرمی برت باز یگر نقش شرلوک هلمز می‌بیند نیز قسمت‌های دیگری از پاره اصلی رمان است. امیر با تصویر شیطان و خواب‌هایی که می‌بیند، سعی دارد به خواننده نقش منفعل و درعین حال فعال خود را گوشزد کند. اگر امیر نبود، رمان شکل نمی‌گرفت؛ و اگر امیر و یکتا و مسعود با آن روزنامه و موسسه فرهنگی و انجمن، سرپوشی روی کارهایشان نمی‌گذاشتند، چیزی برای خیانت و حالا چیزی برای انتقام نبود؛ و اگر انتقام نبود گزارش قتل‌ی در کار نبود و اگر در این بین، امیر احساس خطر نمی‌کرد، دیگر روایتی شکل نمی‌گرفت. اگر شبکه درهم‌تنیده از قبل تا حالای زندگی امیر را قبول کنیم و او را مهره‌ای سوخته بدانیم که دست بر قضا، افسانه انتقام او را می‌گیرد، همه چیز

هزارتوی تاریکی، پیش و بیش از هر چیز، رمانی است در توصیف انحطاط. در وصف هر آنچه قدرت مقابله با زندگی را دارد. راوی رمان، امیر حاتم خانی است. مردی چهل‌ساله که زمانی نویسنده بوده است. حالا معتادی است به انزوا کشیده شده. نویسنده‌ای که همسرش مهسا و پسرش نیما را به‌نوعی از دست داده است. مهسا از او جدا شده و نیما پسرشان را نیز از امیر دور کرده است. خطر به‌مثابه دایره‌ای دورتادور امیر را احاطه کرده است. عشق و حرفه قدیمی حالا به طاعونی بدل شده است که یکی جان می‌گیرد و دیگری تبدیل به سراب شده است.

هزارتوی تاریکی روایت بیهودگی زندگی راوی است. کسی که پیام‌ها و ایمیل‌های تهدیدآمیزی دریافت می‌کند. شخصی آسوده در حوالی او به کمین نشسته و گزارش قتل‌های دیگرانی را که امیر آن‌ها را می‌شناسد در ایمیل‌هایش می‌دهد. شخص تهدیدکننده نوعی روان رنجوری آمیخته با کینه‌ای شدید دارد که گویا می‌خواهد مقابل مرگ بنشیند و لبخند بزند. می‌خواهد مقابل مرگ، میزان بی‌اعتنایی‌اش از مرگ دیگران و هرچه زجرآورتر کشتن دیگران را تجربه کند. رمان در یک نمای کلی از دو پاره تشکیل شده است. گزارش قتل‌ها و زندگی امیر که در بی‌حاصلی مکرری به نمایش



عارف محمدی،  
نویسنده سینمایی



## معصومیت انسان و برده‌داری مدرن!

**نام فیلم:** هفت زندانی 7prisoners  
**فیلمنامه:** تایننا مانتسو، الکساندر موراتو  
**بازیگران:** کریستین مالپروس، رودریگو سانتورو، برونو روشا...  
**ژانر:** درام اجتماعی  
**کارگردان:** الکساندر موراتو  
**توزیع کننده:** نتفلیکس

متیوس جوان هجده‌ساله‌ای است که همراه با شش جوان دیگر از شهرستانی کوچک سوار بر یک اتومبیل مینی ون به شهر بزرگ ساووپائولو در برزیل می‌روند تا در یک کارگاه اوراق آهن‌آلات مشغول به کار شوند و بتوانند خانواده‌های فقیر خود را از لحاظ اقتصادی حمایت کنند. اما از همان ابتدا با رفتارهای فاشیستی لوکا مدیر کارگاه متوجه می‌شوند که در دام یک باند خطرناک افتاده‌اند که راه فراری ندارند. متیوس که در اصل جسورتر و بی‌پروا تر و هشیارتر از بقیه هست سعی می‌کند که با مقاومت در برابر لوکا و متحد کردن دوستانش راه نجاتی پیدا کند و لوکا که متوجه نیت او و نفوذ او می‌شود سعی در تطمیع او دارد و پیشنهادی به او می‌کند که متیوس را در یک دوراهی قرار می‌دهد که اگر پیشنهاد را نپذیرد جان خانواده‌اش را به خطر خواهد انداخت. از اینجا داستان با اتفاقات پیش‌بینی‌نشده‌ای پیش می‌رود...

سیستم مافیایی و برده‌داری مدرن آن داغان و خرد شده‌اند. هفت جوان با دنیایی از امید و آرزو برای بهتر کردن شرایط معیشتی و اقتصادی خود و خانواده‌شان از روستاها و شهرهای کوچک اطراف به کلان‌شهری می‌آیند که نوید فرصت‌های طلایی برای کار و کسب درآمد می‌دهد اما کم‌کم این هفت تن درمی‌یابند که کارگاه در اصل یک زندان است و آنان جوانان معصومی هستند که قربانی یک سیستم برده‌داری مدرن و قاچاق انسان شده‌اند. حالا در این شرایط مثل همیشه آدم‌ها در جستجوی یک قهرمان و ناجی هستند که در این فیلم، قهرمان قصه متیوس هجده‌ساله

که با مرگ ناگهانی مادرش باید راهی برای ادامه زندگی فقیرانه خود پیدا کند و این در حالی است که کم‌کم با موضوع تمایلات همجنس‌گرایانه‌اش مواجه می‌شود و مشکلاتی که به همین خاطر پیش رو خواهد داشت. با مقایسه داستان فیلم سقراط و هفت زندانی به اشتراکات هر دو فیلم در ارتباط با علاقه‌مندی و دغدغه الکساندر موراتو کارگردان برزیلی به مسائل و معضلات حاشیه‌نشینان و طبقه فقیر برزیل در شهر بزرگی چون ساووپائولو پی می‌بریم. کارگاه اوراقی گویی نمادی از دنیای ماشینی و پیشرفته‌ای است که کارگران آن زیر فشار

هفت زندانی را ابتدا در فستیوال تورنتو در سپتامبر ۲۰۲۱ تماشا کردم و به‌عنوان یکی از فیلم‌های مستقل قابل‌توجه در گزارش ویژه‌ای که نوشتم به آن اشاره کردم. حالا فیلم از شبکه نتفلیکس در دسترس عموم قرار گرفته و فرصت خوبی است که نگاهی کوتاه به این فیلم داشته باشیم.

الکساندر موراتو را سینما دوستان با فیلم بلند اول او سقراط (۲۰۱۸) می‌شناسند. بازیگر و شخصیت اصلی فیلم، همانند فیلم هفت زندانی کریستین مالپروس است که در نقش نوجوانی حاشیه‌نشین در شهر ساووپائولو برزیل ظاهر شده



ضعفها فیلم هفت زندانی را به اثری قابل توجه در بین فیلم‌های مستقل سال ۲۰۲۱ مبدل کرده است.

فیلم را رامین بحرانی کارگردان ایرانی تبار مقیم آمریکا تهیه کرده است که در هفته گذشته فیلم ببر سفید به کارگردانی خود او را در صفحه سینمای هفته معرفی کردم.

### در باره کارگردان

الکساندر موراتو فیلمساز برزیلی- آمریکایی متولد ۱۹۸۸ در برزیل می‌باشد. او فیلمسازی را در مدرسه هنری یو ان سی به پایان برد. تز پایان‌نامه تحصیلی او برنده جایزه بهترین دانشجوی کارگردانی لاتین شد و به او این فرصت داده شد تا به‌عنوان دستیار رامین بحرانی تجربه کسب کند. او پس از ساخت چند فیلم کوتاه و مستند با اولین فیلم بلند داستانی‌اش سقراط در فستیوال‌های جهانی خوش درخشید و جوایز معتبری نیز برای او به ارمغان آورد و راه را برای ساخت دومین فیلم او هفت زندانی آماده کرد. این فیلم اگرچه همچون سقراط مورد توجه منتقدان قرار نگرفت اما در فستیوال‌های بین‌المللی متعددی حضور پیدا کرد و موفق شد جوایزی چون بهترین فیلم خارجی از جشنواره ونیز را کسب کند.

است. او یک‌بار با متحد کردن دوستانش و طراحی یک نقشه گروه را تا آستانه فرار از این زندان قرار می‌دهد اما به بن‌بست می‌خورند و از اینجا به بعد شرایط برایشان بغرنج‌تر می‌شود. کار شاق و طاقت‌فرسا در کارگاه اوراقی با مدیریت لوکا و همدستان مافیایی او بدون هیچ دستمزدی و در اصل بیگاری به سبک اردوگاه‌های کار استالین در دوران کمونیستی در شوروی سابق. فیلم موضوع قابل تعمقی را دست‌مایه کار قرار داده اما در برخی سکانس‌ها با نزدیک شدن به فیلم‌های اکشن‌وار اندکی از منطق روایی قصه‌ای در سبک واقع‌گرایانه‌ای از این دست فاصله می‌گیرد. متیوس با خیانتی که به دوستانش برای نجات خود و خانواده‌اش می‌کند رفته‌رفته به برده کوچک لوکا و سیستم مافیایی آن‌ها تبدیل می‌شود و سرنوشت دوستانش دیگر برای او اهمیتی ندارد و این همان قرار گرفتن انسان در شرایط است و یا به عبارتی رابطه انسان و قدرت و دگرذیسی او در این چرخه.

در مجموع باید گفت که فیلمنامه با یک ایده خوب روبرو بوده که در گسترش داستان و شخصیت‌های فرعی موفق عمل نکرده و حتی نوع ارتباط متیوس با لوکا که در آخر نیز بسیار به هم نزدیک می‌شوند نیز با ضعف‌هایی در پرداخت منطقی این رابطه مواجه شده اما فارغ از برخی



احسان ظهیر آبادی



## رستاخیز

از لای در آرام سرک کشید  
روح سرگردان .

در تاریک-روشنای زرد آباژور  
زن، نیم برهنه بر تخت یله بود  
و در مهی از دود سیگار غوطه ور.  
روح منتظر شد  
آنقدر تازن لبخندی بر لب کشید.  
بعد با خیال راحت برگشت به گورش  
تا ادامه ی زن را خواب ببیند.

## جمشید

هرصبح  
زودتر از «خودم» برمی خیزم،  
می زنم به خیابان.  
«خودم» که بیدار می شود  
لباس می پوشد می رود دنبال زندگی ش.  
رفتنت مرا دو نیم کرده.

عبدالرحمن پژواک

## دُرّ دَری برگرفته از «همدلی و همزبانی» از بهروز جباری



عبدالرحمن پژواک

### درباره عبدالرحمن پژواک

عبدالرحمن پژواک در سال ۱۹۱۹ در شهر باستانی غزنه متولد شد و در سال ۱۹۹۵ میلادی در عالم دوری از زادگاهش در پشاور شهر مهاجران افغان دیده از جهان فرو بست. او از خانواده‌ای اصیل و از شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی ممتاز افغانستان بود که سال‌ها نمایندگی افغانستان را در سازمان ملل داشت. شرح فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی او بسیار مفصل است ولی چون هدف این کتاب جنبه شاعری اوست از ذکر و شرح فعالیت‌های سیاسی او صرف‌نظر می‌گردد.

اشعار او توسط اعضای خانواده‌اش به‌خصوص پوهاند فضل ربی پژواک، استاد عتیق‌الله پژواک و دکتر نعمت‌الله پژواک جمع‌آوری شد. او تخلص‌های مختلف داشت و سرانجام لغت پژواک را برگزید که نام فامیلی او و برادران و برادرزادگانش نیز قرار گرفت.

اشعار پژواک، به سبک خراسانی است که گاهی مایه‌هایی از سبک هندی در آن دیده می‌شود. در اشعارش مدح دیده نمی‌شود. پژواک به زبان دری و پشتو هر دو مسلط بود. از او آثار ارزشمند در زمینه‌های اجتماعی و ادبی به زبان‌های دری و پشتو و انگلیسی چاپ گردیده است.

### خاطرات من

در خشک برگ‌های کشن بیشه حیات  
برگی ز نامه‌ای ست  
این برگ تازه از ره دوری رسیده است  
از صد فضا گذشته و از ابرها بر آن  
صدها گهر ز قطره شب‌نم چکیده است  
گلبرگ تازه‌ای ست  
با مشک دمی نبشته بر آن دست مه‌وشی  
پیغام دلکشی  
از عشق و آرزوی من و از وفای خویش  
از لرزه‌های پیکر و از رعشه‌های لب  
از بوسه‌ی نخست من و یادهای خویش  
افسانه خوشی

زان لحظه‌ی نخست که اندر برم فتاد  
خندان و مست و شاد  
زان دم که دادمش دل و بوسیدمش عذار  
در بر گرفتمش به تمنای بوسه‌ای  
شد شعله‌ور ز گرمی شوقش مرا کنار  
لب بر لبم نهاد  
در خشک برگ‌های کشن خاطرات من  
در دفتر زمان  
زان بوسه‌ی نخست مرا یاد می‌دهد  
کو هم نکرده است فراموشش از وفا  
یادم ز عشق آن زن آزاد می‌دهد  
این برگ جاودان








**ZAGROS**  
AMEUBLEMENT inc

## مبلمان زاگرس

انواع مبلمان ، میز غذاخوری  
فرش های دستباف و ماشینی  
لوازم برقی و کولر  
سرویس خواب



We Design Your Home **More Beautiful**

(514) 559 6020   
6476 Jean Talon E   
info@zagrosmtl.ca 





وکیل رسمی دادگستری کبک  
Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



نیوشا ریاحی  
WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما  
در مرکز شهر مونترال

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

امیر ندیمی

Amir Nadimi  
مشاور بیمه  
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های  
متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial Insurance  
Dwelling Insurance (Buildings, home, condo, apt)  
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc.



514 - 600 - 2338

www.AmirNadimi.com

@AssurancesNadimi

1955 Ch. de la Côte-de-Liesse,  
suite 201

Saint-Laurent, QC, H4N 3A8

EXPERTFX

Bureau de Change  
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6

info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492



حمید شورکایی

(OTTIAQ)

مترجم رسمی

عضو رسمی کانون مترجمان کبک

- مترجم رسمی دادگستری مونترال
- ترجمه رسمی تمامی اسناد و مدارک در اسرع وقت
- تایید ترجمه های انجام گرفته در ایران

Cell: (438)8764822

bikasshourkaei@gmail.com

7400, Rue Sherbrooke Ouest, # 1102, Montréal, QC H4B1R8



# گزارش و گفتوگو





## ماجرای ۲۱ آذر و صف آرای چهار گروه برابر هم نگاهی به فراز و فرود نخستین حکومت شورایی در ایران

رسمیت شناخت. با توجه به اینکه نخستین انقلاب کمونیستی که با شعارهای عدالت‌خواهانه در این کشور انجام شده بود، در تعداد زیادی از کشورهای جهان علاقمندانی پیدا کرد و احزاب متعددی نیز با الگوبرداری از کمونیست‌های روسیه در سرتاسر جهان تاسیس شد که موسسان آن می‌خواستند علاوه بر مبارزه طبقاتی و از بین بردن طبقات اقتصادی، گامی در راستای حقوق زنان و اقلیت‌ها و اقوام و طبقات سرکوب شده بردارند. در ایران نیز با همین الگو احزابی تاسیس شد که گرایش‌های سوسیالیستی داشتند و عمدتاً نگاه آنها به روسیه (به ویژه در دوره حیات لنین) به مثابه یک پدر بود؛ احزابی نظیر حزب سوسیال دموکرات به رهبری حیدرخان عمواغلی یا حزب متحد سوسیالیست نخستین احزابی بودند که با همین گرایش در ایران تاسیس شدند که عمدتاً در دوره قاجار فعالیت داشتند و در دوران پهلوی نیز فعالیت می‌کردند.

آنها انتظار داشتند با اتکا به مرام اشتراکی یا کمونیسم، با پشتیبانی تئوریک عدالت‌گرایانه و البته حمایت روسیه بتوانند به نفع طبقات پایین دست قوانینی تصویب کنند و بر همین مبنا فعالیت خود را در شهرهای مختلف ایران پیش می‌بردند. با توجه به هم‌مرز بودن استان‌هایی همچون گیلان و مازندران و آذربایجان شرقی و غربی با روسیه، احزاب کمونیست در ایران در

سابقه نداشت؛ با آنکه برای رهبر نخستین و بزرگترین انقلاب کمونیستی جهان، لهستان نقش پلی را داشت که از طریق آن می‌شد ایده «اینترناسیونال» را دست‌کم در اروپا پیش ببرد و انقلاب را به سراسر آن منطقه بسط دهد، اما در آن قرارداد مناطق مورد مناقشه میان لهستان و شوروی تقسیم شد و لهستان مستقل شد و حتی ۲۰۰ کیلومتر فراتر از آن چیزی که پیشتر بر اساس «خط کرزن» مشخص شده بود را به دست آورد. این اتفاق که بعد از جنگ جهانی اول رخ داده بود، اگرچه بعد از درگیری‌های گسترده شوروی و اوکراین و لهستان بود، اما در ایجاد یک جایگاه حامیانه و کاریزماتیک برای شوروی نقش بسیار مهمی داشت و حتی در ایران نیز شاعران ملی‌گرا و گاه مذهبی به خاطر چنین تصمیماتی، لنین را ستوده‌اند یا از انقلاب روسیه حمایت کردند. زمانی نیما یوشیج در وصف انقلاب روسیه چنین سرود: «خشک آمد کشتگاه من در کنار کشت همسایه» که اشاره او به این موضوع بود که در روسیه (همسایه) انقلاب مدرن شده اما در ایران همچنان استبداد حکمرانی می‌کند. همچنین عارف قزوینی شاعر مذهبی ایران، لنین را «فرشته رحمت» خوانده است.

روسیه بعد از انقلاب علیه تزار از بسیاری از مستعمرات خود دست کشید و استقلال مناطق زیادی را به

«من به این سادگی‌ها دست‌بردار نیستم، خیلی زود حساب این مرتجعان مارک‌دار را خواهیم رسید. من از پنجره بیرون رفتم ولی از در وارد خواهم شد.» سیدجعفر پیشه‌وری ۲۳ تیرماه ۱۳۲۳ بعد از رد اعتبارنامه‌اش در مجلس.

روز ۲۱ آذرماه روزی نادر و البته جنجالی در تاریخ است که هر ساله صحنه صف‌آرایی ۴ گروه در ایران است: سلطنت‌طلبان حامی محمدرضا شاه پهلوی، ترک‌های خواستار جدایی آذربایجان، کمونیست‌های حامی سیدجعفر پیشه‌وری و در نهایت حامیان هویت ایرانی. این چهار گروه هر سال در روز ۲۱ آذر که فرقه دموکرات از ارتش پهلوی شکست خورد، دست‌کم چهار روایت متفاوت از ماجرا دارند که بیان هر ساله آن تقریباً تبدیل به یک «آئین» شده و با این حساب بعید است تا سال‌های دیگر تغییری در آن ایجاد شود. مجله هفته در این شماره به همین موضوع پرداخته تا نشان دهد که سیدجعفر پیشه‌وری این کمونیست دواآتشه ایرانی در تاریخ ایران چه نقشی داشته است.

### نقش روسیه کمونیستی در جهان پس از انقلاب ۱۹۱۷

وقتی در ۱۸ مارس ۱۹۲۱ ولادیمیر لنین رهبر شوروی معاهده «صلح ریگا» را امضا می‌کرد، برای نخستین بار اتفاقی در تاریخ رخ داد که تا پیش از این

این نقاط نمود بیشتری داشتند و مثلاً جنبش جنگل در گیلان که در سال ۱۲۹۳ یعنی ۳ سال قبل از انقلاب روسیه (۱۲۹۶) رخ داده بود، با وقوع انقلاب روسیه از سویه‌های مذهبی به سمت سوسیالیسم و کمونیسم گرایش پیدا کرد. تمام این احزاب با تمرکز بر اقوام و اقلیت‌های تحت ستم فعالیت می‌کردند و حمایت‌نشین به عنوان رهبر فکری و استالین به عنوان رهبر اجرایی را نیز در پشت خود داشتند.

### آغاز فعالیت سیدجعفر پیشه‌وری

تقریباً همزمان با درگذشت‌نشین رضا شاه در ایران به پادشاهی رسیده بود و احزاب و چهره‌های کمونیست ایران مستقیماً با استالین ارتباط داشتند. یکی از این چهره‌ها سیدجعفر پیشه‌وری از اهالی روستای زاویه سادات یا «سیدلر زیوه‌سی» بود که از کمونیست‌های شناخته شده ایران به شمار می‌رفت که بر پایه همان نگاه کاریماتیک چپ‌گرایان ایران، او نیز نگاه ویژه‌ای به روسیه داشت و معتقد بود تنها راه رهایی اقوام از سرکوب تاریخی، دیدگاه‌های کمونیستی است و بر همین مبنا ابتدا به لنین و سپس به استالین نزدیک شد. زندگی سخت او و اختلافات خانوادگی‌اش بر سر ارثی که ظاهراً هیچگاه به او نرسید، باعث شد به آذربایجان شوروی کوچ کند و در همانجا تحصیلات خود را ادامه داد و مدتی هم رئیس بیمارستان باکو شد. خواهرش صغری خانم در خاطرات خود از دوران جوانی پیشه‌وری نوشته که زندگی او بر اساس مرام اشتراکی بوده است: «او پول‌هایی که از معلمی درآورده بود جمع کرده و در خیردالان دو اتاق کرایه کرده و بوسیله اعلانی که به دیوارها چسباندن شده بچه‌های بی‌بضاعت کارگران ایرانی را در آن دو اتاق جمع کرده و به صورت رایگان به آنان درس می‌داد او به مدت سه سال به این کار ادامه داد.»

پیشه‌وری سوابق زیادی در فعالیت‌های سیاسی و حزبی داشت؛ از جمله عضویت در کمیته مرکزی حزب عدالت در باکو، از مؤسسان حزب کمونیست ایران در نخستین کنگره آن و دبیر مسئول تشکیلات این حزب در تهران و کمیسر امور داخله جمهوری شورائی گیلان.

پیشه‌وری با همین سابقه سیاسی و با حمایت روسیه، فعالیت خود را آغاز کرد و ابتدا در نشریه «آچیق سوز» (حرف بی‌پرده)، ارگان حزب مساوات فعالیت کرد و سپس برای روزنامه «آذربایجان جزء لاینفک ایران» مقاله می‌نوشت که ارگان حزب دموکرات شاخه باکو بود. پس از انحلال این حزب، پیشه‌وری به حزب عدالت پیوست که اعضای ایرانیان مهاجری بود که در آن سامان زندگی می‌کردند. هسته اولیه حزب



سیدجعفر پیشه‌وری

کمونیست‌ها آزاد بود اما مدتی بعد قانونی توسط علی اکبر خان داور آماده شد که با لابی حسین دادگر رئیس وقت مجلس شورای ملی تصویب شد که بر پایه آن هر گونه فعالیت مرام اشتراکی ممنوع می‌شد؛ با تصویب این قانون بسیاری از کسانی که از حمایت روسیه برخوردار بودند و در احزاب کمونیستی عضو بودند، به زندان رفتند. سیدجعفر پیشه‌وری یکی از همین افراد بود که سال ۱۳۰۹ دستگیر شد و در اواخر ۱۳۱۸ محاکمه و به اتهام «قبول فرقه اشتراکی و تبلیغ آن» به «۱۰ سال حبس مجرد و ۱۰ سال حبس تأدیبی» محکوم شد اما با آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۴۱) و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه، حکم پیشه‌وری و دیگر کمونیست‌ها لغو شد و با گشایش نسبی فضای سیاسی دوباره وارد عرصه فعالیت شد.

### ایجاد فرقه دموکرات آذربایجان

از سال ۱۳۲۰ تمام احزاب چپ‌گرای ایران در حزب توده تجمیع شدند و با هماهنگی حزب کمونیست شوروی در ایران فعالیت می‌کردند. پیشه‌وری نیز از مؤسسان این حزب بود که با حمایت آنها نیز کاندیدای ورود به مجلس چهاردهم بود که نتوانست به مجلس راه یابد. در ۲۳ تیر ماه ۱۳۲۳ جلسه بررسی اعتبارنامه پیشه‌وری تشکیل شد و نمایندگان به رهبری شریعت‌زاده با اعتبارنامه پیشه‌وری مخالفت کردند. نکته مهم این بود که برخی اعضای حزب توده نیز مخالف تصویب اعتبارنامه پیشه‌وری بودند. به این ترتیب یک ماه بعد در مرداد ماه ۱۳۲۳ در پی اختلافات پیشه‌وری با چهره‌های مهم آن همچون اردشیر اوانسیان، بر سر نوشتن یک مقاله انتقادی به مناسبت مرگ رضاشاه، اعتبارنامه حزبی او لغو هم شد و جلوی حضور پیشه‌وری به عنوان نماینده منتخب حزب در نخستین کنگره حزب توده ایران در مرداد ۱۳۲۳ را هم گرفتند. جرعه‌های تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان از همینجا زده شد و یکسال بعد یعنی در ۱۰ مهر ۱۳۲۴ با شرکت ۲۴۷ نفر از شهرهای مختلف آذربایجان، حزبی تشکیل شد که ویژگی‌های منحصر به فردی در تاریخ ایران داشت؛ اول اینکه کاملاً بومی بود و اعضای آن همه ترک بودند؛ دوم آنکه پیشه‌وری در راس آن قرار داشت و سوم اینکه به واسطه نزدیکی جغرافیایی خاص به شوروی، حمایت مستقیم استالین را نیز به همراه داشت.

این اتفاق یکی از نکات عجیب حزبی در تاریخ جهان به شمار می‌رفت؛ چه آنکه از سال ۱۳۲۴ به بعد دو حزب بزرگ مارکسیست لنینیست در ایران وجود

عدالت گروه‌های کوچکی از کارگرانی بودند که افراد شاخصی، چون «اسدالله غفارزاده»، «بهرام آقایوف» و «احمد امیروف» رهبری آن را در بعضی تظاهرات و اعتراضات به عهده داشتند. بسیاری از اعضای حزب در واقع همان دهقانان فراری و فقیری بودند که از نواحی مختلف آذربایجان به آنجا کوچیده بودند.

در خاطرات پیشه‌وری در توضیح ورود به حزب عدالت چنین آمده است: «حزب عدالت مترقی‌ترین تشکیلات سیاسی ایرانیان مرا با آغوش باز پذیرفت و دستور داد روزنامه حریت را تأسیس و اداره نمایم.» در واقع پیشه‌وری با نویسندگی به احزاب کمونیستی پیوست. بعد از عقب‌نشینی نیروهای انگلیس به طرف قزوین، زمینه مساعدی برای پیشرفت فعالیت‌های حزب عدالت فراهم شد. در آن زمان اعضای حزب عدالت ایران در ۱۹۲۰ به دو شاخه تقسیم می‌شدند؛ گروهی تابعیت شوروی را پذیرفتند و فعالیت‌های خود را در همانجا ادامه دادند و گروه دوم که هنوز تابعیت دولت ایران را داشتند، به تدریج وارد ایران شدند. او در این دوران به حزب جنگل پیوست اما در خاطراتش می‌نویسد در جریان جنبش جنگل به دلیل لهجه ترکی و گرایش‌های سیاسی‌اش، توسط جناح محافظه‌کار در منگنه قرار گرفته است. در واقع نخستین جرعه‌های سرکوب اقوام و اقلیت‌ها زمانی در پیشه‌وری پدیدار می‌شود که او با جناح مذهبی جنبش جنگل برخورد می‌کند، با این حال این اتفاق نمود عینی و انضمامی در او نداشت و فعالیت پیشه‌وری همچنان بر پایه رویه قدیمی در پیش گرفته می‌شود.

اگرچه در ابتدای حکومت رضاشاه فعالیت



طبیعی بود شریک تجاری آذربایجان باشد، وجود یک حس هشیاری و خودآگاهی ملی قوی میان جمعیت آذری، در شرایطی که بسیاری از دیگر اقلیت‌ها همچون عربها، بلوچها و ترکمنها در دنیایی منحصر به افقهای ایلی و عشایری‌شان زندگی می‌کردند؛ حضور روشنفکرانی ترک‌زبان که پیش از توسعه و فراگیری نظام آموزشی ایران، در باکو و استانبول تحصیل کرده بودند، نارضایتی «مهاجرین»، گروهی از شهروندان ایرانی که سه سال پیشترش از اتحاد جماهیر شوروی به وطنشان برگشته بودند اما نتوانسته بودند کار پیدا کنند و خودشان را با محیط تازه‌شان وفق بدهند، ترویج ادبیات آذری از سوی روسها در آذربایجان شوروی که کمونیست و همسایه آذربایجان ایران بود و فعالیت‌های تبلیغاتی سربازان شوروی که بسیاری‌شان ترک‌زبان بودند.»

آنچنانکه از بیانیه‌های فرقه دموکرات در آغاز تاسیس برمی‌آید، آنها قصد تجزیه نداشتند و بیشتر به دنبال حکومت شورایی و نوعی خودمختاری زیر پرچم ایران بودند تا به زعم خود با حمایت شوروی بتوانند کمکی برای اقوام تحت ستم در آذربایجان باشند. در بیانیه نخست آنها مشخصا تاکید شده که قصد ندارند خللی در مرزهای ایران ایجاد کنند: «نظر به علقه و روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که ملت آذربایجان با مردمان سایر ایالات و ولایات ایران دارد و نظر به فداکاری‌های بی‌شماری که آذربایجانیان در تأسیس و ایجاد ایران کنونی به خرج داده‌اند، بنابراین برای حفظ استقلال و تمامیت آن به هیچ‌وجه حاضر نیستند تقاضای مشروع خود را روی اساس تجزیه آن قرار داده به مرزهای آن خلل وارد سازند. ملت آذربایجان مانند ساکنین تمام نقاط ایران در اداره امور اجتماعی و حکومت مرکزی با فرستادن نمایندگان خود به مجلس شورای ملی و ادای مالیات عادلانه شرکت خواهد نمود.»

### آغاز درگیری مسلحانه ارتش ایران و فرقه دموکرات

وقتی حکومت ایران با درخواست‌های فرقه دموکرات موافقت نکرد، اتفاقات شکل دیگری به خود گرفت و مذاکرات با دولت مرکزی که تا آن لحظه به صورت اعلامیه بود، از اواخر مهر به صورت قیام در شهرهای سراب و اردبیل و مشکین شهر بود و از تاریخ ۴ آبان ۱۳۲۴ به بعد به صورت درگیری مسلحانه ادامه یافت که طی آن فرقه دموکرات به پایگاه‌های نظامی حمله کرد و ابتدا شهر میانه توسط آنها تصرف شد و در تاریخ ۳۰ آبان پادگان تبریز نیز تسلیم شد که پس از آن فرقه، کنگره ملی آذربایجان را برگزار کرد که طی

از پیشه‌وری تاکید شده که بر تحلیل مارکسیستی آن را جنبش دهقانی می‌نامند؛ جنبش‌هایی که از حاشیه‌ها توسط دهقانان آغاز می‌شود و به محاصره و تصرف شهرها می‌انجامد. اگرچه تمام اینها درباره فرقه دموکرات واقعیت داشت اما حقیقت دیگر آن است که بدون نقش کشور خارجی (روسیه) چنین جنبشی در ایران رخ نمی‌داد و این همان نقطه اختلاف پان‌ایرانیست‌ها با کمونیست‌ها در تحلیل این ماجراست؛ چه آنکه از منظر چپ‌گرایان، کمونیسم مرز نمی‌شناسد و بر پایه ایده اینترناسیونال، طبقات تحت ستم می‌توانند از کشور کمونیست دیگر کمک بگیرند تا انقلاب جهانی را پیش ببرند. طبیعتا این تحلیل مورد قبول بخش اول نیست؛ چه اینکه آنها معتقدند ایران در طول تاریخ هویت مستقل داشته و پادشاهان ایران نیز همواره از همین مرزها حراست کرده و گاه آن را بزرگتر کرده‌اند اما فرقه دموکرات نخستین ایرانیانی بودند که برای کوچک کردن این مرز گام برداشتند. افرادی مثل احمد کسروی که علاقه وافری به ایران باستان داشتند، همان زمان مقالاتی در نقد فرقه دموکرات نوشتند: «اگر سایر اقلیت‌های زبانی بخصوص ارمنی‌ها، آسوریان، اعراب، گیلانی‌ها و مازندرانی‌ها نیز تقاضاهای مشابهی مطرح کنند، از ایران چیزی باقی نخواهد ماند.»

در مجلس نیز واکنش‌هایی ایجاد شد؛ یک دسته نمایندگان که می‌گفتند ایران از یک ملت تشکیل شده نه از ملت‌های جداگانه زیرا مردم ایران دارای تاریخ، فرهنگ، دین و منشا نژادی یکسان هستند. بعضی نیز سوئیس را مثال زدند که دارای ۴ زبان رسمی است تا نشان دهند که زبان به خودی خود و لزوما هویت ملی جداگانه‌ای پدید نمی‌آورد. دسته دیگر فراکسیون اتحاد ملت مجلس بود که نگران درخواست مشابه مناطق دیگر بود. اما دسته مهمتر نمایندگان بودند که ایده برخورد مسلحانه را در پیش گرفتند. در این دوران احمد حکیمی نخست وزیر ایران بود و بالاخره با مجلس به این توافق رسیدند که از هر راهی که می‌توانند جلوی اقدامات پیشه‌وری و فرقه دموکرات آذربایجان را بگیرند. با این حال سیاست‌ها او تأثیری نداشت و پس از او محسن صدرالاشرف نخست وزیر شد اما کار جمع نشد و عاقبت با نخست وزیر احمد قوام السلطنه بحران خاتمه یافت.

یرواند ابراهامیان دلایل قدرت‌گیری فرقه دموکرات را این موارد ذکر می‌کند: «بی‌اعتنایی رضاشاه به آذربایجان، به عکس حمایتش از صنعت در تهران، اصفهان، مازندران و گیلان، بی‌میلی‌اش به تجارت و بازرگانی با اتحاد جماهیر شوروی، کشوری که

داشتند که هر دو حامی حزب کمونیست شوروی بودند و هر دو خود را حزب اصلی می‌خواندند؛ هم حزب توده و هم فرقه دموکرات آذربایجان.

فرقه دموکرات در حقیقت شاخه محلی حزب توده بود که خود پیشه‌وری آن را سامان داده بود و در سرتاسر آذربایجان گسترده بود و اکنون چالشی بزرگ برای حکومت مرکزی شده بود که اتفاقا بعد از اشغال ایران به شدت ضعیف شده بود و از سوی دیگر جوانی و تازه‌کاری شاه جدید نیز به دیگران اجازه می‌داد فعالیت‌های خود را بی‌پروا تر از گذشته در پیش بگیرند و به این ترتیب شکاف‌هایی که تا کنون به خاطر سرکوب سخت رضا شاه کمتر دیده می‌شد، ناگهان خود را نشان داد. در آذربایجان نیز فرقه دموکرات در پی اختیاراتی بودند که قدرت حکومت مرکزی را محدود می‌کرد؛ از جمله اینکه آنها خواستار اختیارات گسترده‌تر محلی از لحاظ اداری، تدریس زبان ترکی آذربایجانی در مدارس در کنار زبان فارسی و اصلاحات ارضی و اقتصادی مورد نظر خودشان بودند و با همین ایده و با حمایت استالین در مرداد ماه اداره‌های دولتی در شهر تبریز فتح و مانیفست خود را منتشر کردند.

یرواند ابراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب چنین می‌نویسد: «از اواسط شهریور ماه، پیشه‌وری که مجلس اعتبارنامه‌اش را رد کرده بود، به تبریز بازگشت و همراه با یارانش از اعضای حزب کمونیست قدیم و بازماندگان قیام ۱۳۹۸ و ۱۲۹۹ خیابانی، تشکیل سازمان جدیدی به نام فرقه دموکرات آذربایجان را اعلام کرد. رهبران حزب که عمدا نام تشکیلاتی خیابانی را اقتباس کرده بودند، اظهار داشتند که مایلند جزو ایران باشند، اما خواستار سه تجدیدنظر عمده برای آذربایجان شدند که عبارت بود از: استفاده از زبان آذری در مدارس و ادارات دولتی، تخصیص عواید مالیاتی به توسعه و عمران منطقه و تشکیل مجالس ایالتی مندرج در قانون اساسی.»

در گزارش کنسول آمریکا چنین آمده است: «جنبش‌های جدایی طلب در تبریز و کردستان احتمالا بدون حمایت شوروی از میان خواهند رفت اما همین جنبش‌ها از حمایت چشمگیر مردمی و دهقانان برخوردارند و بیانگر نارضایتی واقعی از حکومت مرکزی‌اند.»

در گزارش کنسول انگلستان نیز به حمایت کارگران و دهقانان و استان آذربایجان از فرقه دموکرات اشاره شده و نوشته شده که «آنها مهاجران را با کارگران یکپارچه کرده‌اند اما خود دهقانان از روی اراده اقدام کرده‌اند.»

در هر دو گزارش به نقش کلیدی دهقانان در حمایت

آن پیشه‌وری نخست وزیر، جاوید وزیر داخله، کاویان وزیر ارتش خلق، بی‌ریا وزیر فرهنگ، ربیع کبیری وزیر راه، غلامرضا الهامی وزیر دارایی، یوسف عظیمی وزیر دادگستری، دکتر اورنگی وزیر بهداشت و علی شمس به عنوان وزیر تجارت انتخاب شدند.

روز ۲۷ آبانماه ۱۳۲۴ لشکر زرهی ایران به سمت آذربایجان حرکت کرد، اما توسط نیروهای ارتش شوروی متوقف شدند و از این پس پای شوروی نیز مستقیماً به میان آمد.

برخی تاریخ‌نگاران همچون عباس میلانی معتقدند روسیه به دنبال دستیابی به منابع نفتی ایران بوده و مسائل عدالتخواهانه نقشی در حمایت روسیه از فرقه دموکرات نداشته است. او می‌نویسد: «در ژوئن ۱۹۴۳ (خرداد ۱۳۲۲)، شوروی بدون اطلاع دولت ایران و شاه، یک تیم توپوگرافی نفت به ایران گسیل کرد. آن‌ها در لباس مهندسان ارتش به گیلان و مازندران سفر کردند و تنها مأموریت‌شان، ارزیابی چند و چون ذخائر گاز و نفت شمال ایران بود. حزب کمونیست آذربایجان شوروی موظف شده بود، همه اقدام‌های لازم برای ایجاد جنبشی جدایی‌طلبی در آذربایجان و دیگر استان‌های شمالی ایران اتخاذ کند. استالین حتی شمار نشریات فرقه دموکرات را تعیین می‌کرد. سیاست‌های فرقه دموکرات هم به دقت تعیین شده بود و مبلغ یک میلیون روبل برای این کار بودجه تعیین شده بود.»

طبیعی بود حزب توده نیز باید نسبت به چنین اتفاقی موضع‌گیری می‌کرد. خلیل ملکی نوشته «به محض شنیدن خبر تأسیس فرقه دموکرات و پیوستن شاخه محلی حزب توده به آن، جلسه اضطراری سران حزب تشکیل شد و حس من این بود که این اتفاقات حیات کل جنبش سوسیالیستی ایران را تهدید می‌کند.» ملکی پیشنهاد مقابله با فرقه و به رسمیت نشناختن آن را مطرح می‌کند. آبراهامیان می‌نویسد «پیش از فردای آن روز که بیانیه بتواند به منزله سیاست رسمی حزب منتشر شود، سفارت شوروی در تهران با این استدلال که بیانیه‌ی مخالفت به اتحاد و یکپارچگی جنبش سوسیالیستی جهانی ضربه خواهد زد، دخالت کرد و بیانیه به اکراه کنار گذاشته شد و نتیجه این شد که حزب توده به فرقه دموکرات تبریک گفت.»

### اقدامات فرقه دموکرات در دوره پیشه‌وری

پس از حمایت رسمی حزب توده، فرقه دموکرات هم پشتیبانی حزب مادر را با خود داشت و هم حمایت نظامی شوروی را. به همین دلیل پیشه‌وری همراه با تقویت بنیه نظامی آذربایجان، اصلاحات خود را نیز آغاز کرد. البته او مشکلاتی هم پیش روی داشت؛ مثل روحانیون، کمونیست‌ها را اهل کفر می‌دانستند.

در سوی دیگر مردم آذربایجان احساسات مذهبی داشتند و در این فضا برخی از مردم از پذیرفتن زمین‌های تقسیمی توسط فرقه با عنوان مال حرام امتناع می‌کردند و در حال گرسنگی از گرفتن گندم‌هایی که توسط فرقه تقسیم می‌شد، از ترس عذاب روز قیامت خودداری می‌کردند.

در این دوره تدریس زبان ترکی به عنوان زبان رسمی در مدارس شروع شد. غلامحسین ساعدی نویسنده ایرانی که یکی از دانش‌آموختگان این دوره است و لهجه ترکی داشته، می‌گوید: «در کل دوران تحصیل، همیشه از حضور در مدرسه اذیت می‌شدم؛ غیر از آن یک سالی که به مدارس فرقه دموکرات می‌رفتم.» در کنار کتب ۶ جلدی آنادیلی برای کلاس‌های دبستان، کتب دیگری مانند، کتاب درسی برای اکابر (۶۴ صفحه) و جغرافی، کلاس پنجم ابتدائی (۱۱۴ صفحه) تاریخ مختصر جهان، کلاس پنجم ابتدائی (۶۴ صفحه) زبان وطن؛ کتاب قرائت ادبی، کلاس ششم ابتدائی (۳۰۰ صفحه)، زبان وطن و کتاب قرائت ادبی منتشر شد.

تأسیس دانشگاه تبریز یکی دیگر از اقدامات فرقه آذربایجان بود. در همین زمان رادیوی تبریز راه‌اندازی شده و شروع به پخش برنامه به زبان ترکی کرد. در کتاب تاریخ ایران مدرن آمده که «در این دوره حکومت آذربایجان اقدام به تأسیس بیش از ۲۰۰۰ مدرسه راهنمایی و دبستان در روستاها و نزدیک به ۵۰۰ دبستان و مدرسه راهنمایی در شهرها کرد. انتشار ده‌ها روزنامه و کتاب به زبان ترکی آغاز شد و زبان مادری آذربایجان، بعد از چندین سال ممنوعیت به عنوان زبان رسمی ارتقاء یافت.»

اگرچه اقدامات فرقه دموکرات تأثیرگذار بود و آنها حمایت ابرقدرتی همچون روسیه و استالین را نیز با خود داشتند، اما دو عامل مهم وجود داشت که بقای آنها را تحت الشعاع قرار می‌داد؛ نخست اینکه از ابتدای حکومت رضاشاه، ایده‌های ملی‌گرایانه بسیار در ایران تبلیغ می‌شد و از این منظر اقدام فرقه دموکرات اقدامی ضدایرانی دیده می‌شد. نکته دوم اینکه اگرچه مردم آذربایجان از امکانات سوسیالیستی که فرقه در اختیار آنها می‌گذاشت بهره می‌بردند اما واقعیت آن بود که به دلیل باورهای مذهبی نهادینه‌شده در اذهان‌شان آنها تصور می‌کردند کافران بر آنها رهبری می‌کنند. از سوی دیگر برای حل بحران آذربایجان، قوام السلطنه مذاکرات متعددی با استالین و البته پیشه‌وری انجام داد که در ختم ماجرا بسیار موثر بود. موافقت‌نامه مظفر فیروز معاون سیاسی احمد قوام السلطنه نخست‌وزیر و جعفر پیشه‌وری در پانزده ماده و ۴ تبصره ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ به روشنی مواضع حیاتی

برای پیشه‌وری و یارانش در فرقه و حکومت ملی را برای ما روشن می‌کند. مسعود بهنود در کتاب از سیدضیا تا بختیار مدعی شده که یکی از دلایل قوام السلطنه این بوده که در این مذاکرات، رمز دستگاه تلگراف فرقه دموکرات که با روسیه ارتباط برقرار می‌کرده، در اختیار جاسوسان قوام بوده و به همین دلیل قوام از پیش می‌دانسته که پیشه‌وری درباره چه می‌خواهد صحبت کند بنابراین از قبل آماده بوده است. هرچه که بود موافقت‌نامه‌ی تنظیم شد که بر اساس آن مجلس ملی آذربایجان انتخاب و تشکیل شده و به منزله انجمن ایالتی آذربایجان به رسمیت شناخته می‌شد اما این موافقت‌نامه پس از بازگشت قوام از روسیه و هنگامی که ارتش سرخ ایران را ترک کرد، لغو شد و در پی آن قوای زمینی ارتش در آذرماه ۱۳۲۵ به سمت آذربایجان حرکت کرد و نبرد سختی در گرفت. منابع حزب توده و طرفداران فرقه از هزاران نفر کشته و آواره یاد کرده‌اند. جمیل حسینی (عضو آکادمی ملی علوم آذربایجان) می‌نویسد «در اوضاع نابسامان پس از فروپاشی هزاران نفر از هواداران فرقه کشته و زندانی شدند و نزدیک به ده هزار نفر به آنسوی مرز گریختند.» حمید احمدی دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران اما معتقد است بسیاری از این اظهارات مبتنی بر داده‌های مستند و تاریخی نیست، اما به دلایل سیاسی و استراتژیک یعنی به منظور بسیج احساسات افراد متعلق به گروه‌های قومی بیان می‌شود.

سفارت آمریکا تعداد کشته شدگان در حملات عوام به طرفداران فرقه را که در فاصله ورود ارتش به تبریز پیش آمده بود ۴۲۱ نفر اعلام کرده‌اند اما منابع دولت ایران از اعدام ۲۰ نفر و روزنامه‌های آن زمان از عددهایی در حدود ۲۰۰ نفر کشته یاد می‌کنند. ارتشبد حسین فردوست که به هنگام هجوم ارتش به آذربایجان جهت رفع نیازهای مالی ارتش شاه از سوی حکومت مرکزی به تبریز سفر کرده بود، در خاطرات خود از اعدام حدود ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ نفر در تبریز بدون هیچ‌گونه تشریفاتی و در جلوی خانه‌های افراد و در سر خیابان‌ها خبر می‌دهد. این تعداد جان باخته، به غیر ارقامی بود که در روزهای بعد وجود داشت. نهایتاً اعضای فرقه دموکرات در روز ۲۱ آذر دستگیر یا اعدام شدند و به این ترتیب اولین حکومت شورایی در ایران دوام کوتاهی داشت و عمرش به ۱۵ ماه نرسید. سیدجعفر پیشه‌وری نیز از ایران گریخت و به کمک کانون نویسندگان باکو در آنجا مستقر شد و خاطراتش را نوشت و او نیز یک سال بعد از پایان بحران آذربایجان در تیرماه ۱۳۲۶ بر اثر تصادفی که برخی منابع آن را مشکوک می‌دانند، جان باخت.

**صرافی رویال**  
 با مدیریت فرخ سرشت

**خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید**

امکان استفاده از کارت های بانکی ایران جهت فروش ارز

**ارسال ارز به ایران و بالعکس**  
 در سریع ترین زمان ممکن با بهترین نرخ

6162 SHERBROOKE W.  
 MONTREAL H4B 1L8 جنب فروشگاه اخوان

**(514) 836-7090**

**RE/MAX**  
 Hayk Hartounian MBA  
 Residential Real Estate Broker

**مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ**

**ارزیابی و مشاوره رایگان**  
**تهیه وام مسکن با بهترین امکانات**  
**هدیه ما به شما: هزینه محضر**

**فروش خرید اجاره**

**(514) 574 6162**  
 Haykhartounian@yahoo.com  
 9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

**دفتر ترجمه رسمی**  
 فیروزه مسیحا

ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری

عضو رسمی انجمن مترجمان کبک (OTTIAC) و انترپرو (ATIO)  
 کارشناس ارشد مترجمی زبان و دانشجوی دکتری زبانشناسی

**ATIO**

- ترجمه شفاهی در جلسات رسمی اداری و دادگاهی
- تایید امضا اشخاص و کپی برابر اصل
- تجربه و تنظیم دعوت نامه و انگیزه نامه
- انجام کلیه امور مربوط به دریافت و کانتیکامه از واشنگتن
- تهیه و تنظیم مدارک جهت ارائه برای معارف سازگی (همه کپی برابر اصل از دفترخانه رسمی)

دفتر تهران: ضلع جنوب شرقی سید خندان  
 دارالترجمه رسمی مسیحا  
 +98 912 723 2544

+98 912 322 0524  
 438-920-9305  
 firoozehmasiha@yahoo.com

**دارالترجمه رسمی فرهنگ**  
 BUREAU DE TRADUCTION FARHANG  
 FARHANG TRANSLATION OFFICE

2000, MCGILL COLLEGE  
 6TH FLOOR, MONTREAL  
 QUEBEC, CANADA, H3A 3H3

001 514 691 4383  
 H.DAVOUDI@FARHANG.CA

تهران: تکلیف شمالی، تقاطع بلوار کشاورز نبش کوچه تهرانی  
 پلاک 573 طبقه 6 واحد 7  
 +98 21 6642 1511  
 6694 8154  
 H.DAVOUDI@FARHANG.CA

شعبه کانادا  
 شعبه ایران



جامعه

اقتصاد

سیاست





# دولت‌های انقلابی و ضرورت انباشت اقتدار!

گروه‌های «مزاحم ثبات و امنیت» فراهم می‌کنند. بدین ترتیب، جریان مسلط باتکیه بر حمایت عمومی برای پایان دادن به هرج و مرج، دست نیروهای وفادار به خود را برای حذف رقبای سیاسی از راه‌های خشونت‌بار باز می‌گذارد و بدین وسیله اقتداری بسیار فراتر و خشن‌تر از رژیم کهن در دولت تازه خود انباشت و متمرکز می‌کند که این نیز معمولاً به دوران استقرار وحشت در دوره‌ای مشخص منجر می‌شود.

باتوجه به این سابقه، مردمی که یکبار طعم انقلاب را چشیده باشند، در گستره‌ای عظیم خطر تکرار آن به جان نمی‌خرند حتی اگر از شرایط موجود خود سخت ناراضی باشند. نارضایتی آن‌ها هم به ایجاد جامعه‌ای آرمانی آن‌طور که برخی انقلابیون اتوپیا اندیش تصور می‌کنند، معطوف نیست، بلکه در عمق خود ناشی از نوعی نوستالژی رژیم کهن است که در دوران ترمیدور انقلاب‌ها هم می‌تواند تبلور پیدا کند.

براین اساس، اگر کاوشی بی‌طرفانه در علل و عوامل نارضایتی بسیاری ایرانیان از شرایط کنونی صورت گیرد، میل آن‌ها به دوران ترمیدور انقلاب و ناخرسندی از تأخیر طولانی آن در وقوع آن است، چیزی که بسیاری از گروه‌های خواهان انقلاب در ایران اگر از آن متنفر هم نباشند، دست‌کم با آن همراهی ندارند.

این در حالی است که برخی از گروه‌های مدافع انقلاب دوباره در ایران با گرایش مارکسیستی، با پیش‌فرض ضروری و راهگشا بودن چنین انقلابی، از عدم تحرک جامعه ایرانی در این جهت اظهار تعجب و تأسف و بعضاً نومیدی می‌کنند. آن‌ها نارضایتی از به تأخیر افتادن دوران ترمیدور را با میل به ظهور دولت انقلابی دیگری از اساس اشتباه گرفته‌اند و به همین دلیل نیز در جهت وقوع حادثه‌ای تلاش می‌کنند که اگر هم به فرض اتفاق افتد، با کمال تأسف نخستین قربانی آن دوباره خودشان خواهند بود.

بدبختانه این یک تراژدی واقعی و تکرار شونده در تاریخ معاصر ایران است!

خود ادامه داده است. همین‌طور چه‌سوا دولت‌هایی که در نقطه اصطلاحاً بن‌بست خود، با نشان دادن پاره‌ای انعطاف و پذیرش تغییرات، مانع از موفقیت گروه‌های انقلابی شده‌اند.

در عین حال، تاریخ جوامع بشری نشان می‌دهد که مردم یک کشور به‌طور گسترده و فراگیر، در طول یک دوره به نسبت طولانی معمولاً یک‌بار فریفته ذهنیت انقلابی می‌شوند و چنانچه یک‌بار انقلاب را تجربه کنند، به‌رغم تحمل شدائد دیگر به‌راحتی به آثار و عواقب آن تن در نمی‌دهند. این بدان دلیل است که رژیم‌های انقلابی در اجرای شعارهای آرمانی خود نه فقط ناکام می‌مانند بلکه در به‌کارگیری زور فراگیر، گوی سبقت را از رژیم کهن می‌ربایند. در واقع، رژیم‌های انقلابی نه لزوماً به‌صورتی از قبل برنامه‌ریزی شده، بلکه بنا به‌ضرورت حفظ نظم و امنیت، جنبه‌های زورمدارانه دولت پیشین را تشدید می‌کنند و حتی به‌صورتی تراژیک شاید بتوان گفت که عملاً مجبور به این کارند!

واقعیت این است که انقلاب‌ها اغلب در دوران ضعف دولت‌های مستقر رخ می‌دهند. دولت بنا به سرشت تا حدودی شرورانه‌اش، حفظ نظم و امنیت و ثبات اجتماعی را از راه انباشت اقتدار و به‌کارگیری انحصاری زور، جستجو می‌کند. دولت‌های برآمده از انقلاب در ابتدای ظهورشان از این اقتدار برخوردار نیستند و از همین رو با انواع بی‌نظمی‌ها و آشوب‌های خودجوش یا سازمان‌یافته گروه‌های سیاسی و اقشاری از مردم روبرو می‌شوند. از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است و در شرایط نامنی و هرج و مرج امکان زندگی عادی ندارد، در غیبت ثبات و امنیت، بلافاصله اراده ایجاد آن‌ها از طریق اعمال زور در سطح جریان رهبری‌کننده انقلاب‌ها به وجود می‌آید. سایر گروه‌ها و جریان‌های شریک در انقلاب اما هر یک بلندپروازی‌های مخصوص خود را دارند و به‌راحتی تسلیم جریان به نسبت مسلط نمی‌شوند؛ بنابراین، بین آن‌ها و دولت برآمده از انقلاب درگیری و خشونت رخ می‌دهد و این نیز به‌نوبه خود بر دامنه نامنی و هرج و مرج در سطوح مختلف جامعه می‌افزاید. در چنین وضعی توده مردمی که انگیزه‌شان از همراهی با انقلاب نه تأسیس آرمان شهر خیالی انقلابیون بلکه صرفاً بهبود شرایط زندگی خود بوده است، با مشاهده به‌خطر افتادن حیات روزمره خود بر اثر زد و خوردهای مستمر بین گروه‌های متفرق و متشتت، به نیروی مسلط‌تر حاکم بر انقلاب پناه می‌برند و با تمکین در برابر آن، مسیر را برای منکوب و سرکوب کردن

طبق یک جمله معروف، «انقلاب نمی‌کنند، انقلاب می‌شود.» منظور از این حرف این است که وقتی در روند اداره یک کشور بن‌بست پدید آید، انقلاب به‌عنوان یک ضرورت گریزناپذیر به‌خودی‌خود رخ می‌دهد و خواست و اراده عوامل انسانی در ایجاد آن تأثیر بسزایی ندارد.

این سخن البته از منظر جامعه‌شناسی مارکسیستی جای چون و چرا یزادی ندارد چرا که از نگاه کارل مارکس انقلاب نتیجه رشد عوامل مادی تولید و عدم انطباق ساحت‌های دیگر جامعه بخصوص ترکیب طبقاتی دولت با آن است؛ بنابراین از نظر او، انقلاب فارغ از اراده عوامل انسانی امری حتمی است.

تاریخ انقلاب‌ها اما از چیز دیگری حکایت دارد. امروزه این حقیقت که تاریخ بشر در دوران صنعتی، طبق پیش‌بینی مارکس پیش نرفته است نیاز به بحث و استدلال چندانی ندارد. طبق پیش‌بینی مارکس انقلاب کارگری باید ابتدا در بریتانیا به‌عنوان پیشرفته‌ترین کشور صنعتی جهان اتفاق می‌افتاد، اما در بریتانیا خبری از انقلاب کارگری نشد و به‌جای آن در اوایل قرن ۲۰ در روسیه نیمه‌صنعتی - نیمه‌فئودالی انقلاب صورت گرفت؛ آن هم نه به‌طور اتوماتیک و متکی بر مکانیسم دترمینیستی موردنظر مارکس بلکه از طریق اراده آهنگین رهبران یک حزب روشنفکری که خود را پیش‌گام طبقه کارگر و نماینده آن فرض می‌کردند.

در واقع عموم انقلاب‌های بشری عموماً از راه تلاش فکری و برنامه‌ریزی عملی یک گروه خاص مبارزه‌جو امکان موفقیت پیدا کرده و عنصر ذهنیت حتی دخالتی بیش از عینیت در پدید آمدن آن‌ها نقش داشته است. ذهنیت انقلابی را معمولاً طبقه‌ای از نخبگان فکری و روشنفکران آرمان‌گرا و کنشگران سیاسی پیرو آن‌ها، در اقشاری از جامعه نفوذ می‌دهند و هنگامی که دولت حاکم با گرفتاری‌های عملی سبب‌ساز نارضایتی مردم از وضع موجود، دست‌به‌گریبان شود، انقلاب شانس وقوع پیدا می‌کند.

حتی در چنین شرایطی نیز وقوع و بخصوص موفقیت انقلاب امری حتمی نیست؛ زیرا دولت‌ها برای خنثی کردن آن از راه کاربرد شدید زور و یا ایجاد تغییر و تحولاتی در سازمان و ساختار خود، دست به اقدام می‌زنند.

چه بسیار حرکت‌های اجتماعی معطوف به انقلاب که در کشورهای جهان سوم سرکوب شده و به بهای تحمیل شرایط طاقت‌فرسا بر جامعه، دولت به بقای

## آخرین فعالیت‌های سیاستمداران ایرانی تبار کانادا

جوهری و احساسی در ماه عسل پیروزی پارلمان  
پارسا و قمری، خیز به سوی انتخابات انتاریو

اقدامات انجام شده برای مقابله با کووید-۱۹ و برگزاری جلسات با کسانی بوده که به نوعی در زمینه خدمات اجتماعی فعال هستند. او در هشتمین روز ماه دسامبر از تمدید مرخصی استعلاجی کارگردان تا ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۲ خبر داده با این توضیح که انتاریو این تصمیم را گرفته تا مطمئن شود؛ کارگران در صورت نیاز به مرخصی، حقوق خود را از دست نمی‌دهند. هفتم دسامبر هم پستی از استیو کلارک -وزیر امور شهری و مسکن و یکی از اعضای محافظه‌کار مجلس انتاریو را ری توثیت کرد و از اقدامات حزب لیبرال برای راحت‌تر کردن شرایط زندگی و هزینه‌ها نوشت.

در همین روز؛ توییت دیگری هم زده که از اختصاص سه میلیون دلار برای آموزش نجار، نصاب دیوار، تراشکار سیمان، اپراتور تجهیزات سنگین خبر می‌دهد. سرمایه‌گذاری که به گفته او؛ در راستای ساخت خانه‌های مورد نیاز انجام گرفته است. این خبر را بگذارید در کنار موضوع بحران مسکن کانادا که در این سال‌ها بسیار مطرح شده و رنگ و بویی انتخاباتی دارد.

این نماینده محافظه‌کار همچنین در اولین روز ماه دسامبر از سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری برای ساخت بزرگ‌ترین بیمارستان انتاریو، در میسیساگا و گسترش مرکز بهداشت کوئینزوی خبر داده بود.

گسترش برنامه‌های خدمات‌رسانی، حمایت‌های مربوط به اختلال خوردن برای کودکان و جوانان، تأمین بیش از ۲۴ میلیون دوز واکسن کووید ۱۹ و دوز تقویت‌کننده آن‌ها در انتاریو، توسعه خدمات دیجیتال در انتاریو و در نهایت هم خبر کوتاه شدن راه برای رانندگان در مناطق هالتون، پیل و یورک با بزرگراه ۴۱۳ تا ۳۰ دقیقه؛ از سوی مایکل پارسا نشان می‌دهد؛ کمپین محافظه‌کارها دارند خیلی زیرپوستی خود را برای فصل گرم تابستان و انتخابات پیش رو آماده می‌کنند.

سه میلیون دلار برای آموزش نجار و نصاب دیوار، تبلیغ کسب‌وکارهای کوچک، کمک‌هزینه برای نگهداری فرزندان در زمان کرونا، تشویق به شادی و شرکت در جشن‌های کریسمس، افتتاح پارک، اضافه‌شدن مرخصی استعلاجی؛ هایلایت‌های این روزهای سیاسیون جامعه ایرانی کانادا که یکی حزبی منتخب و دیگری با امید فراوانی که داشت، شکست خورده است.

لیبرال‌ها و محافظه‌کارانی که یکی هنوز در حال هوای پیروزی است و دیگری با انگیزه بیشتر در تدارک موفقیت دوباره داگ فورد در انتخابات انتاریو ۲۰۲۲ است؛ مایکل پارسا، گلدی قمری، علی احساسی و مجید جوهری. نگاهی انداخته‌ایم به فعالیت‌هایشان در آخرین روزهای سال ۲۰۲۱.

مایکل پارسا؛ تلاش برای حل مشکلات  
یا سرمایه‌گذاری انتخاباتی؟

مایکل پارسا که عضو حزب محافظه‌کار انتاریو است؛ در انتخابات عمومی ۲۰۱۸ به‌عنوان نماینده اورورا، اوک ریجز و ریچموند هیل در مجلس قانون‌گذاری انتاریو انتخاب شد.

بیشترین موضوعاتی که پارسا در ماه گذشته به آن‌ها پرداخته؛ در زمینه کار و سرمایه‌گذاری؛

**گلدی قمری؛ تقسیم شادی با غریبه‌ها**  
گلدی قمری در بین این چهره‌های سیاسی، جوان‌تر از همه است. در سایت شخصی‌اش درباره او می‌خوانیم: گلدی برای اولین بار در ۷ ژوئن ۲۰۱۸ انتخاب شد. یک صاحب کسب‌وکار کوچک، یک وکیل تجارت بین‌الملل، یک داوطلب جامعه، یک مربی جوانان، یک عضو هیئت‌مدیره گذشته و فعلی و با افتخار یک انتاریایی مادام‌العمر است.

آخرین پست اینستاگرام گلدی؛ نماینده کارلتون در مجلس قانون‌گذاری انتاریو، تصاویر و فیلم‌هایی است که از حضورش در نمایشگاه صنایع‌دستی کارلتون منتشر کرده است. او مردم را تشویق می‌کند تا خریدهای کریسمس خود را از این مکان‌ها انجام دهند.

او در بیشتر جشن‌هایی که در هر گوشه شهر برپا شده، شرکت می‌کند؛ عکس‌های یادگاری خودش و مردم عادی را به اشتراک می‌گذارد؛ از پارادا فلوت -رژه شناور- در کنار جاده و همچنان زندگی مردم می‌نویسد.

و البته فعالیت‌ها و برنامه‌های خیرخواهانه زیادی را هم درباره‌شان تبلیغ و در آن‌ها شرکت می‌کند، مثل؛ پرکردن اتوبوس از غذا برای بانک غذای اتاوا،



جوهری از اقدامات حزب لیبرال برای مقرون به صرفه کردن هزینه‌های زندگی در صفحه خود نوشته که شامل روزی ده دلار برای مراقبت از فرزند؛ پرداخت بیشتر کمک هزینه به خانواده‌ها، بازگرداندن مالکیت خانه و افزایش یک درصدی مالیات برای طبقه متوسط بوده است.

همچنین با توییتی در روز هشتم دسامبر؛ تحت عنوان: «مقرون به صرفه بودن هزینه‌ها، سلامت و مالکیت خانه! ما نگرانی‌های شما را شنیدیم و به سختی برای حلشان کار می‌کنیم». توییت جاستین ترودو را ری توییت و از اینکه یکی از افراد این دولت است؛ ابراز خوشحالی کرده است. «جاستین ترودو: امروز صبح جلسه هفتگی گروهی ما برگزار شد. ما روی اولویت‌های شما متمرکز می‌مانیم و برای رسیدن به نتیجه سخت کار می‌کنیم. به موضوع واکسن رسیدگی می‌کنیم، مالکیت خانه را دوباره در دسترس قرار می‌دهیم، هزینه مراقبت از کودکان را کاهش می‌دهیم و زندگی شما را مقرون به صرفه‌تر می‌کنیم.»

حمایت از مشاغل کوچک هم در بین توییت‌های ماه آخر سال مجید جوهری است. «بیایید این تعطیلات را به یک فصل به یادماندنی تبدیل کنیم، به خصوص برای صاحبان مشاغل کوچک‌مان که چالش‌های زیادی را تحمل کرده‌اند. هنگام خرید هدیه برای عزیزانتان، لطفاً سعی کنید؛ از فروشنده‌های محلی خرید کنید و از مکان‌هایی حمایت کنید که جوامع ما را تعالی می‌بخشند.»

یکی از انتقادهایی که به دولت جاستین ترودو، می‌شد در زمینه واکسیناسیون بود. جوهری در روز شش دسامبر، توییت فیلومنا تسی، وزیر خدمات و تدارکات عمومی درباره توافق برای تهیه یک میلیون (دوز) داروی ضد ویروسی از Merck و Pfizer را با این توصیف «خبر خارق‌العاده» ری توییت کرده.

واکنش به روز مبارزه با خشونت علیه زنان هم یکی از توییت‌های این نماینده لیبرال از جامعه ایرانی بود: «ما باید ۱۴ زن جوانی را به یاد بیاوریم که در مدرسه پلی‌تکنیک مونترال در اقدامی احمقانه همراه با خشونت جنسی به قتل رسیدند. ما باید با تعهد به پایان دادن به خشونت مبتنی بر جنسیت در هر شکل، یاد و خاطره آن‌ها را گرامی بداریم.» تضمین سلامت و ایمنی کانادایی‌ها هم آخرین توییت جوهری از ماه دسامبر بوده که عمر الغبرا -وزیر حمل‌ونقل- آن را اولویت دولت دانسته است. در نهایت اینکه انتخابات انتاریو ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که کدام یک از این راه‌ها و موضع‌گیری‌ها به جاده طولانی تری می‌رسد.

تبلیغ یک دوره آموزشی عملی با این مضمون: «آیا شما یک رهبر جوان در ویلودیل هستید؟ آیا می‌خواهید تغییر ایجاد کنید و تجربه کار در سیاست را کسب کنید؟ کلاس‌های تابستانی ما باز است.» توییت او در روز هشتم دسامبر است؛ یعنی همان روزی که مایکل پارسا درباره زیاد شدن روزهای مرخصی استعلاجی کارگردان توییت می‌زند.

همان روز احساسی، عکسی از مراسمی می‌گذارد که برای تقدیر از فعالیت‌های گورباکس سینگ مالی- اولین نماینده‌ی سیک تاریخ مجلس کانادا و متولد هند- پارکی به نامش می‌شود و درباره‌اش می‌نویسد: «آقای مالی ده‌ها تلاش کرده تا کشور ما را به مکانی بهتر تبدیل کند و این افتخار - نام‌گذاری پارک- پس از یک عمر خدمت، شایسته او است.»

به این موردها، انتشار عکسی کنار بابائوئل در خیابان‌های ویلودیل در روز هفتم دسامبر را اضافه کند و ابراز خوشحالی این نماینده لیبرال از اینکه شهروندان در آخر هفته از راهپیمایی و بازار کریسمس ویلودیل حمایت می‌کنند.



### مجید جوهری؛ وعده‌هایی که وفا می‌شود

مجید جوهری، نامزد حزب لیبرال از منطقه ریچموند هیل، سابقه طولانی در این حزب دارد. او در انتخابات اکتبر ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ و سال ۲۰۲۱ توانست در این منطقه رأی بیاورد. این لیبرالیست در حفاصل فضایی انتخاباتی رقیب محافظه‌کار و پارلمانی هم‌حزبی‌اش است.

او در روز هشتم دسامبر با این توییت که: «وعده داده شد، به وعده وفا شد و یک روز عالی برای کانادا!» از اقدام برای اصلاح قانون کیفری ابراز خوشحالی کرده.

ترتیب نشستی با حضور کریستین بیوت (معاون نخست‌وزیر انتاریو و وزیر بهداشت) در مؤسسه «راس» که خدمات حمایتی اجتماعی را برای سالمندان و بزرگسالان معلول روستایی در زمان اپیدمی کرونا انجام می‌دهد.

گلدی قمری در روز چهارم دسامبر در توییت خود اعلام کرد: انتاریو حمایت‌های شغلی برای دانش‌آموزان دارای معلولیت در مقطع پیش‌دانشگاهی را افزایش می‌دهد.

او هم مانند همه این چهره‌های سیاسی ایرانی، درباره‌ی واکسیناسیون و تزریق تقویتی اطلاع‌رسانی می‌کند. گلدی در تاریخ سوم دسامبر در صفحه توییتش نوشت: «انتاریو روند تزریق دوز تقویت‌کننده واکسن را برای افراد واجد شرایط بالای ۵۰ سال انتاریویی و افراد پرخطر دیگر تسریع می‌کند و یک لایه حفاظتی اضافی در برابر COVID19 و انواع آن ارائه می‌دهد.»

این نماینده محافظه‌کار، در همین روز، ری توییتی هم از صفحه‌ی استفان لچه-وزیر آموزش انتاریو- داشت؛ با این مضمون که: «دولت برای تقاضای روبرشد آموزش زبان فرانسه، سرمایه‌گذاری می‌کند.» و به آن اضافه کرد: ۱۲ میلیون دلار برای گسترش مقطع متوسطه مدارس کاتولیک Stittville (حومه شهر اتاوا) و ۳۸۹ فضا آموزشی برای دانش‌آموزان اختصاص گرفته که این سرمایه‌گذاری‌ها نیازهای جوامع محلی در حال رشد را برآورده می‌کند.



### علی احساسی؛ دعوت به آموزش سیاسی و شادی

علی احساسی، وکیل تجارت بین‌الملل و مشاور سابق وزارت خارجه کانادا و نماینده لیبرال مجلس عوام از حوزه ویلودیل در تورنتو در ایالت انتاریو، خودش را بیشتر در قامت یک سیاستمدار با دغدغه‌های ملی و بین‌المللی در این ماه‌ها نشان داده است.

بخش «خاوندگان» هفته متعلق به خاوندگان است. تنها محدودیت انتشار مطالب در این صفحه قوانین کاناداست. سلیقه سردبیر و دست‌اندرکاران هفته در انتشار مطالب در این بخش تاثیری ندارد.

جعفر خدیو

# بزرگ‌ترین حرکت انقلابی دهقانی تاریخ خاورمیانه بود

## به مناسبت سالگرد وقایع ۲۱ آذر و تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان

هفتادوپنج سال از تشکیل فرقه و قیام مسلحانه دهقانان آذربایجان علیه نظام ارباب-رعیتی (فئودالیت) قرون وسطایی و خان‌های صاحب زمین و رعیت می‌گذرد؛ قیامی که شوربختانه با دخالت مشترک آمریکا و انگلیس و تجدید و تسلیح ژاندارمری و ارتش از هم پاشیده رضاخان و توزیع سلاح بین خوانین فراری به آذربایجان یورش بردند، قیام مردمی را به خاک و خون کشیدند و سبب ناکامی آن شدند. در این یورش خان‌ها دلگرم از حمایت آمریکا و انگلیس، از دهقانان فقیر آذربایجان انتقام سختی گرفتند. اندک دسترنج آنها را به غارت بردند، ریش پیران را آتش زدند و جوان‌ها را که در غارها پناه گرفته بودند با دینامیت منجر کردند و هرکسی را که با او دشمنی یا خرده‌حسابی داشتند خودسرانه اعدام کردند. (۱)

### حال ببینیم این حرکت یا شورش دهقانی چگونه و در چه شرایطی به وجود آمد؟

برای روشن شدن این چگونگی و چرایی قضیه آذربایجان به‌منزله یک واقعه اجتماعی و درک ریشه‌های این واقعه یادآوری یک اصل دیالکتیکی ضرورت دارد:

«برای پیدایش یک پدیده یا وقوع یک واقعه در هستی هم شرایط داخلی و هم شرایط خارجی باید مشترکاً مساعدت کنند؛ یعنی شرایط خارجی و داخلی برای پیدایش پدیده هم‌سو عمل کنند» و گرنه پدیده رخ نخواهد داد. به‌عنوان مثال: پدیده گیاه یا حیوان ضمن داشتن تخم و ژن‌های زنده و سالم (شرایط داخلی) باید از شرایط مساعد خارجی (خاک، رطوبت، حرارت و امنیت یعنی فقدان حشره و در مورد حیوان، رحم سالم بر تخم سالم و رشد آن امنیت غنائی فراهم کند) در غیر این صورت پدیده گیاه یا حیوان به وجود نخواهد آمد. حال اصل قضیه ...

### حرکت دهقانی و تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان

در ۲۵ اوت ۱۹۴۱ (سوم شهریور ۱۳۲۰) رزمناو شوراهام انگلیسی آتش خود را بر رزمناو ایرانی پلنگ گشود و موجب کشته‌شدن ۶۰۰ افسر از جمله دریادار بانیدر، فرمانده نیروی دریایی و غرق رزمناو شد. سپس نیروهای انگلیسی روی به طهران نهادند. نیروی دریایی ایران رضاشاهی طی چند ساعت از هم پاشید. هم‌زمان ارتش سرخ از مرزهای شمال وارد ایران شد. مرزداران ارتشی سلاح‌های خود را بر زمین گذارده فرار کردند و ژاندارم‌های دزد و فاسد رضاخانی به‌منزله چماق دست

اربابان ستمگر از ترس دهقانان مالامال از خشم فروخورده تفنگ‌های خود را در جاده‌ها ریخته ناپدید شدند.

در چنین شرایطی رضاشاه که متهم به دزدی و فساد و بالاکشیدن زمین‌های مردم بود مجبور به استعفا شد و چون سابقاً در صف قزاقان با روس‌های تزاری همکاری می‌کرد و بعد از انقلاب اکتبر صف خود را عوض کرده و در سرکوب‌های جنبش جنگل و باکو و سر بردن ۲۵ کمیسر در آن طرف ارس با انگلیس‌ها همکاری کرده بود، بعد از استعفا باعجله از ترس روس‌ها به جنوب فرار کرد و سپس توسط انگلیسی‌ها به جزیره موریس تبعید شد؛ بدین ترتیب حکومت دیکتاتوری سیاه رضاشاه سرنگون و آزادی‌های نسبی فراهم گشت.

حضور و نفوذ شوروی در شمال، آمریکا و انگلیس در جنوب بنا بر ماهیت آنها، شرایط پیدایش و دو نظم متفاوت و مخالف را به وجود آورد. انگلیس-آمریکا به سراغ خان‌ها و زمین‌داران بزرگ صاحب رعیت همچون قشقای‌ها، بختیاری‌ها، ممسنی‌ها، شوکت‌الملک‌علم‌ها (در بیرجند) و قوام شیرازی‌ها (در فارس) و ... رفتند و پلیس جنوب را قوی‌تر از قوای دولتی به وجود آوردند که حفظ نظم موجود (نظام ارباب-رعیتی) و دفاع از منافع شرکت نفت انگلیسی بریتیش پترولیوم (B.P) و آتش‌زدن دفاتر حزب توده از وظایف آن بود. در پی این سیاست (حفظ نظم موجود) پسر ۱۹ ساله رضاخان (محمدرضای) را نیز به‌جای پدر نشان‌دند. بدین ترتیب نظام پیشین خان‌خانی در جنوب تداوم یافت.

اما در شمال، با ورود ارتش سرخ شوروی که خود با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ (فقط ۳ سال پیش) و سرنگونی نظام ارباب-رعیتی-پادشاهی رومانوف‌ها سر برآورده بود طبعاً از دهقانان و دیگر تهیدستان ایران در برابر خان‌ها حمایت کردند. از این رو دهقانان به بردگی کشیده شده آذربایجان در چنین شرایط به وجود آمده، با سلاح‌های به‌دست آورده و سال‌های سال خشم‌های فروخورده در تعقیب خان‌ها و اوباشان مسلح آنها به حرکت درآمدند. در ۱۶ شهریور ۱۳۲۴ اولین شهر آذربایجان، میانه را در دست گرفتند و سپس سراب، میانه، زنجان و بناب را یکی بعد از دیگری آزاد ساختند.

به‌جاست توجه شود فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری میر جعفر پیشه‌وری که در ۱۲ شهریور در سالن شهرداری تبریز اعلام موجودیت کرده بود، تنها ۳ ماه بعد

در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ به پادگان تبریز اخطار داد و شهر تبریز را در دست گرفت. این نشان می‌دهد که جنبش دهقانی آذربایجان کاملاً خودجوش بوده و از شرایط هماهنگ داخلی و خارجی برمی‌خاست و توده‌ها از رهبری جلوتر بودند. بدین ترتیب در این بخش از ایران یعنی آذربایجان زمین‌های دولتی و خان‌های فراری بین دهقانان تقسیم گردید و خان‌خانی ملغی شد و نظام مردم‌سالار ضد فئودالی روی کار آمد و انقلاب آذربایجان قبل از انقلاب چین، کره و ویتنام به نتیجه رسید و پیروز شد.

برای روشن شدن سیاست کلی و دیدگاه طبقاتی مرکز نشینان حاکم، مرتجع، فاسد، فاقد اخلاق و آلت بیگانه در حق مردم ایران عموماً و مردم آذربایجان خصوصاً به یک سری شواهد کوتاه و مختصر اشاره می‌کنیم تا معلوم شود مردم آذربایجان تا چه ابعادی به طور مضاعف هدف توهین، تحقیر و ستم فرهنگی بوده و در چه شرایط داخلی ضد‌مردمی به سر برده‌اند:

۱. محسنی رئیس فرهنگ آذربایجان (اعزامی طهران) می‌گفت هرکس ترکی حرف می‌زند بر سرش افسار الاغ بزیند و به آخور ببیند!

۲. عبدالله مستوفی استاندار جلال آذربایجان (تحفه طهران) می‌گوید: «من سه سال استاندار آذربایجان شرقی و غربی بودم با اینکه ترکی بلغور می‌کنند اما روح ایرانیست قوی‌تر از همه است». او می‌گوید: «زبان ترکی چون زبان درشت و ناهموار است، فارس‌ها به‌جای حرف‌زدن بلغور کردن را به کار می‌برند!»

۳. وقتی هنرمندان آذری در وقایع شوم آذر ۱۳۲۵ از ترس جان به طهران پناه بردند، برای امرار معاش از نخست‌وزیر ساعد مراغه‌ای (آذربایجانی مرتجع) تقاضای مجوز می‌کنند تا بتوانند تئاتر خیابانی به راه کنند. او در پاسخ می‌گوید: «اجرای تئاتر به زبان «بیگانه» ممنوع است!!»

۴. حتی عبدالرحمان فرامرزی سردبیر و مقاله‌نویس روزنامه کیهان در دوره پهلوی‌ها در جواب رحیم نامور سرمقاله‌نویس به‌سوی آینده در صفحه ۳۹ (مجموعه مقالات) چنین می‌نویسد:

نه انکار نمی‌کنم و نمی‌توانم انکار کنم که رژیم سابق (رضاشاه) یک رژیم ظالمانه سیاه و یک کابوس وحشتناک بود که بر سینه این ملت قرار داشت و قدرتی که دولت از آن راه به دست آورد، خرج چاپیدن مردم و کشیدن رگ غیرت از گرده ملت و کاستن نفوس و خرابی مملکت شد.

### آزادی فکر و عقیده چیست؟

ملت به‌قدر سگ، به‌قدر گربه، به‌قدر حیوان در کشور خود حق حیات ندارد. بین راه لارستان به آبادان مردم در جست‌وجوی کار از گرسنگی می‌میرند. سپس از فروش دخترهای معصوم از فرط استیصال به اعراب سواحل خلیج فارس سخن می‌گوید: «در چنین شرایط داخلی بود که ملت ایران اشغال میهن خود را به‌وسیله



## تورم، خرید سال نو و مدیریت بودجه خانواده

سات جشن و هدیه‌های درخور برای فرزندان، دوستان و سایر اعضای خانواده تلاش می‌کنند. ممکن است برای بخشی از جامعه که از درآمد مناسب برخوردارند فکر کردن به ابعاد مالی این مناسبت‌ها چندان محلی از اعراب نداشته باشد ولی برای بخش مهمی از مردم که بودجه‌هایشان را کمی حساب شده‌تر خرج می‌کنند برنامه ریزی مالی برای مناسبت‌های اینچنین اهمیت دارد. دقت کنید که منظور از برگزاری جشن سال نو تنها خرید چند هدیه و چند قلم مواد غذایی و دعوت کردن چند نفر از دوستان و اقوام برای صرف شام نیست. منظور برگزاری به آن شکلی است که در آمریکای شمالی مرسوم است. به همین دلیل و به مناسبت سال نو در این شماره خلاصه مطلبی از فایننشال پست و مجله فرانسوی زبان Les Affaires در نظر گرفتیم که در آن نکات جالبی در مورد مدیریت بهتر بودجه به ویژه در شرایط اقتصادی کنونی گفته

در طول چهل واندی سال که از مهاجرت ایرانیان به اقصی نقاط جهان می‌گذرد شاهد آن هستیم که حتی نسل اول مهاجران در هر کشوری که سکنی گزیده‌اند با سنت‌ها و فرهنگ آن منطقه خو گرفته‌اند. حتی در برخی موارد دیده شده از خود مردم آن منطقه بیشتر به آئینی دل داده‌اند! سال نو میلادی و تقارن یلدای ایرانی با کریسمس مسیحی نیز از همان جمله است. خانواده‌های ایرانی به ویژه آنان که فرزندان‌شان در کشورهای خارجی به دنیا آمده و بزرگ شده‌اند به اندازه جامعه میزبان به جشن سال نو میلادی اهمیت می‌دهند و البته جو حاکم بر محیط کار و فروشگاه‌ها و سطح شهر نیز بر تشدید این پدیده بی‌اثر نیست. برگزاری جشن سال نو میلادی برای جامعه مهاجر ایرانی اگر هم ردیف نوروز خودمان نباشد کمتر از آن نیست. همزمان با جوش و خروش و نزدیک شدن به سال نو، والدین و سرپرستان خانواده برای تهیه سور و

ارتش‌های بیگانه و فرار دیکتاتور را با جشن و شادمانی مبارک شمرند».

و در پایان باید گفته شود آمریکا و انگلیس در قضایای آذربایجان از فاکتورهای عمده داخلی و خارجی بهره بردند:

۱. قرن‌ها حاکمیت نظام ارباب-رعیتی و قدرت محلی مالکان و عشایر مسلح به‌منزله پایه‌های سلطه بیگانه
۲. بی‌سوادی ۹۵ درصدی، خرافات و عوام‌زدگی مردم
۳. مذهب درباری و بهره‌بردن از منابر، مساجد و دیگر ابزار تبلیغاتی به‌وسیله سلطان‌العلماء و وعاظ السلاطین
۴. نفوذ دربار دست‌نشانده فاسد و پادشاه سنتی مطیع بیگانه
۵. فقدان تبلیغات روشنگرانه در برابر شیوورهای تبلیغاتی سهمگین و یک‌طرفه بیگانگان، درباریان، خوانین، مساجد و منابر ستایشگر دربار

۶. در صحنه بین‌المللی: ویرانی شوروی با پنجاه میلیون کشته، علیل و زخمی، و از هم پاشیدگی اقتصاد تا حد گرسنگی عمومی در برابر تنها ابرقدرت اتمی با ثروت، و تولید غول آسا و در همین حال هجوم پناهندگان سیاسی و جنگ‌زدگان از کشورهای در حال مبارزه برای کسب آزادی و استقلال همچون چین، کره، ویتنام تا ایران، یونان، اسپانیا و... به این کشور آسیب‌دیده جنگ از طرف دیگر، شرایط خارجی را به‌شدت علیه جنبش دهقانی آذربایجان رقم زد؛ زیرا شوروی را در شرایطی قرار داد که در برابر آمریکا و انگلیس نتواند حتی اظهار وجود کند؛ بنابراین در برابر تهدیدات اتمی آمریکا به‌ناچار کوتاه آمد، اما در کره و چین و بعدها در ویتنام پوزۀ امپریالیسم آمریکا را به خاک مالید.

تبلیغات یک‌طرفه ارتجاع بیگانه و خودی در ایران باریدن گرفت. گفته شد: شوروی از قوام وعده امتیاز نفت شمال را گرفت و جنبش را فروخت یا به نوکرشان (پیشه‌وری) گفتند بیا، آمد و گفتند برو، رفت و از این نوع شایعات ساده‌لوحانه و عامی نقل مجالس و دور منقل‌ها شد. سپس زیرکانه به جنایات خود در آذربایجان پره کشیدند و به‌مرور قضیه پیشه‌وری و جنبش آذربایجان را به فراموشی سپردند. از این‌رو جوانان و نسل‌های بعدی نام بهترین دوندۀ آفریقایی یا بهترین گل‌زن برزلی را می‌دانند، اما جنایات آمریکا و انگلیس را در آذربایجان نمی‌شناسند و شاید حتی نام فرزند برومند سرزمین آذربایجان را نشنیده‌اند: پیشه‌وری کارگر، دانش‌آموز، معلم، روزنامه‌نگار به دو زبان، مؤسس احزاب پیشرو، وزیر داخله جنبش جنگل و طبیعی‌ترین نماینده مردم تبریز که به مجلس انگلوفیل‌ها راه نیافت و ۱۲ سال در سیاه‌چاله‌های رضاخان بهای آزادی‌خواهی برای ملت ایران را با عمر پربار خود داد.

### پاورقی:

برای شناختن بیشتر حوادث به این منابع مراجعه فرمایید:

۱. خاطرات قاضی آمریکایی ویلیام داگلس،
۲. روزشمار آیت‌الله مجتهدی تبریزی،
۳. روزشمار تاریخ باقر عاملی،
۴. تاریخ معاصر ایران پروفیسور پیترو آوری،
۵. خاطرات ارتشد حسین فردوست،
۶. از زندان تا تصدیر فرقه دموکرات آذربایجان - علی‌مرادی مراغه‌ای



شده است. ممکن است بسیاری از این نکات را از قبل بدانید ولی یادآوری و به کارگیری آن خالی از لطف نیست.

تورم در ماه‌های اخیر به شکل بی‌سابقه‌ای در حال افزایش بوده است. بدیهی است با افزایش تورم و ثابت ماندن دستمزدها به مرور توان خرید خانواده کاهش می‌یابد. حال اگر خانواده بخواهد بودجه‌اش را متمرکز بر هزینه‌های سوخت و مواد غذایی کند برای تفریح و جشن‌ها نیاز به برنامه‌ریزی دقیق است. پس گام اول در هرچه بهتر گذراندن سال نو برنامه‌ریزی برای تک تک سکه‌های ته جیب‌تان است! نگه داشتن حساب و کتاب بعد از اینکه خرج کردید ساده است اما مهم آن است بتوانید قبل از خرج کردن میزان هزینه را محاسبه کنید. دقیقا مانند زمانی که رژیم گرفته‌اید! همانطور که در رژیم غذایی با سواص کالری‌ها را یک به یک می‌شمرید و غذای‌تان را بر حسب آن آماده می‌کنید باید سعی کنید در بودجه‌بندی خرید خانه نیز چنین روشی در پیش بگیرید. برای این کار بعضی از بانک‌ها در اپلیکیشن‌هایشان نرم افزارهایی قرار داده‌اند که با استفاده از تکنولوژی و هوش مصنوعی می‌تواند با مشاهده رفتار خرید شما به وسیله کارت بانکی میزان خرید آینده و حتی نوع آن را نیز حدس بزند. استفاده از این اپلیکیشن‌ها می‌تواند به شما در کنترل مخارج کمک کند.

در محاسبه بودجه ابتدا خرید اقلام ضروری را در نظر بگیرید سپس به لایه دوم یعنی چیزهایی که «خوب است داشته باشید» یا به انگلیسی nice-to-have فکر کنید. به عنوان مثال صرف شام در یک رستوران لوکس می‌تواند در این دسته قرار گیرد. درست است که آشپزی کردن آن هم هر روز هفته ممکن است برای عده‌ای ملال‌آور باشد ولی باور کنید با آشپزی کردن به راحتی می‌توانید بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه را برای اهداف بهتر مانند سفر ذخیره کنید.

راه دیگر برای بهینه‌سازی بودجه بازنگری قراردادهای دائم با ارائه‌کنندگان خدمات است. قراردادهایی از قبیل تلفن همراه، اینترنت یا سرویس تلویزیون کابلی می‌تواند بیش از نیاز واقعی شما خریداری شده باشد. پس با یک محاسبه ساده خواهید دید برای کدام یک از پلن مورد نیازتان بیشتر پرداخت می‌کنید. به عنوان مثال ممکن است برای یک خانواده سه نفره که والدین بیشترین زمان شبانه روز را خارج از خانه سپری می‌کنند یک سرویس فوق سریع اینترنت با حجم بالای داده چندان مورد نیاز نباشد. پس با بهینه‌سازی این خدمات می‌توانید

ده‌ها دلار در ماه به صندوق تفریحات و سرگرمی واریز کنید.

اگر مشتری قدیمی و وفادار فروشگاه‌های بزرگ هستید سعی کنید با بهره بردن از کارت‌های ویژه جمع‌آوری امتیاز یا با استفاده از تخفیف وفاداری یا loyalty discount هوشمندانه خرید کنید. از طرفی کارت‌های اعتباری برخی از بانک‌ها همیشه پیشنهادهایی در مورد جمع‌آوری امتیاز در صورت خریدهایی مشخص دارند که با جمع‌آوری آن‌ها می‌توانید یا به صورت مستقیم از بدهی‌های کارت‌تان کم کنید یا با استفاده از آن امتیازها در فروشگاه‌های خاصی خرید کنید. اگر اهل سفر هستید حتما خواهید توانست کارت اعتباری پیدا کنید که برایتان مایل هوایی یا air miles ذخیره کند.

اگر خانواده بزرگی دارید سعی کنید به صورت عمده و از فروشگاه‌های عمده فروشی خرید کنید. فراموش نکنید که خرید لحظه آخر اغلب می‌تواند با ضرر همراه باشد. پس به آنچه ممکن است در آینده نزدیک یا دور نیاز داشته باشید فکر کنید و با استفاده از خبرنامه‌های فروشگاه‌های معتبر در موقع مناسب و هنگام تخفیف آن جنس را خریداری کنید. لطفا در این مورد خجالتی نباشید. خرید در هنگام تخفیف در بیشتر کشورها به ویژه در آمریکای شمالی بسیار متداول است. اگر در این مورد شک دارید سری به فیلم‌های حمله مردم به فروشگاه‌ها در روز «جمعه سیاه» بزنید. لازم نیست تا این حد خشونت به خرج دهید اما از خرید آگاهانه نیز غافل نباشید و فراموش نکنید که بعضی از اجناسی که شما ده‌ها دلار برایشان خرج می‌کنید در تولید انبوه به قیمت چند سنت تولید شده‌اند!

مجله Les Affaires در مطلبی در زمینه هزینه‌های مربوط به عید با خانمی با نام سابتا وکس از تورنتو مصاحبه کرده است. این خانم جوان که خود مالک شرکت مشاوره‌ای در زمینه روابط عمومی است معتقد است امسال نسبت به سال‌های قبل مخارجش افزایش یافته ولی از سوی دیگر امسال به دنبال واکسینه شدن اعضای خانواده‌اش با تعداد بیشتری از آنان ملاقات خواهد کرد. بنابراین خرید هدیه کریسمس و سال نو با در نظر گرفتن تورم کنونی به چالشی جدی تبدیل شده است. از طرفی با به گوش رسیدن اخبار منفی در مورد نرخ تورم در سال آینده نمی‌داند بهتر است بیشتر برای خود پس‌انداز کند یا می‌تواند مانند گذشته اندکی دست و دلبازی به خرج دهد؟ این تنها خانم وکس نیست که در این زمینه با چالش مواجه شده است. به گفته وی بسیاری از دوستان جوانش که اتفاقا

همگی افرادی حرفه‌ای و تحصیل کرده با سطح درآمد مناسب هستند در زمینه تهیه هدایای شب عید دچار استرس و نگرانی شده‌اند.

در تحقیقی که موسسه Coast Capital Savings Fed- eral Credit Union انجام داده است جوانان بسیاری در این زمینه دچار سردرگمی هستند. در این نظرسنجی مشخص شد حدود شصت و هفت درصد از جوانان بین هجده تا سی و چهار سال معتقدند هزینه‌های مربوط به عید امسال بر برنامه‌ریزی‌های مالی آن‌ها سایه افکنده است. این افراد معتقدند در جشن‌های مربوط به سال نو حدود یکصد تا پانصد دلار بر مخارجشان افزوده می‌شود که اگر این مقدار با تورم موجود هرساله تکرار شود آن‌ها را از برنامه‌ریزی‌های بلندمدتشان مانند پس‌انداز پول پیش برای خرید خانه به عقب خواهد انداخت. بر خلاف آنچه در مورد جمع کردن امتیازها بر کردیت کارت‌ها گفتیم طبقه جوان جامعه باید مراقب باشد که مجموع بدهی‌هایش به موسسات اعتباری از کنترل خارج نشود و از پیش برای برنامه‌های مالی برنامه داشته باشد. به این معنی که به عنوان مثال اگر فردی می‌داند که بودجه امسالش برای ایام سال نو ششصد دلار است هر ماه مبلغ پنجاه دلار برای این منظور پس‌انداز کند. بهتر است برای خرید هدایای سال نو بدون برنامه راهی مراکز خرید نشوید. از پیش تعیین کنید برای هر شخص به چه میزان قصد دارید هدیه بخرید. اگر هدیه‌ای مناسب در حد مبلغ مورد نظر نیافتید بهترین راه خریدن کارت هدیه به همان مبلغ است. با این کار نه تنها بودجه خود را کنترل می‌کنید، بلکه به فرد مورد نظر اجازه می‌دهید با سلیقه خود و آنچه نیاز دارد را خریداری کند.

و در آخر توصیه شخصی من به شما این است که ما پارسی‌زبانان باید مانند نیاکانمان دست و دلباز باشیم و به قول خیام نیشابوری: خوش باش دمی که زندگانی این است! هر آنچه با برنامه‌ریزی یا روش‌های گفته شده در طول سال جمع کردید را برای تفریح و شادی خانواده و دوستانتان خرج کنید. قرار نیست این پول شما را ثروتمند کند. بگذارید پس‌انداز و سرمایه‌گذاری‌هایتان با انتقال پول به شکل منظم و از واریز بخشی از حقوقتان به حساب‌های پس‌انداز بازنشستگی یا سایر حساب‌های معاف از مالیات تامین شود. سال خوشی برایتان آرزومندیم.

منبع: وبسایت شبکه‌های خبری فایننشال پست و مجله Les Affaires



## اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات  
در کوتاه‌ترین زمان  
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



**514-487-6262**

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1  
www.autoshemiran.com



## Panneton & Panneton

Moving & Storage

تخفیف ویژه برای  
هموطنان عزیز  
در نظر گرفته  
شده است.

### خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی



**514 939 0099**  
8660 Jeanne Mance,  
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

## ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

**(514) 225 3500**

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص  
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکت‌ها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس



Iraj Mohammadi  
(514-625-6292)  
CPA Candidate

Mojdeh Miri  
(514-562-3493)  
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd. Montreal, QC H4B 2L9  
http://elanaccounting.ca  
info@elanaccounting.ca



### داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین فاروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا  
برای رفاه و سلامت شما در شرایط کرونا  
www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



مشاوره به پزشک  
ارسلان رایگان دارو  
www.riahipharma.com

1111 Blvd. Dr. Frederic-Phillips, suite 500, St-Laurent  
Postal Code: H4M 2X6  
514 519 3502 514 509 3060  
www.riahipharma.com info@riahipharma.com

- واکیسایون  
ایمن، سریع و آسان
- درمانت نسخه  
از طریق سیستم آنلاین
- مشاوره رایگان  
جهت مشاوره دارو  
الکترونیکی و مشاوره
- دسترسی آنلاین  
به پرونده‌های پزشکی  
و خدمات دارو
- نوشتن نسخه  
به روش دیجیتال و چاپ  
به روش سنتی
- مالکات حضوری  
بهره‌برداری از دارو  
در منطقه باسکیه-مونت‌ریال
- انتقال پرونده  
از طریق سیستم آنلاین

دانش سلامت  
حقوق سلامت







## چرا در مونترال علاقه به داشتن اسلحه بیشتر شده؟ همزمان با سالگرد کشتار دختران در پلی تکنیک

آناستازیا می‌گوید: «اسلحه‌های گرم در محل زندگی ما به وفور یافت می‌شود و هر از گاهی صدای شلیک گلوله آرامش اهالی را به هم می‌ریزد. در این شرایط با خودم می‌گویم چرا من اسلحه نداشته باشم و روش استفاده از آن را بلد نباشم.»

آیا حس ناامنی فزاینده در میان مونترالی‌ها، آن‌ها را به سمت خرید و یادگیری استفاده از اسلحه سوق داده است؟ آیا فرهنگ اسلحه‌های گرم در آمریکا قرار است در کبک نیز گسترش پیدا کند؟ امانوئل که یک شهروند ۳۰ ساله مونترالی و پدر یک خانواده است، چنین نظری ندارد و تمایل شخصی و علاقه به شکار را اصلی‌ترین عاملی می‌داند که او را به خرید اسلحه ترغیب کرده است. با این حال او نیز اذعان می‌کند که داشتن اسلحه و مهارت استفاده از آن به ویژه در شرایطی که خشونت‌های مسلحانه در مونترال رو به افزایش است، به او و خانواده‌اش قوت قلب می‌دهد.

امانوئل و همسرش به زودی به حومه مونترال نقل مکان خواهند کرد. آن‌ها از خیلی وقت پیش چنین برنامه‌ای داشتند اما اذعان می‌کنند که تشدید ناامنی و خشونت در مونترال و نگرانی آن‌ها از امنیت فرزندان‌شان موجب شده است، برنامه تغییر محل زندگی خود را زودتر به اجرا گذارند.

با این حال شماری از ساکنان شمال شرقی مونترال اخیراً تصمیم گرفته‌اند، به رغم قوانین بازدارنده، اسلحه بخرند و استفاده از آن را یاد بگیرند. این افراد که از جوانان گرفته تا مادران در میان آن‌ها دیده می‌شود، مجوز نگهداری اسلحه را دارند یا قصد دارند برای اخذ آن اقدام کنند. اما مشخصات و سوابق آن‌ها به هیچ‌وجه با سوابق مجرمان بدنام مطابقت نمی‌کند.

برخی از این افراد به شرط ناشناس ماندن، با لاپرس مصاحبه کرده‌اند. تقریباً همه آن‌ها می‌دانند که به موجب قانون کانادا، تهیه اسلحه به منظور دفاع از خود ممنوع است و برخی دیگر نیز دوست ندارند که هسایگانشان بفهمند که آن‌ها مجوز اسلحه دارند.

آناستازیا که یک مادر است و به تازگی در سن-لئونارد مستقر شده است، می‌گوید پوکه‌های زیادی را در پارک یا پیاده رو نزدیک خانه‌اش دیده است. او می‌گوید: «وقتی صدای شلیک گلوله را در چند قدمی خانه‌ات می‌شنوی، وحشت همه وجودت را فرا می‌گیرد چرا که می‌دانی هر آن ممکن است یک گلوله سرگردان به تو یا عزیزانت اصابت کند.»

آناستازیا با ژانویه گذشته تصمیم قطعی خود را گرفت و روندهای قانونی اخذ مجوز اسلحه را آغاز کرد. او خوب می‌داند که مطابق با قانون اجازه ندارد به منظور دفاع از خود یک اسلحه کمری تهیه کند.

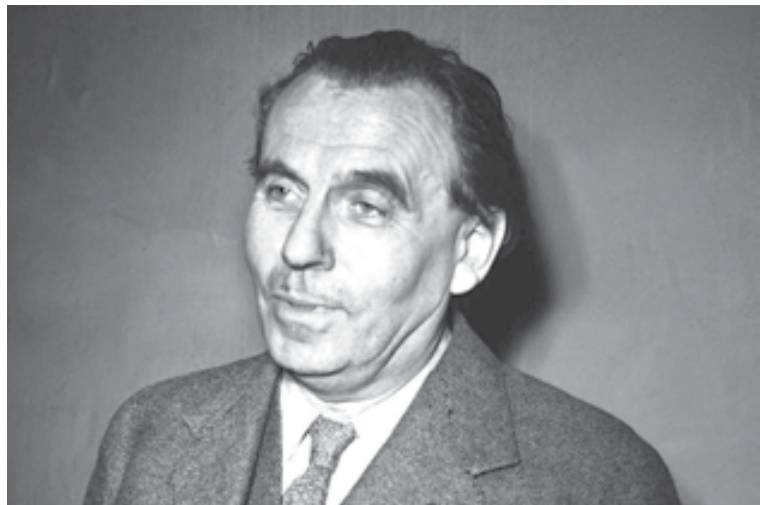
سی و دومین سالگرد کشتار مدرسه پلی تکنیک مونترال امسال برای بازماندگان و شاهدان این ماجرای خونین شاید نسبت به سال‌های گذشته کمی متفاوت باشد چرا که آن‌ها در ماه‌های گذشته در نقاط مختلف کلانشهر مونترال بارها و بارها شاهد تیراندازی‌های بعضاً مرگبار بوده‌اند. در این میان، جمعیت PolySe-Souvient نیز انتقادات خود را از دولت فدرال تشدید کرده و بی‌تحریکی و انفعال اتاوارا در برابر معضل وخیم اسلحه‌های گرم محکوم می‌کند.

به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، ناتالی پرووس که ششم دسامبر سال ۱۹۸۹ شش گلوله به بدنش اصابت کرد اما از آن فاجعه جان به در برد، از شرایط امنیتی فعلی مونترال به هیچ‌وجه رضایت ندارد و معتقد است که امنیت در مونترال نه تنها نسبت به سال ۱۰۸۹ بهتر نشده بلکه حتی بدتر هم شده است.

در آن تیراندازی مرگبار ۱۴ زن صرفاً به خاطر این که زن بودند، جان‌شان را از دست دادند.

افزایش تیراندازی‌ها و حملات مسلحانه خیابانی و متعاقب آن تشدید حس ناامنی در جامعه مونترال شهروندان این کلانشهر را بر آن داشته است تا اسلحه بخرند و نحوه استفاده از آن را یاد بگیرند.

تهیه اسلحه در کانادا با هدف دفاع از خود ممنوع است، قانون کانادا چنین اجازه‌ای را به شهروندان نمی‌دهد.



» لویی فردیناند سلین

## تر پزشکی یک ادیب

### فیلیپ ایگناس سمل ویس در مقاله لویی فردینان سلین

است که در آن روزگاران، پزشکان پیشگیری از تب پس از زایمان را محال می‌دانستند و برای آن علل پوچ و خرافی می‌آوردند. در ماه ژوئیه سال ۱۸۴۶ او رئیس کلینیک بخش زایمان این بیمارستان می‌شود که مدیریت آن بر عهده‌ی پزشکی به نام یوهان کلاین (Johann Klein) است (سلین در تز خود نام این پزشک را به اشتباه کلین می‌نویسد).

مهمترین دلواپسی سمل ویس، نرخ بسیار بالای مرگ و میر زنان در اثر ابتلاء به تب زایمان است و او باید برای آن چاره‌ای بیاندیشد (سلین در تز خود می‌نویسد که ۹۶ درصد زنان در اثر ابتلاء به تب زایمان در این زایشگاه می‌مردند، در حالی که نرخ مرگ و میر زنان باردار در این زایشگاه در سال ۱۸۴۶، ۱۳ درصد بود که در سال ۱۸۴۷ به ۱۸ درصد افزایش یافت). به همین دلیل، بسیاری از زنان ترجیح می‌دادند که به جای زایمان در بیمارستان در خیابان زایمان کنند. طرفه‌تر این که در زایشگاه دوم همین بیمارستان که مدیریت آن را پروفیسور بارتچ (Bartsch) عهده‌دار بود و در آنجا زنان قابله کار می‌کردند، نرخ مرگ و میر زنان باردار در اثر تب زایمان بسیار پایین‌تر (حدود ۳ درصد) بود. سمل ویس به پژوهش‌های سبب‌شناختی (étiologique) درباره‌ی تب نفاسی می‌پردازد و درباره‌ی دلایل نرخ بالای مرگ و میر زنان در زایشگاه اول چندین فرضیه‌ی علمی طرح می‌کند، اما با مشاهده و به تجربه به نادرستی تمامی

سرک می‌کشد و سرآخر شیفته‌ی علم پزشکی می‌شود. یک چند در دانشکده‌ی پزشکی وین، پرآوازه‌ترین دانشکده‌ی پزشکی در اروپای مرکزی آن زمان، درس می‌خواند. هم‌کلاسی‌های اتریشی اش لهجه‌ی آلمانی‌اش را به تمسخر می‌گیرند و او از این بابت سخت می‌رنجد.

سلین درباره‌ی شخصیت سمل ویس می‌نویسد که او در همه چیز، هم به دیگران و هم به خود سخت می‌گرفت و در برقراری روابط اجتماعی دست و پا چلفتی بود. سمل ویس تاب تحمل زندگی در وین را نمی‌آورد و به ناچار به بوداپست باز می‌گردد تا تحصیلات پزشکی‌اش را در زادگاهش به پایان برساند. اما سطح علمی دانشکده‌ی پزشکی بوداپست را بسیار پایین می‌یابد، در سال ۱۸۴۱ باز رهسپار وین می‌شود و تحصیلاتش را در مدرسه‌ی دوم پزشکی وین از سر می‌گیرد. در بهار سال ۱۸۴۴، پس از دفاع از تز خود با عنوان زندگی گیاهان که در آن خواص درمانی گیاهان را شرح می‌دهد، پزشک می‌شود. پس از اخذ مدرک پزشکی، در وین می‌ماند و به مدت دو ماه دوره‌ی آموزش عملی زایمان و مامایی را می‌گذراند و در سال ۱۸۴۶، پس از تکمیل دوره‌ی آموزش جراحی، دستیار پزشک در زایشگاه بیمارستان عمومی وین می‌شود.

سمل ویس، به رغم مخالفت پزشکان مافوق خود، پژوهش و تحقیق درباره‌ی علل پیدایش تب نفاسی را در این زایشگاه آغاز می‌کند. گفتنی

فیلیپ ایگناس سمل ویس (۱۸۱۸ تا ۱۸۶۵) (Philippe Ignace Semmelweis) پزشک بزرگ مجارستانی است که پیش از طرح نظریه‌ی باکتریایی پاستور، به صورت تجربی به کشف فرایند عفونی شدن بدن و راه‌های پیشگیری از ابتلاء به تب نفاسی (تب پس از زایمان) نائل آمد. دکتر لویی فردینان دتوش (با نام ادبی سلین)، نویسنده‌ی نامدار و صاحب سبک فرانسوی، تز پزشکی خود را درباره‌ی زندگی و کارهای سمل ویس نوشت.

سمل ویس در روز یکم ماه ژوئیه سال ۱۸۱۸ در محله‌ی قدیمی و تجاری شهر بوداپست چشم به جهان گشود. او فرزند پنجم یک خانواده‌ی پرجمعیت بوداپستی بود. پدر و مادرش که دارای هشت فرزند بودند در بوداپست مغازه‌ی بقالی داشتند و از این راه روزگار می‌گذراندند. سمل ویس تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در زادگاهش به پایان رساند و سپس به دانشگاه پست (Pest) رفت و در رشته‌ی حقوق به تحصیل پرداخت و لیسانس حقوق خود را از این دانشگاه اخذ کرد. او در پاییز سال ۱۸۳۷، به خواست پدر راهی وین می‌شود تا در دانشکده‌ی حقوق آنجا تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی علم حقوق پی گیرد و وکیل شود و آرزوی دیرینه‌ی پدر را برآورده سازد. خیلی زود اما، از ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی حقوق زده می‌شود، تحصیلاتش را نیمه‌کاره رها می‌کند، به دانشکده‌های دیگر

پایان سال ۱۹۲۳ آغاز می‌کند و ماه‌های نخستین سال ۱۹۲۴ را وقف نگارش تز خود می‌کند. او در حین پژوهش، سخت مجذوب سمل‌ویس می‌شود و از خلال سرگذشت و سرنوشت تراژیک او به حماقت و خباثت بی حد و مرز آدمی و فراتر از آن به پوچی تاریخ و هست و بود بشری پی می‌برد. در این تز، سلین جوان از یک سو می‌خواهد غبار غفلت و فراموشی را از چهره‌ی پزشکی فرهیخته و وارسته بزدايد که با پشتکار فراوان و پژوهش‌های روشمند به کشف بسیار بزرگی برای نجات جان بشریت نائل آمد، و از سوی دیگر بر آن است تا پزشکان، استادان و همکاران سمل‌ویس را رسوا کند، همان «دستیاران اجل» و عالی‌جنابان مرگ را که با سماجت در حماقت، تنگ‌نظری، حسادت و فرومایگی از پذیرفتن این کشف بزرگ طفره رفتند و او را به جنون و خودکشی کشاندند. سلین برای نیل به این مهم، به جای شرح حقیقت و درج وقایع، اسناد و داده‌های علمی و تاریخی را خودخواسته و هدفمند دستکاری می‌کند و با تخیل خویش در هم می‌آمیزد و زندگی‌نامه‌ای می‌نویسد که پر از شاخ و برگ‌های حماسی و افسانه‌ای، آمارهای ساختگی، اغراق‌های ادبی، استعاره‌ها و دیگر صنایع بلاغی و جلوه‌های سخنوری سنتی است. وانگهی در جای جای تز سلین نگاه شوپنهاوری به زندگی و سرنوشت آدمی موج می‌زند. سلین در یکم ماه مه سال ۱۹۲۴ با اخذ درجه‌ی «بسیار خوب» از تز خود دفاع کرد. پس از پایان جلسه‌ی دفاع، پروفیسور برندو، استاد راهنمای سلین، به یکی از همکارانش گفت: «این پسر برای نوشتن ساخته شده است». در ماه ژوئن سال ۱۹۲۴، سلین چکیده‌ای از تز خود را با عنوان «واپسین روزهای سمل‌ویس» در مجله‌ی تخصصی لا پرس مدیکال (la Presse médicale) منتشر کرد. پس از انتشار چکیده‌ی تز سلین، یکی از سمل‌ویس‌شناسان مجارستانی و استاد دانشگاه بوداپست، در شماره‌ی ماه سپتامبر همین مجله به این مقاله پاسخ داد و پس از ستودن از قلم پرشور دکتر لویی فردینان دتوش، آمارهای اغراق‌آمیز، داده‌های تاریخی اشتباه و سیاه‌نمایی‌های موجود در آن را آشکار نمود. فرانسوا ژیبو (François Gibault)، یکی از سرشناس‌ترین زندگی‌نامه‌نویسان سلین، به درستی می‌نویسد: «پس لویی دتوش با چشمان لویی فردینان سلین به زندگی سمل‌ویس نگریسته بود». هانری گودار (Henri Godard)، سلین‌شناس بزرگ فرانسوی، هم به نکته‌ی مهمی درباره‌ی این تز اشاره می‌کند: «سمل‌ویس اثر ادبی است، اما هنوز سلینی نیست».

و روش‌های پیشگیرانه‌ی خود را به کار می‌بندد. درباره‌ی سماجت پزشکان آن زمان در رد نظریه‌های او افسانه‌ها ساخته‌اند و نوشته‌اند که همکارانش، بیماران تحت مراقب او را عمداً دچار عفونت می‌کردند تا نادرستی نظریه‌های او را ثابت کنند. او از این کار سخت برآشفته می‌شود و همکاران خود را قاتل می‌خواند. سلین در تز خود ادعا می‌کند که سمل‌ویس برای رسوا کردن همکاران خود اعلامیه‌هایی به دیوار شهر می‌چسباند. سمل‌ویس سرانجام به جنون دچار می‌شود و در تیمارستانی بستری می‌گردد. افسانه‌هایی درباره‌ی واپسین روزها و مرگ این پزشک نفرین‌زده ساخته‌اند؛ نقل چکیده‌ی از روایت افسانه‌ای سلین از واپسین روزهای او خالی از لطف نیست: پس از آن که وضعیت روحی و روانی سمل‌ویس در تیمارستان اندکی بهتر شد، به او اجازه داده می‌شود که برای هواخوری در شهر قدم بزند. در یکی از این پرسه‌زنی‌های بی مقصد و بی مقصود، گذرش به آمفی‌تئاتر دانشکده‌ی پزشکی بوداپست می‌خورد، داخل اتاق کالبدشکافی می‌شود، چشمش به جسدی خوابانده بر روی سنگ مرمر می‌افتد، چاقوی جراحی را بر می‌دارد، حلقه‌ی دانشجویان دور جسد را به کناری می‌زند، بر جسد خراشی می‌اندازد و با همان چاقوی آلوده خودزنی می‌کند، آنگاه فریادکشان شروع به تهدید می‌کند. دانشجویان چاقوی جراحی را از دست او می‌گیرند، اما کار از کار گذشته است. استاد پیشین و حامی او، ژوزف اسکودا (Joseph Skoda)، او را به وین باز می‌گرداند و در تیمارستان بستری می‌کند، اما زخمش عفونی می‌شود و سرانجام در شانزدهم ماه اوت سال ۱۸۶۵ با دردی جانکاه جان می‌سپارد. هر زمان افسانه‌ای به دست کیمیایگر زبان با افسون کلام قلم‌بند شود، روزگاران را در می‌نوردد و در تاریخ جاودان می‌شود. چنین است افسانه‌ی مرگ سمل‌ویس به قلم سلین. سلین به پیشنهاد استاد راهنمایش، پروفیسور برندو (Brindeau) و همچنین پروفیسور فوله (Follet)، پدر زنش که استاد دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه شهر رن بود، شرح زندگی سمل‌ویس را به عنوان موضوع تز خود انتخاب می‌کند. شاید انتخاب سرگذشت یک پزشک به عنوان موضوع تز عجیب به نظر آید، اما انتخاب‌های از این دست در دانشکده‌های پزشکی مرسوم است و گفتنی است که زندگی خود سلین و حرفه‌ی پزشکی‌اش تاکنون موضوع تز چندین پزشک جوان فرانسوی بوده است. سلین تحقیق درباره‌ی زندگی سمل‌ویس را در

فرضیه‌های خود پی می‌برد. مرگ ناگهانی یکی از دوستان و همکارانش به نام یاکوب کولچکا (Jakob Kolletschka)، استاد آناتومی در دانشگاه وین، در هنگام کالبدشکافی حس کنجکاو و پرسایی او را بر می‌انگیزاند. در واقع، دوست و همکارش در هنگام کالبدشکافی و تشریح جسد برای دانشجویان، به طور تصادفی انگشت دست خود را با چاقوی جراحی می‌برد و در اثر عفونی شدن زخم می‌میرد. سمل‌ویس بی‌درنگ بین مرگ دوستش با مرگ زنان پس از زایمان ربطی می‌یابد و چنین استنتاج می‌کند: دست‌های دانشجویان در هنگام کالبدشکافی، به «ذرات کشنده‌ی جسد» آلوده می‌شود و آنان این ذرات کشنده را وارد اندام تناسلی زنان باردار می‌کنند و باعث مرگ آنان می‌شوند. یادآور شویم که در آن زمان نظریه‌ی آلودگی‌ها و بیماری‌های میکروبی هنوز کشف و شناخته نشده بود و به همین دلیل سمل‌ویس اصطلاح «ذرات کشنده‌ی جسد» را به کار می‌برد. او این راهکار پیشگیرانه را پیشنهاد می‌کند: همه‌ی دانشجویان باید پس از بیرون آمدن از اتاق کالبدشکافی، دستان خود را با شستن در محلول کلرید آهک، گندزدایی (عفونت‌زدایی) کنند و آنگاه به اتاق زایمان بروند. با کاربست این روش پیشگیرانه، نرخ مرگ و میر زنان در اثر تب نفاسی ابتدا به دو و نیم درصد و اندکی بعد به صفر کاهش می‌یابد. بدین‌سان، سمل‌ویس بنیان‌گذار علم پیشگیری و از پیشگامان عفونت‌زدایی در پزشکی می‌شود. اما به رغم نتایج شگفت‌انگیز به دست آمده، هیچ کس در وین نمی‌خواهد روش درمانی او را باور کند و به کار بندد. او به بزرگ‌ترین استادان دانشگاه‌های سراسر اروپا نامه می‌نویسد و یافته‌های خود را برای آنان تشریح می‌کند، اما دریغ از یک پاسخ. وانگهی دانشجویان پزشکی بیمارستان وین، شست و شوی دست‌های خود را عملی تحقیرآمیز و عبث می‌پندارند و از تن دادن به این کار طفره می‌رفتند. سمل‌ویس به در بسته می‌خورد و هیچ گوش شنوایی نمی‌یابد. دانشجویان و استادان و همکاران برایش پاپوش می‌سازند و دسیسه می‌چینند و او را از شهر وین می‌کوچانند. او به ناچار به زادگاهش، بوداپست باز می‌گردد و می‌کوشد با شب نشینی و خوش‌گذرانی غم ایام را به فراموشی سپارد، اما سرآخر سرخورده می‌شود و زندگی درویشانه را در پیش می‌گیرد. با همه‌ی دل‌افسردگی، در یکی از زایشگاه‌های شهر بوداپست به کار می‌پردازد و پس از چندی مدیریت آنجا را برعهده می‌گیرد





الهام گرامی،  
دکترای روان‌شناسی



## تفاوت اعتماد به نفس و عزت نفس در چیست؟



- روشن بودن اینکه چه می‌خواهند و چه کاری باید انجام دهند  
- توانایی گفتن بله و خیر هنگامی که می‌خواهند  
- توانایی تعریف و هدایت خود  
- مرزبندی درست بین خود و دیگران  
- قابلیت تجربه لذت‌های مختلف  
- پذیرش کمبودها و نواقص خود و ارزیابی واقع‌بینانه از خود  
- پذیرش مهارت‌ها و صلاحیت‌ها  
- پذیرش احساسات و هیجانات  
- احساس ارزشمندی نسبت به خود بدون در نظر گرفتن ظاهر، ثروت، وضعیت یا روابط  
- عدم اتکا و وابستگی به مواد مخدر

### افرادی که اعتماد به نفس بالا دارند از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

- تمایل به انجام کارهای جدید، ایجاد فرصت‌ها و ریسک‌پذیری  
- تمایل به شایسته به نظر رسیدن و کنترل شرایط چالش‌ها  
- اعتماد زیاد به توانایی‌ها و مهارت‌های خود  
- انتقادپذیری  
- توانایی تصمیم‌گیری و پذیرش مسئولیت و عواقب آن  
- پذیرش شکست  
- سازگاری و انعطاف‌پذیری در شرایط جدید

درباره نویسنده

الهام گرامی دکترای روان‌شناسی، مشاور و مدرس مهارت‌های زندگی در حوزه کودک، نوجوان و خانواده است.

بالایی برخوردار نیستند. اعتماد به نفس به باور فرد در مورد انجام کاری خاص یا دستیابی به هدفی دلخواه اشاره دارد و در خصوصاتی مانند پذیرش و رویارویی با چالش‌ها، مسئولیت‌ها و فرصت‌های جدید نمود می‌یابد، حال آنکه عزت نفس یعنی ارزیابی احساس خودارزشی و از تجارب مثبت زندگی بخصوص در سالهای کودکی نشئت می‌گیرد و خصوصاتی مانند انعطاف‌پذیری، جسارت و احترام به خود و دیگران را در پی دارد.

اعتماد به نفس در واقع یکی از عناصر سازنده عزت نفس است و این دو می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. اعتماد به نفس باعث تجربیات موفقیت‌آمیز می‌شود که اعتماد ما را در آن تجربه و امور افزایش می‌دهد.

اکثر مردم به جای کار بر روی عزت‌نفسشان، بر اعتماد به نفس خود تکیه می‌کنند که به آن‌ها شادی و موفقیت لحظه‌ای می‌دهد. آن‌ها به جای مواجه شدن با چالش‌ها و مشکلات، پشت مهارت‌ها و توانایی‌هایشان پنهان می‌شوند، ولی مشکل زمانی ایجاد می‌شود که تنها زمانی احساس موفقیت و رضایت می‌کنند که همه چیز عالی پیش برود و در غیر این صورت عزت‌نفسشان خدشه‌دار می‌شود. افراد معمولاً اعتماد به نفس خود را راحت‌تر از عزت‌نفسشان می‌سازند. آن‌ها با لیستی از توانایی‌ها و دستاوردهای خود با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و در زمان مواجه شدن با نواقص و مشکلات و شکست‌ها، پشت مدارک و جوایز خود پنهان می‌شوند. به همین خاطر است که انسان‌ها بیشتر اعتماد به نفس بهتری دارند تا عزت نفس و خود ارزشمندی.

### کسانی که عزت نفس سالمی دارند از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

- ارزیابی و مدیریت درست زمان و وقت

عزت نفس به معنای ارج و قرب و ارزش گذاری است. اینکه چه تصویری از خود داریم و چگونه خود را ارزیابی می‌کنیم. عزت نفس به طرز فکر، احساس و رفتار افراد در ارتباط با خودشان و دیگران برمی‌گردد و ریشه در تجارب زندگی در سنین کودکی و نوجوانی دارد. این تجارب، تعیین‌کننده احساس خودارزشمندی فرد در طول زندگی به شمار می‌روند. عزت نفس در رابطه با این است که چه احساسی نسبت به خود داریم و برای توانایی‌های خود چقدر ارزش قائل هستیم. عزت نفس به افراد فشار می‌آورد که بیشتر یاد بگیرند و به دنبال فرصت‌های جدید و ارتباط مناسب با دیگران باشند. افرادی که عزت نفس بالایی دارند از آنچه هستند و انجام می‌دهند، راضی و خشنودند. عوامل خارجی مانند پست و مقام یا درآمد بالا در افزایش عزت نفس این افراد تأثیری ندارد. این افراد در سختی‌ها و مشکلات خود را سریع نمی‌بازند و سعی می‌کنند خود را جمع‌وجور کرده و حل مسئله کنند. عزت نفس بنیادی‌تر و ریشه‌ای‌تر از اعتماد به نفس است و شرایط کلی فرد با ویژگی‌ها، رفتارها، افکار و احساساتش در مورد خود را شامل می‌شود.

اعتماد به نفس یعنی تحقق هدف یا کاری خاص با ایجاد توانمندی‌ها و باور و اطمینان به خود برای انجام آن کار.

در مورد اعتماد به نفس می‌توان گفت افرادی که در حوزه خاصی به مهارت و تخصص دست می‌یابند، در همان حوزه از اعتماد به نفس بالایی برخوردار هستند؛ بنابراین بهتر است همیشه جملاتمان را به شکل «اعتماد به نفس من در فلان کار بالا یا پایین است» بیان کنیم. به عنوان مثال من اعتماد به نفس بالایی در سخنرانی دارم و یا من اعتماد به نفس خوبی برای آشپزی دارم.

افراد دارای اعتماد به نفس بالا لزوماً از عزت نفس

**JACK VICTOR**  
 1290 Saint-Alexandre, Montreal, H3B 3H6  
 HR@jackvictor.com 514-866-4891  
 Nous Embauchons

**توجه** شرکت جک ویکتور، تولید کننده اصلی لباس های مردانه **استخدام می کند:**

- درآمد خوب
- امتیازات و شرایط عالی کاری
- دائمی، تمام وقت و یا پاره وقت
- محل کار در مرکز شهر مونترال

**ما نیاز داریم:**

- نیروی کار جنرال
- لبازکن
- ایرانور دستگاه برش
- ایرانور دستگاه خنک کن
- تجربه کاری ضروری نیست

**استاد شیدا قره چه داغی**  
**اهنگساز پیانیست**

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد  
 جهت آماده شدن برای امتحان های  
 دانشکده ها یا مدارس عالی  
 موسیقی و کنسرت

**514 484 8748**  
**sheida.g@hotmail.com**

**صابر جلیل زاده**

**آموزش سنتور**

ابتدایی  
 مقدماتی  
 ردیف

**saberjallizadeh@yahoo.ca** **514-549-4697**

گزارش

مقاله

آرمان







## فخریه رضایی، جوان فعال مونتریالی در گفت‌وگو با هفته: نباید ریشه‌هایم را فراموش کنم

من به‌صورت حرفه‌ای در زمینه خدمات مشتری، مدیریت و منابع انسانی تجربه دارم. من تخصص در منابع انسانی را انتخاب می‌کنم زیرا نقطه قوت من ارتباطات و روابط انسانی است و واقعاً دوست دارم با مردم در ارتباط باشم. بالین‌حال، من نیز کارآفرینی را دوست دارم و دوست دارم روزی کسب‌وکار خودم را داشته باشم. اگرچه داشتن یک فرد پرشور چالش‌های خود را دارد، اما در مجموع، به من انگیزه می‌دهد تا رؤیاهایم را دنبال کنم، حتی اگر گاهی اوقات این رؤیاهایم در تضاد با نحوه زندگی فرد جامعه باشد.

**با جامعه افغان‌ها تا چه حد در تماس استید؟ و کرونا چقدر بالای روابطتان تاثیر گذاشته است؟**

من به صورت داوطلبانه در جامعه افغان‌های مونتریا مشارکت زیاد دارم و در اینجا جوامع خاصی از افغان وجود دارد و من سعی می‌کنم در اکثر آن‌ها شرکت کنم. من رویدادهای

و ساکن شهر بروسارد استم. من در افغانستان به دنیا آمدم اما در هفت سالگی آنجا را ترک کردم. من در رشته منابع انسانی درس خوانده‌ام و حرفه‌ام مشاور منابع انسانی است و در حال حاضر برای مدرک کارشناسی در حال تحصیل در رشته مدیریت سازمانی نیز هستم. ۱۸ سال پیش از طریق پاکستان وارد مونتریا شدم و مونتریا را برای زندگی انتخاب کردم چون عمه و برادرانم همه در اینجا بودند و آن‌ها ما را اسپانسر کردند. خوشبختانه، من با تمام اعضای خانواده‌ام و همچنین بستگانم در اینجا زندگی می‌کنیم.

**شما گفتید که در بخش منابع انسانی تحصیل کرده‌اید در این بخش چقدر تجربه کاری دارید و بیشتر کارتان چی است و در محل کارتان خود را چقدر مصون احساس می‌کنید یعنی از کارتان راضی استید و یا خیر؟**

احساس وطن‌دوستی و محبت به هم‌نسل؛ در ریشه‌های هر افغان جا دارد. تحولات اخیر در افغانستان نه‌تنها مردم ما را بلکه هر افغان و نسل جوان را که با گذشته‌هایشان در ارتباطاند در هر گوشه‌وکنار دنیا متأثر ساخت. از این میان فخریه رضایی جوانی که برای غنای فرهنگی‌اش می‌کوشد و فعالیت‌های اجتماعی بی‌شمار دارد و در تلاش کمک به مردم افغانستان است را در این شماره هفته با خود داریم و در گفت‌وگو با او می‌گشایم.

**لطف کرده درباره خودتان بگویید که از چی زمانی به کانادا آمدید و چطور و چگونه کانادا (مونتریا) را برای زندگی انتخاب کردید؟**

ابتدا از شما تشکر می‌کنم که این فرصت را به من افتخار بخشید تا با مجله‌تان مصاحبه کنم. اسم من فخریه و تخلص فامیلی ما رضایی است

فرهنگی خاص را به صورت مستقل و یا مشترک در مناسبت‌هایی مانند نوروز، عید و روز استقلال کشور برنامه‌ریزی و برگزار می‌کنم. من همچنین نایب رئیس هیئت فرهنگی و هنری جامعه اسماعیلیان مونتریا بودم و در آنجا رویدادهای فرهنگی مردم خود را با شور و شغف فراوان برگزار می‌کردیم و با هیئت رهبری و کارنامه‌های دیگر مانند نمونه کار بانوان، جوانان و ورزشکاران و غیره همکاری داشتیم. فعلاً سعی می‌کنیم تا بیشتر در این زمینه کار و فعالیت داشته باشیم و راه‌هایی را برای کمک به مردم ما که در افغانستان گیر کرده‌اند بیابیم. اگر چه همه تصمیم‌های مهاجرتی و کمکی در دست دولت فدرال و ولایت کیبک است، اما قدرت در دست ما و مردم است. ما تمام تلاش خود را می‌کنیم و امیدوارم در این زمینه موفق باشیم. علاوه بر این، من ترجیح می‌دهم تا در بیشتر از یک سازمان مشارکت کنم، زیرا کمک کردن به افراد مختلف خیلی زیباست و به انسان انرژی مثبت می‌دهد و این تجربه در شناخت عمیق افراد و ایجاد ارتباطات طولانی‌مدت موثر است. گاهی اوقات ممکن است به دلیل دیدگاه‌های مختلف مذهبی، سیاسی یا اجتماعی دشوار شود، اما بخش مهم این است که به یکدیگر احترام بگذاریم و از یکدیگر یاد بگیریم. اما این بیماری همه‌گیر کرونا جوامع افغان را تحت تأثیر قرار داد زیرا ملاقات

من همچنین نایب رئیس هیئت فرهنگی و هنری جامعه اسماعیلیان مونتریا بودم و در آنجا رویدادهای فرهنگی مردم خود را با شور و شغف فراوان برگزار می‌کردیم و با هیئت رهبری و کارنامه‌های دیگر مانند نمونه کار بانوان، جوانان و ورزشکاران و غیره همکاری داشتیم.

حضور برای کنفرانس‌ها چندان امکان‌پذیر نیست. علیرغم اینکه به صورت مجازی ادامه می‌دهیم اما همیشه متوجه می‌شوم که جلسات حضوری سازنده‌تراند.

**شما که جوان پرتلاش استید و در کارهای اجتماعی بیشتر سهم می‌گیرید. به دیگر افغان‌ها و کسانی که با اجتماع و با مردم خود کمتر به تماس است چی گفتنی دارید؟**

چون در زندگی هرکس حق انتخاب دارد و خودش تصمیم می‌گیرد و آن عده از افغان‌هایی که کمتر درگیر اجتماع‌شان هستند ممکن است دلایل خاص خود را داشته باشند و باید به نحوه برخورد آن احترام گذاشت. نکته‌ای که می‌خواهم اضافه کنم این است که مخصوصاً جوانان ما نباید ریشه‌های خود را فراموش کنند زیرا ما فرهنگ زیبا و سازنده داریم و تمایز قائل هستیم اما برخی از افراط‌گرایی که به ما تحمیل شده شاید کلید اصلی آن باشد. اگر اکثریت جوانان ما ریشه‌های خود را فراموش کنند، در آن صورت بین آن‌ها و کسانی که هنوز در افغانستان هستند، دیدگاه‌های مغرضانه وجود خواهد داشت. من واقعاً مردم ما را تشویق می‌کنم که پیوندهای خود را از درون خانواده‌شان در مورد افغانستان تقویت کنند و سپس با دید باز به دنبال دانش در جوامع افغان باشند. اجازه ندهید دیدگاه‌های غیر متقابل کسی بر مشارکت شما تأثیر بگذارد. از دید من عمل همیشه اهمیت بیشتر دارد.

**شرایط ناگوار افغانستان چقدر اذیت‌تان می‌کند و بیشتر در افغانستان تشویش‌کی‌ها و چی را دارید؟ و اینکه از طریق رسانه‌ها می‌شنوید که زنان و دختران هم سن و سال‌تان حق تحصیل و کار را ندارند چی احساس می‌کنید؟**

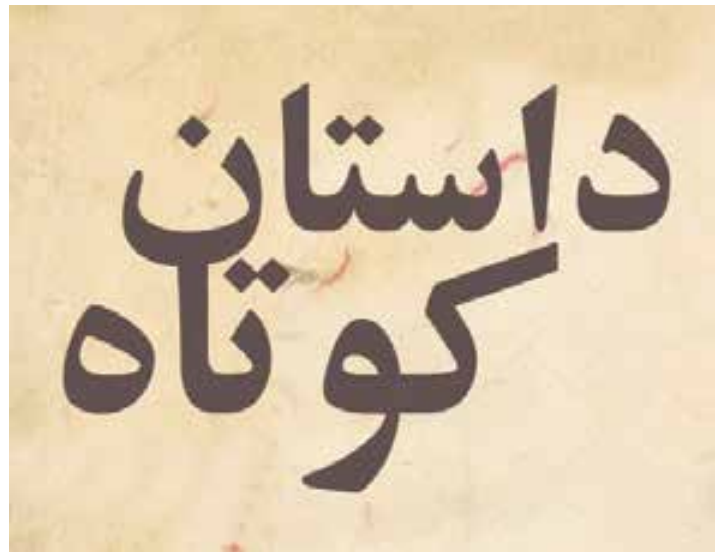
راستش را بخواهید، وضعیت افغانستان به یک شکل نه یک شکل بر همه ما تأثیر می‌گذارد. وقتی همه چیزی افغانستان به یکبارگی و به سرعت از بین رفت شخصاً خودم ویران شدم. من هنوز نگران هستم و حتی در یک مقطع زمانی مجبور شدم تا چند روزی از شبکه‌های اجتماعی دور باشم تا دوباره قدرتم را بدست بیاورم. می‌دانم که گریه کردن فایده‌ای ندارد،

«ما نباید ریشه‌های خود را فراموش کنیم، فرهنگ ما زیبا و سازنده است»  
«وقتی پیشرفت‌های افغانستان به یکبارگی از بین رفت شخصاً ویران شدم.»

اما بارها گریه کردم، زیرا با وجود انجام کاری در اینجا، احساس کمتری داشتم. من برای همه به خصوص برای زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی ناراحتم. آن‌ها در حال حاضر بیشتر در معرض خطر هستند. به عنوان یک زن، من معتقدم که زنان افغان یکی از شجاع‌ترین زنان جهان‌اند. دیدن تظاهرات آن‌ها در خیابان‌ها با وجود خطرهای که زندگی‌شان را تهدید می‌کند برایم دلگرم‌کننده است. اگر حقوق آن‌ها سلب شود، فکر نمی‌کنم افغانستان دوباره آباد شود. سهم زنان افغان در جامعه نباید نادیده گرفته شود. علاوه بر این، بزرگ‌ترین نگرانی برای همه ما آینده افغانستان است و ما در لبه یک صخره ایستاده‌ایم و نمی‌دانیم که اوضاع در چند سال آینده چگونه خواهد شد.

**اگر در اخیر کدام گفتنی خاص به مردم افغانستان و یا جوانان افغانستان دارید هفته در اختیار شماست.**

در پایان این مصاحبه، به سادگی اضافه می‌کنم که افغان‌ها باید اختلافات قومی و مذهبی خود را کنار بگذارند و دست به دست هم بدهند. اگر چه در این چند سال اخیر شاهد پیشرفت‌های زیادی از جوانان و مردم افغانستان در مونتریا بودیم اما به آن نباید اکتفا کرد. باید بیشتر و بیشتر فعالیت داشته باشیم. می‌خواهم از همین طریق از خانواده، دوستان و آشنایانم که همیشه مرا در پروژه‌های داوطلبانه تشویق می‌کنند تشکری کنم زیرا حمایت آن‌ها برایم بسیار ارزشمند است و همچنان یکبار دیگر از شما سپاسگزارم که با هفته مرا معرفی کردید.



## زن اسیر و مردان حریص

بخش یک از دو بخش

بید می‌لرزید کشیده صدرو را با نگاهی ملامت‌آمیز و رانداز کرد. صدرو که با حرص و ولع بی‌شرمانه‌تر چشمکی زد و گفت:

چرا نامش را از خود این مجسمه‌ای خوش‌تراش نمی‌پرسی؟ سمیرا چون مادر مهربانی دختر را به خود فشرده و پرسید: نامت چیست؟ دختر با صدای که از تنگنای گلوی پرعده‌اش بیرون می‌شد، آهسته گفت:

خاطره. سمیرا نام خاطره را تکرار نمود و به‌طرف صدرو چشمکی زد که دهان صدرو تا بنا گوشش باز شد و اتاق را ترک کرد. سمیرا خاطره را به آرامش رسانده پرسید:

بگو، این لعنتی‌ها ترا از کجا قاپیده‌اند؟ خاطره گفت:

در راه می‌رفتم که موتری به سرعت کنارم ایستاد و دو مرد قوی‌هیکل مرا به عقب سیت انداختند، دستمالی مقابل بینی‌ام گرفت که نفهمیدم چی شد. دو شب و دو روز در یک جایی دیگر بودم و امروز با چشمان بسته اینجا آوردم. سمیرا آه طولانی کشید و آهسته با خودش گفت؛ لعنت خدا بر این خفاشان بی‌وجدان. مرا هم. با چشمان اشک‌بار کنار خاطره نشست و گفت:

ما در منطقه‌ای به نام حاجی کمپ در همین شهر مملو از فساد زندگی می‌کردیم. پیدا کردن هزینه‌ای زندگی آسان نبود. از کرایه و ادوانس

دیار ناشناس خیلی سخت و دشوار است؛ هرآن زمینه‌ساز سقوط در لجنزار بی‌آبروی و طعمه‌ای آماده برای شکارچیان فرصت‌طلب ...

سمیرا با گلوی پرعده و چشمان نمناک وارد کلبه‌ای تنک و تاریک خفاشان شد. پول عواید خود را به فاروق داد و با بی‌حوصلگی گفت: بگذار سرم‌رگم را گذاشته، لحظه آرام بخوابم، شاید مادرم را در خواب ببینم. فاروق با تمسخر گفت: به همین خیال خام بخواب و دیگر برنخیز!

وقتی وارد اتاقش شد با تعجب دید که دختر زیبایی که طنزهای خاصی داشت در رخت خوابش لمیده است. با دیدن وی دهانش باز ماند و محو تماشای چشمان شهلا، بدن موزون، موهای سیاه موج و مجعد، لباس‌های شیک و مد روز وی شد. لحظه‌ای نگذشته بود که صدرو سر دسته‌ای آن ویران شده وارد اتاق شد. دختر به‌شدت از جا پرید و عقب سمیرا پناه بُرد. سمیرا نگاه خشمگینی به صدرو نمود و پرسید:

این بیچاره را از کجا صید کرده‌اید و نامش چیست؟ صدرو با دندان‌ها برآمده، چشمان ریزریز و لب‌های کلفت و بزرگ خود ژست به‌خصوصی گرفت که بدن چاق و گوشت‌آلودش مانند خیکی تکان خورد. نگاهی حریصانه به خاطره انداخت و لمب‌هایش را لیسید که نفرت سمیرا و زن تازه‌وارد را بر انگیخت. سمیرا دستی به سر دختر که همچو

بدن ورم کرده سمیرا چوکی کنار درایور بس‌های تیز رفتار پیشاور را پر کرده بود و جایی دیگر برای راکبین ایستاده پا بس نمانده بود. سمیرا احساس دل‌تنگی می‌کرد. تنها عضوی از بدنش که آزادانه این‌طرف و آن‌طرف سیر می‌نمود، چشمان خواب‌آلود و خسته‌اش بود که به جستجوی مادرش بود. وی تمام راکبین موت‌را می‌پایید؛ دلش برای چشمان حیرت‌زده و غم‌انگیز برادرش تنگ شده بود. سه روز بود که آن‌ها را ندیده بود و تنها به‌دور خود تکه می‌پیچاند و در مسیر کارخانه و بازار صدر رفت‌وآمد می‌کرد. در همان حالت تجسس و مایوسیت پرنده‌ای چشمان دیده به راهش به مرد کارگری افتاد که عرق‌ریزان مواد ساختمانی را به فرق سرش بالای بام حمل می‌کرد. زیر لب گفت: ای کاش جنگ‌های تنظمی زندگی ما مهاجرین افغان را در کشورهای هم‌جوار ایران و پاکستان جاری نمی‌ساخت تا زندگی را برای هریک ما جام زهرآگینی نمی‌ساخت. آن‌هم زهری که قورت دادن و بیرون ریختن آن همسان گلوی هر یک ما را خفه می‌کند.

ای خدا! چقدر زندگی مملو از مشقت شده که مهاجرین بیچاره‌ای افغان شب و روزشان را با سیاهی و تیرگی می‌گذرانند. هریکشان حالت بدتر از من دارند. ولی ممکن مانند من جامعه‌ای عفت از تن بیرون نکرده باشند. نان پیدا کردن در



خانه گرفته تا تحویلی بل برق و گاز و خوراک و پوشاک و بارهای سنگین اقتصادی دیگر که بر شانه‌های ما گرانی می‌کرد و کمر همت ما را خم کرده بود. برادر کوچکم که صرف ده سال داشت در کارخانه‌ای قالی‌بافی کار می‌کرد و من معلم یکی از مکاتب شخصی مهاجرین افغان بودم.

یک روز طبق معمول با شتاب از خانه برآمدم و بعد از طی مسافتی به سرک عمومی یعنی به اصطلاح سرک موتررو رسیدم و منتظر بس ایستادم. بار، بار به ساعت بند دستی‌ام نگاه می‌کردم و از چشم‌های دیده‌ای مردان چشم سرمه و نصور به دهنی که در بازار حاجی کمپ دکان داشتند و یا کسبه کار بودند درامان نبودم. گوشت‌های حساس زناهم با نگاه‌های هوس‌ناک آن‌ها آب می‌شد و عذاب می‌کشیدم. غافل از آنکه آن روز از جمله‌ای نادرات بود که بس‌های شهری نیاید و ناچار شوم آهسته‌آهسته پای پیاده به سمت سرک عمومی حرکت نمایم. یقین داشتم که سر صنف درسی ساعت اولم حاضر شده نمی‌توانستم. با آن هم به سرعت راه می‌رفتم که هجومی از مردان با شعارهای مختلف مقابلم سبز شدند که پاهایم سستی کرد. یادم آمد که معلمین می‌گفتند:

اکثر اوقات مظاهرات (ارتال) پاکستانی‌ها منجر به زدوخورده شده و به پیاده روها نیز صدمه می‌رسانند، بر دکاکین حمله‌ور می‌شوند و نظم جامعه را بر هم می‌زنند. بنا بر عادت زنان پشاور با چادرم روی خویش را پوشانده و در کنار سرک ایستادم. با سقلمه و متلک‌های مردان چشم سفید دیگر کنار نیامده بودم که با فشار سیلی از مردان به طرف خط ریل کشانده شدم و مسیرم تغییر کرد. صدای معلمی که سرگذشتش را قصه می‌کرد، در گوش‌هایم طنین انداخت. «هوش کنید از راه خط ریل تا بهار کالونی نیاید که در وسط آن راه جنگلی است که لانه‌ای خراب‌کاران و قاچاق‌بران می‌باشد.» مو بر اندامم راست شد. هرچند تلاش نمودم که خودم را به سرک عمومی رینگ رود رسانده، سوار بس شوم هجوم مردم مانع شد. یا شاید دست تقدیر جلوم را گرفته بود و مرا به زور به سمتی می‌کشاند. پیشانی ترش سر معلم مقابل چشمانم ظاهر می‌گردید که به غضب می‌گفت: «سر از فردا اخراجی و دیگر نیایی!»

ناچار به استقامت همان خط ریل که همانند ماری در میان خانه‌ها و زمین‌های زراعتی خوابیده بود، حرکت کردم. دلم در تکان بود و حرف‌های معلم معروفه جان هر آن به ذهنم تکرار می‌شد: «من یک روز نافهمیده در آن راه می‌رفتم که مردی از

میان جنگل‌های کنار خط بیرون شد و برایم گفت: «از برای خدا دیگر در این راه تنها نیایی.» خون در بدنم منجمد شد و تصور اینکه دختر خوردم بار بار از همین راه می‌آمد، بدنم را به ارتعاش در آورد. با عجله‌ای هرچه تمام‌تر خودم را به مکتب رساندم و مانع دخترم شدم. شب‌ها خواب‌های ترسناک می‌دیدم و لب‌هایم آبله می‌زد.

ولی من ناگزیر بودم به کنار خط ریل بروم. خدا خدا کرده با دعا و درود با پاهای لرزان و ترس فراوان شتاب زده می‌دویدم که سنگی به پشتم خورد. بدون اینکه عقیم را نگاه کنم به سرعتم افزودم. سنگ دیگر به سویم پرتاب شد و به تعقیب آن مردی مانند برق از میان جنگل پرید و مرا در چنگال خود گرفت که دیگر نفهمیدم چه شد.

وقتی چشم گشودم در اتاقی بودم که نگهبانم دو مرد چشم سرمه و نصور به دهن بودند. بی‌مهابا از جا برخاستم و با موجی از خنده‌های آن‌ها به جایم می‌خکوب گردیدم. فهمیدم که سند تباهی‌ام امضا شده و از عفت و عزت فاصله گرفته‌ام.

روزها گریستم و تضرع کردم ولی صدرو با تمسخر می‌گفت:

مگر عقابی که شکارش را به هزار زحمت در چنگال‌های تیزش می‌فشارد، حاضر است؛ صیدی به این خوبی را به آسانی از دست بدهد؟ به یقین که نه. جز و فحز من بر دل‌های سنگ آن‌ها اثر نکرد و شبانه با مردان زیادی خوابیدم، خندیدم و گریستم. تا اینکه دو دختر دیگر در چنگشان افتاد و از من خسته شدند. بر علاوه‌ای من یک زن دیگر را نگه داشتند. دختران تازه‌تر را به مردانی که چلتار به سر داشتند می‌فروختند. تنها یک زن که مانند تو از زیبایی خاصی برخوردار بود از بخت نیک به خودکشی نایل گردید که داغش هنوز هم در دل همه‌ای ما تازه است.

البته این کار روزمره‌شان است و زنان و دختران مظلوم زیادی را به اشکال مختلف دزدیده و به گفته‌ای خودشان آب می‌کنند، تغییر و تبدیل می‌نمایند و همراه هریکشان خوش می‌گذرانند.

در طرف چشمان اشک‌بار خاطره نگاه عمیقی نموده زیر لب گفت: دیگر نمی‌گذارم نفع این دُر بی‌بها را صاحب شوند.

خاطره پرسید: بعدش؟ خلاصه بعد از مدتی مرا آزاد کردند. نه اینکه آزادی به معنی واقعی و فاروق مردی قد درازی که همین حالا بیرون رفت، چمچه‌ای سر دسته‌ای خفاشان بی‌دین است. وقتی به فاروق گفتم:

یعنی من آزادم و بیرون بروم؟ وی با سگرستی که

در دست داشت کنارم نشست و سگرتش را به سینهام چسپانده چنان فشار داد که فغانم به آسمان رسید. با دندان‌ها خشماگین‌اش گفت:

هرگاه سوزش این آتش فراموش شد. آزاد هستی و می‌توانی بیرون بروی!

سوزش زخم سینهام که تا اعماق قلبم نفوذ کرده بود، کجا فراموشم می‌شد. خواستم بگویم که صدرو گفت: تو آزادی. سیلی محکمی بر رویم حواله کرد و گفت:

معنی آزادی را می‌فهمی؟ یعنی آزادی دست‌خورده‌ای ما به معنی روان شدن به قبرستان است. بدنم لرزید. با وجودی که بارها آرزوی مرگ نموده بودم و دست به خودکشی زده بودم، اینبار از مرگی که آن‌ها برایم تحفه می‌دادند، سخت ترسیدم. جای سوختگی سگرت را با لعاب دهنم تسکین داده پرسیدم: پس چی؟

گفت: به من نگاه کن و فقط بشنو، حق حرف زدن نداری. ورنه زنده زنده به گور می‌سپارمت. چشمان دیده‌دار و بی‌حیایش همانند ماری سبز و رنگین که شکارش را افسون کند، به چشمانم دوخته شد.

ترسم را صدچندان نمود. بدون معطلی گفت: به کارخانوی می‌روی والی اذان شام نان خودات را پیدا کرده دوباره اینجا حاضر می‌شوی. بدنم سیخ کشید.

وقتی به کارخانوی رسیدم سلیم که نگهبان زنان کهنه‌کار بود؛ چون برق خودش را کنارم رسانید و آهسته گفت:

به دکان تکه‌فروشی داخل شو. ناچار متابعت کردم. با اشاره او مرد قدلند و سیه‌چهره‌ای که چشمان متورم و ترسناکی داشت و آب رنگین پان از کنج لبش بیرون می‌زد، طرفم به نظر خریداری دید و بی‌مهابا مرا به پس خانه‌ای دکان بُرد. دو توپ تکیه را به دور کمرم چنان پیچ داد که تصور کردم قبرغه‌های تنم می‌ده شد. با اشاره سلیم خاموشی اختیار نموده و از بدن ورم کرده‌ام که چار برابر اندام اصلی‌ام شده بود ترسیدم. با اشاره‌ای خشم‌آلود سلیم چادری‌ام را پایین آورده و در بس شهری نشستم و او هم یک چوکی عقب‌تر نشست. گاهی مرگ هم از آدمی بی‌زار می‌شود. زمانی که مردان در بازار پرجمع و جوش صدر توپ‌های تکه را از بدنم باز می‌کردند؛ با هوس هرجایی از تن خسته‌ام را لمس نموده، لب‌هایشان را می‌جویدند، خونم منجمد می‌شد. نه اینکه لمس مردان را ندیده بودم ولی بالاخره خسته شده بودم. / ادامه دارد

**SOROOR SADR** **سرور صدر**  
 خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES  
 WITH APPOINTMENT  
 Gestion Financière Loyale  
 5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

**514.777.3604** [loyale.accounting@gmail.com](mailto:loyale.accounting@gmail.com)

**VANTAGE**  
 LE GÉNÉRALISTE FINANCIER ET IMMOBILIER

**آتوسا تنگستانی فر**  
 همراه با شما در خرید آگاهانه  
 همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

سروریس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

**514 995 3041**  
[atosa.tfar@gmail.com](mailto:atosa.tfar@gmail.com)  
 8250 boul. De'carie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5

**خاطره تحویل داری یکتا**  
 مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران  
**Commissioner for Oaths**  
 در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها  
 گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت  
 حتی در روزهای تعطیل

**(438) 390-0694 (514) 675-0694**  
[khaterehyekta@yahoo.ca](mailto:khaterehyekta@yahoo.ca)

**الهام گرامی**  
 دکترای روانشناسی  
 از دانشگاه آتلانتیک

- مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده و زوج
- مدرس مهارت‌های زندگی، مهارت‌های فرزند پروری
- مدرس مهارت‌های زناشویی

**(514) 431 2826**  
**Consultant & Life Coach**

عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا  
 دارای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران  
 (تعداد نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

**FAMOUS ASTROLOGER, PSYCHIC, PALMIST AND FORTUNE TELLER**  
**514 - 458 - 9599**  
**فال گیری و کف پینی**

**PALM READING, FACE READING, HOROSCOPE MASTER: GURUNANDHA**  
 ALL RELIGIONS WELCOME  
 If you have any problems, meet me once and get solutions permanent.

**WALK-IN WELCOME**  
 7 Days open  
 10am - 6pm

**SOLUTIONS FOR:**

- LOVE, MARRIAGE
- HUSBAND WIFE PROBLEMS
- DEPRESSION PROBLEMS
- ADOLESCENCE
- JOB, MONEY & ANY TYPE OF PERSONAL PROBLEMS

The Master is an expert in removing of Black Magic, Evil Spirits, Witchcraft, Bhut, Negative Energy, Obayah & gives 100% lifetime Protection.

**100% guarantee**

**PRIVATE & CONFIDENTIAL**

I am Born to Serve People

**4040 ST LAURENT BLVD, MONTREAL, QC H2W1Y8**

**ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.**

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری**  
**با توجه به انتخاب شما**  
**(514) 225 3500**

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و اشخاص  
 توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس

**Mojdeh Miri**  
 (514-562-3493)  
 CPA Candidate

**Iraj Mohammadi**  
 (514-625-6292)  
 CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.  
 Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>  
[info@elanaccounting.ca](mailto:info@elanaccounting.ca)

سرگرمی

آشپزی

خانواده





	9		5				1	4
6		1	7				2	3
5	7			1				6
4				2				
		2	6	5	1	8		
				9				1
3				7			9	5
1	5				4	6		8
8	4				5		3	

▲ نرمال

3			7	5	6	2		
		6					8	3
			4			6		5
			3				6	
	2			8				3
	8				9			
7		5		1				
8	9					7		
			2	6	7	5		9

▲ متوسط

2	5		6					
	1		3					
7	9				2		1	
					6			2
	4	5		2		1	7	
8			7					
	3		9				5	8
					3		4	
					7		2	9

▲ سخت

		1				3	7	
						8	6	4
			5					
	7		2	1				
3			9		6			7
					4	7		9
					5			
6		4	7					
	2	8					1	

▲ خیلی سخت



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

## سالاد بروکلی



«سالاد بروکلی» یک پیش‌غذای کامل است که در آن از انواع سبزیجات تازه استفاده شده است. این سالاد بخاطر وجود کلم بروکلی، سرشار از فیبر، پروتئین، انواع ویتامین‌ها و مواد معدنی مانند پتاسیم و آهن است. پیشنهاد می‌کنم این سالاد کامل و خوشمزه را حتما تهیه کرده و از طعم آن لذت ببرید.

### مواد لازم سس:

- |                     |                 |          |
|---------------------|-----------------|----------|
| ۳ قاشق غذاخوری      | ۱. سس مایونز    | ۱ عدد    |
| ۵ قاشق غذاخوری      | ۲. ماست خامه‌ای | ۱ عدد    |
| ۱ حبه               | ۳. سیر          | ۱ پیمانه |
| ۲ تا ۳ قاشق غذاخوری | ۴. شوید تازه    | ۲ عدد    |
| ۱ قاشق غذاخوری      | ۵. روغن زیتون   |          |
| به میزان لازم       | ۶. نمک و فلفل   |          |

### مواد لازم سالاد:

- |                   |
|-------------------|
| ۱ بروکلی          |
| ۲. فلفل دلمه رنگی |
| ۳. ذرت پخته       |
| ۴. هویج           |

### طرز تهیه:

کلم بروکلی را به صورت تکه‌های کوچک خرد کرده و بشویید. سپس آن را در آب جوشیده به مدت ۳ دقیقه بجوشانید. هویج‌ها را پوست گرفته و رنده درشت کنید. فلفل دلمه‌ای را نیز بصورت نگینی و ریز خرد کنید. تمام مواد سالاد را در ظرفی ریخته و مخلوط کنید.

جهت آماده‌سازی سس سالاد، مایونز و ماست را در ظرفی ریخته و سیر را در آن رنده کنید. شوید خرد شده و روغن زیتون و ادویه‌ها را اضافه کرده و مخلوط کنید. سس را بر روی مواد سالاد ریخته و خوب هم بزنید تا سس به خورد مواد سالاد برود. سالاد را حداقل یک ساعت در یخچال استراحت بدهید تا طعم مواد با هم تلفیق شود. سپس آن به ظرف سرو منتقل کنید. نوش جان

توضیح: خانه‌های جداول روبه‌رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

### جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

## سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۱۶ تا ۲۲ دسامبر / ۲۵ آذر تا ۱ دی

ترجمه:  
خاطره تحویل داری یکتا

### متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)



با حضور ونوس در مقابل موقعیت شما، روابط با همسر و دوستان نزدیک اکنون بسیار حمایتگرانه است. البته والدین ممکن است در نیمه هفته با فرزندان خود با چالش مواجه شوند. سعی کنید آتش‌بیارمهر که نبوده و در عوض با صبوری و منطق راه‌حل درست و روابط گرمی را با دیگران ایجاد کنید. زیرا این امکان‌پذیر است. ونوس در این مسیر به شما کمک می‌کند.

### متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)



اخیراً بسیار بر خانه، خانواده و آشفتگی‌ها تمرکز داشته‌اید. این آشفتگی‌ها به دلیل رفت‌وآمد میهمانان، جابه‌جایی محل زندگی، تغییر خانه و یا تغییر دکوراسیون می‌باشد. زمانی را به خود اختصاص داده و با خود یادآوری کنید که صبر پادتن خشم است. صبر الزاماً علت مشکل را حذف نمی‌کند، بلکه مزیتی موقت و عالی است. این هفته از کار لذت می‌برید، زیرا روابط با همکاران بسیار خوب است.

### متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)



این هفته بسیار پرمشغله هستید: سفرهای کوتاه، فعالیت‌های بسیار، رفت‌وآمد با اقوام و خواهر و برادر و احتمالاً خواندن و نوشتن بسیار. حضور ونوس روابط با کودکان را گرم‌تر کرده و شما را جذب تفریح و مناسبت‌های اجتماعی می‌کند. ممکن است در نیمه هفته با کسی اختلاف داشته باشید. گاهی زمانی که مشکل جدی است، باید آن را پذیرفته و قبول کنید که مخالف هستید. ممکن است این درست نباشد، اما آیا راه دیگری وجود دارد؟

### متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)



این هفته با آرامش شروع می‌شود؛ باین‌وجود مسائل مالی مربوط به اموال مشترک، مسئولیت‌های مشترک و ثروت و منابع دیگران ذهن شما را به خود درگیر می‌کند. شاید هم احساس می‌کنید با مواجهه با ارزش‌هایی متفاوت از ارزش‌های خود به چالش کشیده می‌شوید. قطعاً برخی از این مسائل در نیمه هفته به اوج خود می‌رسند. حضور ونوس در بالای موقعیت شما برایتان نعمتی است که راه ارتباط موفقیت‌آمیز تقریباً با همه را باز می‌کند.

### متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)



اکنون برای شما زمان قدرت است، زیرا در نظر دیگران، خصوصاً والدین، رؤسا و افراد مهم، موفق هستید و البته اکنون برای شما زمان برداشت است، زیرا بذرهایی را که در حدود سال ۲۰۰۵ کاشته‌اید، به بار می‌نشینند. درعین حال باید در نیمه هفته با همسر و دوستان نزدیک و افراد مقام دار صبور باشید. ممکن است لازم باشد نقش داور و یا مجری صبح را بازی کنید.

### متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)



اکنون زمان پرمشغله‌ای را پشت سر می‌گذارید. استانداردهای بالایی را برای خود تعیین کرده و می‌خواهید در هر کاری که انجام می‌دهید، کارآمد و مرتب باشید. به عبارتی می‌خواهید زندگی خود را گردگیری کرده و به آن شکل مناسبی بدهید. شاید در نیمه هفته با کسی در رابطه با کار به چالش کشیده شوید. به هر جهت انرژی و انگیزه‌تان به شما کمک می‌کند راه حلی پیدا کرده و با اعتمادبنفس پیش بروید.



## PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آلتیه  
مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۵۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



### متولدین دی (۲۲ دسامبر – ۱۹ ژانویه)



این هفته برای شما از نظر روابط با دوستان، گروه‌ها و سازمان‌ها همچون ترن هوایی است. در ابتدای هفته همه از یکدیگر حمایت می‌کنند، اما در نیمه هفته در رابطه با فردی با چالش جدی مواجه می‌شوید. ممکن است این کشمکش در خصوص قدرت، دردست‌داشتن مال و یا کنترل آن باشد. به هر جهت، مسئله جدی است و باید کاملاً با پشتکار عمل کنید.

### متولدین بهمن (۲۰ ژانویه – ۱۸ فوریه)



این هفته قطعاً برای شما غیرقابل‌پیش‌بینی است. در ابتدای هفته همه از یکدیگر حمایت می‌کنند، اما ناگهان در نیمه هفته همه چیز تغییر می‌کند و شما خود را در کشمکش با افراد مقام دار، والدین، رؤسا، معلمین، افراد مهم و پلیس می‌بینید. آن‌ها محدودیت‌های خود را به اجرا می‌گذارند و شما هم توجه نمی‌کنید و برای بهبود شرایط می‌جنگید. در نهایت ممکن است شما موفق شوید، زیرا آنها ضعیف هستند و شما قوی.

### متولدین اسفند (۱۹ فوریه – ۲۰ مارس)



باید باهوش بوده و این هفته از سازمان‌ها و گروه‌هایی که به دنبال مسائل جدال برانگیز، یا به عبارتی مسائل مربوط به سیاست، مذهب و مسائل قومی، هستند فاصله بگیرید. طبیعتاً خوب است از اعتقادات خود دفاع کنید، اما این هفته، خصوصاً در نیمه هفته، این برخوردها به جدال می‌انجامند. البته این مخالفت‌ها در آخر هفته کم می‌شوند؛ بنابراین در نهایت پیروزی از آن شماست، اما باید زمان‌بندی درستی داشته باشید.

### متولدین مهر (۲۳ سپتامبر – ۲۲ اکتبر)



متولدین مهر مُد و فشن را حاکم می‌دانند و علامت این برج هم نشان‌دهنده قانون است. شاید به همین دلیل و کلا و افراد قانون شیک‌پوش هستند. این هفته ممکن است در مورد مسائل مالی و مالکیت با دیگران در جدال باشید. شاید بحث‌ها به بچه‌ها هم ارتباط داشته باشند. از بحث‌های جدی در مورد پول و اموال دوری کنید، زیرا انرژی تحلیل‌گر خود را برای به‌کارگیری منطق و قضاوت صحیح دیگران احتیاج دارید.

### متولدین آبان (۲۳ اکتبر – ۲۱ نوامبر)



این هفته خورشید، عطارد و مریخ در موقعیت شما در یک صف قرار گرفته و در نیمه هفته در جدال با زحل خواهند بود. این می‌تواند به معنای انفجاری در خانه و خانواده باشد. به عبارتی افراد مقام دار، والدین، قانون، سنت‌ها و یا محدودیت‌های یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر شما را به چالش می‌کشند. فراموش نکنید یکی از تعاریف بلوغ آن است که پیام‌زید چطور محدودیت‌ها را پذیرفته و با تمام توان خود تلاش کنید.

### متولدین آذر (۲۲ نوامبر – ۲۱ دسامبر)



باوجودآنکه این هفته به‌آرامی شروع می‌شود، در نیمه هفته احساس می‌کنید از چیزی خسته هستید. شاید از اتفاقی پشت پرده و یا شاید مسئله‌ای در ضمیر ناخودآگاه شما را آزار می‌دهد. باید بدانید که به‌خوبی از عهده آن برمی‌آید و در آخر هفته همه چیز خوب خواهد بود. باید اعتمادبه‌نفس را در تمام کارها در خود بالا ببرید. این هفته زمان خوبی برای جذب پول و خرید کردن است.

# آرش شکور

کارشناس رسمی املاک مسکونی شما



برای خرید خانه رویایی خود  
روی "تجربه ما" حساب کنید

۰۵۱۴-۷۳۰ ۳۹۰۹

Instagram/Shakourz



## شعر هفته

### خانه!

تو را من شهرداری می ستایم  
اگرچه در نمی آید صدایم!  
دلم بگرفت و دیدم راه چاره  
بکردم خانه‌ای چوبی اجاره  
چه گویم؟ خانه‌ام تاریک و سرد است  
ندانی! این دلم پر ریش و درد است  
ولی آبی ز من پروانه خواهی!  
و یا یک مبلغی جانانه خواهی  
من از چاله در آیم با دو صد آه  
که تا افتم خدایا اندرین چاه؟  
مشو راضی که من بی‌خانه باشم  
چو مجنون واله و دیوانه باشم  
دلم شد این خدایا پاره پاره!  
که تا این خانه کردم من اجاره  
رسید اما ز تو دیگر بلایی  
که: «ای در خانه بنشسته کجایی؟  
ندادی تو عوارض‌های پیش  
به قربان همان یک تار ریشت!»

منبع: (پینوکو کجایی؟، سروده‌های سیدهادی  
حیدری. یزد: نیکوروش، ۱۳۹۳)

## دو کشور

## حکایت هفته

در زمان‌های خیلی دور دو کشور همسایه بودند. اسم یکی سمپرونی و دیگری تیسیا بود. در مدرسه‌های کشور سمپرونی به دانش‌آموزان یاد می‌دادند که سمپرونی از طرف غرب با تیسیا همسایه است و وای به حال بچه‌ها اگر این موضوع را فراموش می‌کردند. دانش‌آموزان مدرسه‌های کشور تیسیا هم یاد می‌گرفتند که کشورشان از طرف شرق با سمپرونی همسایه است و بچه‌ها خوب می‌دانستند اگر این موضوع را از یاد ببرند به کلاس بالاتر نخواهند رفت.

در طول قرن‌ها همسایگی، این دو کشور با هم در جنگ سرد بودند و هر ده سال یک‌بار هم واقعاً با هم می‌جنگیدند. اول به‌هم نیزه پرتاب می‌کردند، بعد با تفنگ و دست آخر با توپ و تانک به‌جان هم می‌افتادند. البته نمی‌شد گفت آنها چشم دیدن هم را نداشتند. برعکس در زمان صلح سمپرونی‌ها به تیسیا می‌رفتند و عقیده داشتند که تیسیا کشور خیلی زیبایی است. تیسایی‌ها هم برای گذراندن تعطیلات لذت‌بخش به سمپرونی مسافرت می‌کردند.

با همه اینها هر دو کشور در کتاب‌های درسی دانش‌آموزانشان مطالب خیلی بدی درباره کشور همسایه‌شان می‌نوشتند. سمپرونی‌ها نوشته بودند: «جنگ را همیشه تیسایی‌ها شروع می‌کردند.» تیسایی‌ها هم نوشته بودند: «سمپرونی‌ها بارها و بارها به کشورشان حمله کرده‌اند.»

دانش‌آموزان تیسایی در کتاب تاریخشان می‌خواندند: «در جنگ مشهور توسی-ناسی سمپرونی‌ها را شکست جانانه‌ای دادند به طوری که آنها فرار را بر قرار ترجیح دادند.» دانش‌آموزان سمپرونی هم در کتاب تاریخشان می‌خواندند: «در جنگ مشهور توسی-ناسی تیسایی‌ها شکست بسیار سختی خوردند.»

به این ترتیب مردم این دو کشور قرن‌ها در همسایگی هم زندگی کردند در حالی که نه دوستی و نه دشمنیشان دلیلی داشت. البته فقط این دو کشور نبودند، مثل آنها کشورهای دیگری هم هستند که من اسمشان را به یاد ندارم.

منبع: (قصه‌ها و داستان‌های جانی ژداری، ترجمه مهناز صدری. تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۴)

## لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- ☺ طرف گوشی اپل خرید گذاشت جیب پشت شلوارش. یادش رفت نشست صدای تق شکستن اومد... با نگرانی گفت: ایشالله به حق ۱۴ معصوم که استخوون لگنم شکسته باشه!!!!
- ☺ هدف آموزش و پرورش از آنلاین بودن مدارس ... هر خانه ایرانی ... یک مادر روانی!
- ☺ دنیا اگه خوب بود که دواي سرماخوردگی شلغم نبود!! سیب زمینی سرخ شد با سس قرمز بود...
- ☺ قیمت لباس زمستانی از «یا ابلفضل» شروع میشه ... و تا «هنوز لباس پارسال قابل استفادس» ادامه داره!
- ☺ سر سفره به بابام گفتم من دیگه میخوام مستقل شم گفت: دنگ غذات میشه ۲۰ تومن ... ترشی هم مهمون من بودی ... بزرگوار دست و بالش یکم تنگه وگرنه دوسم داره!
- ☺ جدی جوشا چرا انقدر بی‌شعورن؟! ... الان به‌جای اینکه روی دماغ و لپ در بیان که ماسک بزنی معلوم نشه ... رو پیشونی درمیان!
- ☺ حیف نون زنش میمیره؛ سال بعد زن میگیره ... بهش میگن چقدر بی‌معرفتی زن گرفتی! ... حیف نون میگه: تو این یه سال یکیتون یه ماچ به من تعارف کردین!!!!

## نکته هفته

کوچک‌ترین نسیمت اگر یاری‌ام کند، طی می‌کنم خزان بزرگ زمانه را...

## نقل قول هفته

آندره مالرو: زندگی به‌هیچ نمی‌ارزد اما ارزش هیچ‌چیزی هم به اندازه‌ی زندگی نیست!

## ضرب‌المثل هفته


پارسی: زندگی شما زمانی زیبا و شیرین خواهد شد، که پندارتان، کردارتان و گفتارتان نیک باشد.

اسپانیایی: به‌کار دشوار حمله کن گویی آسان است و به‌کار آسان روی بیاور، گویی دشوار است.

**صرافی افرا**  
 با مدیریت افرا مصطفایی  
 کارتخوان ایران  
 انجام خدمات ارزی به ایران و بر عکس (استرالیا و ترکیه و ارمنستان)  
 تضمین امنیت و جوجه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا  
 جنب مترو اتواتر  
 514-576-3830  
 4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

★★★★★  
**Five Star I.P.M Inc.**  
**صرافی پنج ستاره**  
 متوجه تر با نیا  
 تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و  
 بالعکس با کمترین هزینه  
 514 585 2345 | 514 846 0221  
 4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

**صرافی آشنا**  
 خرید و فروش ارزهای رایج و  
 حوالجات ارزی  
  
 Office: 514 - 560 - 7085  
 Cell: 514 - 462 - 5185  
 1 Westmount Square #455 H3Z 2P9  
 Metro Atwater, Exit Westmount square

کلیه خدمات عکاسی و  
 فیلمبرداری حرفه ای در استودیو  
 فقط با وقت قبلی  
  
**STUDIO PHOTOBOOK**  
 (514) 984-8944  
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

**SHARIF EXCHANGE**  
**صرافی شریف**  
 توجه: انتقال ارز به ایران و بر عکس نداریم  
 www.sharifexchange.ca  
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی  
 514-624-5609 - 514-655-5609  
 bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت  
 حسین ترکپور، مددکار اجتماعی  
 www.psynaquebec.com 514-846-8872

**اجاره آپارتمان (سابلت) در داون تاون**  
 در مرکز شهر (مترو گای) / دوونیم بزرگ / عالی برای دو  
 دانشجو فقط ۱۰۰۰ دلار در ماه  
 با نسیم تماس بگیرید: 438-220-1158

**اجاره آپارتمان در لاسال**  
 واحد یک خوابه در یک ۴ پلکس / با حیات و بالکن  
 آفتابگیر / مبله کامل  
 فقط ۸۹۵ دلار در ماه  
 از ۱۵ دسامبر اجاره کنید و ۴۰۰ دلار جایزه نقدی  
 بگیرید.  
 514-834-7254

**استخدام**

شرکت تولیدی لباس برند «جک ویکتور»  
 حتی بدون تجربه کاری استخدام می‌کند:  
 درآمد خوب  
 امتیازات و شرایط عالی کاری  
 دائمی، تمام وقت و یا پاره وقت  
**ما به نیروهای زیر نیاز داریم:**  
 کار جنرال / انباردار  
 اپراتور دستگاه بُرش / اپراتور دستگاه خیاطی  
 HR@JackVictor.com 5148664891

**Deal Properties**

## شبنم نبی‌پور

مشاور املاک

کمیسیونر و ارزیابی و امکان به صورت تلفنی و حضوری  
 خدمات ۲۴ ساعته برای خریداران تا پایان پروژه خرید  
 اخذ وام بانکی با بهترین نرخ و کمترین پیش پرداخت حتی برای تازه واردان

**613-709-9070**

OFFICE: 613-366-1713  
 WWW.SHABBYNABIPOUR.COM  
 E-MAIL: SHABBY@IDEALPROPERTIESREALTY.COM

Shabby Nabipour  
 Sales Representative

**MEHDI FALLAHI**  
 REALTOR

تمام مشتریان من  
 تبدیل به دوستان  
 صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما  
 نیز خدمت کنم.  
 ۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

ROYAL LEPAGE  
 MASTER SALES  
 AWARD 2022

ROYAL LEPAGE  
 Team Realty

yes@RealOttawa.ca

محل های پخش  
**هفته در اتاوا**

سوپرمارکت آریا  
 ۶۱۳-۵۹۴-۳۶۳۶  
 508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز  
 ۶۱۳-۵۶۳-۱۲۰۷  
 725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل  
 ۶۱۳-۸۹۷-۶۶۶۶  
 355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما  
 ۶۱۳-۶۹۵-۲۲۲۱  
 129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

**محل جدید پخش هفته در اتاوا**

افغان کباب اکسپرس  
 ۶۱۳-۵۹۳-۸۸۸۰  
 249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4  
 ■ www.hafteh.ca ■ info@hafteh.ca

**www.ravamid.ca**  
**info@ravamid.ca**

**موسسه مهاجرتی روادید:**

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب  
 اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی  
 سرمایه گذاری و کار آفرینی  
 خرید بیزینس و دریافت مجوز کار  
 اکسپرس انتری  
 ویزای توریستی  
 تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا  
 اسپانسرشیپ همسر والدین  
 خدمات اسکان اولیه  
 و...

**تماس رایگان در آمریکای شمالی:**  
 Free Tell & fax:  
 1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی  
 +1(514) 797-6850 (Ottawa head office)  
 +1(514) 638-8258 (Montreal office)

**ALIREZA MANSOURI**  
**RCIC, R533715**



# نیازمندی‌ها با حداقل هزینه نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

مد و لباس HPadar ۸۴۲-۵۶۰۸	فردیون هرندیان ۹۳۳-۶۸۰۰	دکتر رضا یاوریان ۹۵۳-۳۰۵۰	اتومبیل (فروش) Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰ www.autohighlander.com
مراکز مذهبی انجمن بهایی ۸۴۹-۰۷۵۳	رسانه های گروهی بازار ۸۴۸-۹۵۹۹	بیمه عمر و سرمایه گذاری مریم طالبی ۹۹۳-۷۹۷۶	www.autocaspien.com 1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7 اتو کاسپین ۵۷۵-۷۹۴۰
موسسه خویی ۳۴۱-۲۲۳۵	کلیسای ایرانی ۲۶۱-۶۸۸۶	علی پاکنژاد ۲۹۶-۹۰۷۱	www.autocaspien.com اتومبیل (تعمیرگاه) اطلس ۴۸۴-۴۴۸۱
کلیسای فارسی-کشیش ۹۹۹-۵۱۶۸	کلیسای فارسی-کشیش ۹۹۶-۹۶۹۲	عبدالله صفوی ۴۶۷-۸۴۹۱	6000 saint jaque H4A 2E9 شمیران ۴۸۷-۶۲۶۲
مشاور املاک مهدی انصاری ۵۸۸-۰۶۰۹	رستوران-پیتزا - کیتزینگ فاروس ۷۳۷-۴۵۲۷	مهدی امانی ۵۵۳-۰۹۷۸	آرایشگاه - زیبایی - اسپا آمنه ۹۳۳-۰۷۶۳
آتوسا تنگستانی فر ۹۹۵-۳۰۴۱	رستوران غذاهای دریایی ۳۶۲-Ave.-Fairmount W. / 514-270-8437	بیمه (خودرو و خانه و سفر) مشاور فارسی زبان بیمه Allstate مهرداد ملکچمشیدی ۶۵۲-۷۶۷۷	3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1 www.Amybeautysalon.com سوزان ۸۱۳-۴۹۴۷
مینو اسلامی ۹۶۷-۵۷۳۳	پوشاپ (هندی) آریا ۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹	مریم طالبی ۹۹۳-۷۹۷۶	رویا ۹۳۴-۳۳۷۴
نادر خاکسار ۹۶۹-۲۴۹۲	کباب سرا 755 Ave. Atwater / 514-933-0933	فریده شرفی ۷۱۵-۲۴۹۴	فریبا ۴۸۷-۰۸۰۰
شهره شهریان ۲۹۰-۲۲۱۰	ساخت و ساز Builders علی خاقانی ۵۷۴-۵۷۴۳	ترجمه و دعوتنامه رسمی رضا داودی ۶۹۱-۴۲۸۳	ارز آپادانا ۷۳۱۸-۸۳۹
سحر صمدایی ۶۲۵-۲۵۲۵	فیروز همتیان آرزو کتمیری ۸۲۷-۶۳۶۴	خاطره تحویلدار یکتا سارا کیانی ۸۸۴-۱۰۱۶	پرستار ۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰
محمد اجزای ۹۲۴-۵۰۵۵	شاهین سجادی ۴۶۴-۸۲۲۰	چاپ و کپی فتو کپی ان دی جی ۴۸۸-۵۳۳۳	پنج ستاره ۸۴۶-۰۲۲۱
بازرس ساختمان علیرضا شریف زاده ۶۶۳-۷۲۱۵	فرش و موکت قالی شویی و رفو ۷۳۹-۴۸۸۸	حسابداری اردشیر معین افشاری ۴۵۸-۷۵۹۹	صرافی الیت ۹۸۹-۲۲۲۹
مشاور خانواده لاله رهبین ۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	عکاسی و فیلمبرداری استودیو فتوبوک ۹۸۴-۸۹۴۴	حسین خریدین حجت رستمی ۲۴۲-۶۰۳۴	شرفی ۲۲۳-۶۴۰۸
مشاور مهاجرت معصومه علی محمدی ۲۸۹-۹۰۴۴	فتو شاپ ۸۴۶-۰۲۲۱	سرور صدر مهدیه سلیمی ۷۷۷-۳۶۰۴	صرافی رویال ۸۳۶-۷۰۹۰
علی مختاری ۹۰۳-۴۷۲۶	فروشگاه ها	مهدیه سلیمی ۸۸۶-۷۴۷۱	پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱
سهیل ملاحمدی ۷۴۸-۰۹۴۹	گنجی www.GanjiCo.com	حمل و نقل المپیک ۹۳۵-۳۳۰۰	ExpertFX ۸۴۴-۴۴۹۲
نان و شیرینی کندم ۸۳۶-۵۵۵۳	سن لوران ۳۶۹-۳۴۷۴	خدمات ویزای توریستی خیاطی ۲۳۴-۳۳۹۹	الکترونیک - برق کار آراز الکترونیک ۳۵۲-۶۸۸۳
نان سنگک آذر ۶۳۴-۶۳۶۳	بازار ۴۸۶-۱۶۱۷	Loadex Transport خدمات ویزای توریستی ۲۳۴-۳۳۹۹	آژانس های مسافرتی سلطان تراول ۴۸۴-۴۰۰۰
نوسازی و تعمیرات ساختمان شرکت بن ۴۴۱-۴۲۹۵	EXO Fruits متروبولیس (تعاونی رز) ۸۴۹-۴۲۴۲	کامپیوتر و خدمات بیژن جلالی ۲۵۸-۸۱۸۶	فرناز معتمدی ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶
شرکت آماج ۹۴۲-۹۹۶۹	کامپیوتر و خدمات بیژن جلالی ۲۵۸-۸۱۸۶	تایلور ۴۱۹-۱۰۳۹ 2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1	مهری صدوقی ۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳
لوله کشی پتانسیل ۴۶۳-۳۰۱۴	EvoWeb ۵۱۴-۶۴۹-۹۳۶۶	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	سعید هاشمی ۲۷۲-۹۹۹۹
لوله کشی پارس ۲۹۰-۲۹۵۹	کتاب فروشی / کتابخانه کتابخانه نیما ۴۸۵-۳۶۵۲	خدمات در ایران دارالترجمه فرهنگ ۶۹۱-۴۲۸۳	مدرسه دهخدا ۲۵۸-۸۱۸۶
بهنام ۴۴۱-۴۲۹۵	طراحی و گرافیک محضر رسمی مونا صالحی ۹۰۳-۸۵۶۰	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	آموزشگاه (راندگی) پروین عبائی- فارسی ۶۷۵-۴۴۰۵
وام مسکن بهرز باباخانی ۶۰۶-۵۶۲۶	طراحی و گرافیک محضر رسمی مونا صالحی ۹۰۳-۸۵۶۰	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	مدرسه فردوسی ۵۰۲-۴۳۷۸
آتوسا تنگستانی فر ۹۹۵-۳۰۴۱	طراحی و گرافیک محضر رسمی مونا صالحی ۹۰۳-۸۵۶۰	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	مدرسه وست آیلند ۶۲۶-۵۵۲۰
شیرین تیموری ۹۷۹-۹۸۰۹	طراحی و گرافیک محضر رسمی مونا صالحی ۹۰۳-۸۵۶۰	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	مدرسه دهخدا ۲۵۸-۸۱۸۶
مهرداد مرادخانی ۸۳۴-۸۰۵۳	طراحی و گرافیک محضر رسمی مونا صالحی ۹۰۳-۸۵۶۰	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	آموزشگاه (راندگی) پروین عبائی- فارسی ۶۷۵-۴۴۰۵
مهد کودک سیما (دولتی) ۶۹۹-۸۳۷۳	طراحی و گرافیک محضر رسمی مونا صالحی ۹۰۳-۸۵۶۰	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰
وکیل/مهاجرت دیوید برگر ۹۶۱-۸۷۴۶	طراحی و گرافیک محضر رسمی مونا صالحی ۹۰۳-۸۵۶۰	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	آموزش (موسیقی) استاد بیانیت فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
	طراحی و گرافیک محضر رسمی مونا صالحی ۹۰۳-۸۵۶۰	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	آموزش (زبان) آکادمی آریا ۸۳۹۴۴۴۴



Cover  
NO.661

## 16. Histoire de couverture

**Je ne voulais pas disparaître quand mes enfants viendront au monde**

Entretien avec Saghi Ghahraman, l'une des 100 femmes inspirantes de 2021

■ Farangis Shakiba

**13 Perortage :** Arash Mohebi  
**La Fondation Priya décerne une bourse à 60 étudiants à Toronto**



**25 Immigration:** Masoumeh Alimohammadi  
**Voici les 12 politiciens qui supervisent la politique d'immigration du Canada**



**36 Cinema:** Aref Mohammadi  
**L'innocence humaine et l'esclavage moderne !**



**43 Histoire:** Aarsam Arani  
**Un regard sur les hauts et les bas du premier et du dernier gouvernement soviétique en Iran**



**63 Afghanistan:** Nargis Hashimi  
**Fakhrieh Rezaei, une jeune militante montréalaise, en entrevue avec Hafteh :**  
**Nous ne devons pas oublier nos racines**



Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal

16 Dec 2021, numéro 661

(514) 834-7254  
• www.hafteh.ca  
• info@hafteh.ca  
• news@hafteh.ca  
• ad@hafteh.ca  
• ISSN 1918-4379 Hafteh

Hafteh will not be published on the following dates during 2021:

January 7th March 25th  
July 8th October 14th

Siège social:  
1980 Rue sherbrooke O  
Suite#: 900  
Montreal H3H 1E8

**Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie**

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Zahra Salehi



le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.  
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



**PERMONT**

Entrepreneurs généraux / General contractors Inc.

تیم مدیریتی با بیش از ۳۰ سال سابقه اجرا در کانادا

## سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی  
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز  
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca  
5575 boul. de la Verendrye, Montreal, H4E 3R6  
RBQ # 5639-5874-01

**Proxim**

بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

داروخانه پروکسیم شادی کبک

در خیابان سن لوران



PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما  
در سراسر منطقه مونترال بزرگ، لاول و ساوت شور

دسترسی شما به دارو همه روزه  
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org



# آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مسکونی و تجاری شما  
در مونترال و حومه

مشاوره تخصصی املاک درآمدزا جهت سرمایه گذاری  
همراه شما در خرید خانه های ویلایی , کاندو و تانهاوس  
فروش ملک شما به بالاترین قیمت  
دسترسی به پیش فروش VIP  
دریافت وام تضمینی



Instagram/Shakourz

(514)441-4189

(514)730-3909





**زست آجیل  
در محل**

Costco Marche Central

Acadie

Louvain O



## A Plus Quality Nuts

وارد کننده خشکبار

توزیع کننده مواد غذایی ایرانی به صورت عمده و خرده فروشی

تلفن: 514-691-0002

اینستاگرام: @aplusqualitynuts

شنبه تا سه شنبه: ۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰ و چهارشنبه تا جمعه: ۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰



1605 Louvain O, Montreal, H4N 1G6

دارای پارکینگ







**INSTITUT TECHNIQUE**  
**AVIRON**  
**TECHNICAL INSTITUTE**  
**DE MONTRÉAL**

80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس  
• مشاوره برای کارهایی ارائه می‌شود

**Service de Placement Disponible**




## روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais  
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

**Programmes D.E.P 1800 heures:**

**دوره های حضوری**

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Électricité
- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- برق کاری

**دوره های آنلاین**

- Dessin industriel
- طراحی صنعتی

**امتحانات: حضوری، آنلاین، پروژه**




5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane      www.avirontech.com      514-739-3010

## مهندس مهدی انصاری

### مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران  
از دانشگاه کنکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی

**بسته خرید ویژه، مخصوص پرستاران و پزشکان عزیز**

**☎ 514-588-0609**

www.mahdiansari.com  
medi.ans.mtlbroker



GROUPES IMMOBILIER  
**LONDONO**  
REALTY GROUP INC

**CANADA AWARDED BROKER 2019 - 2020**